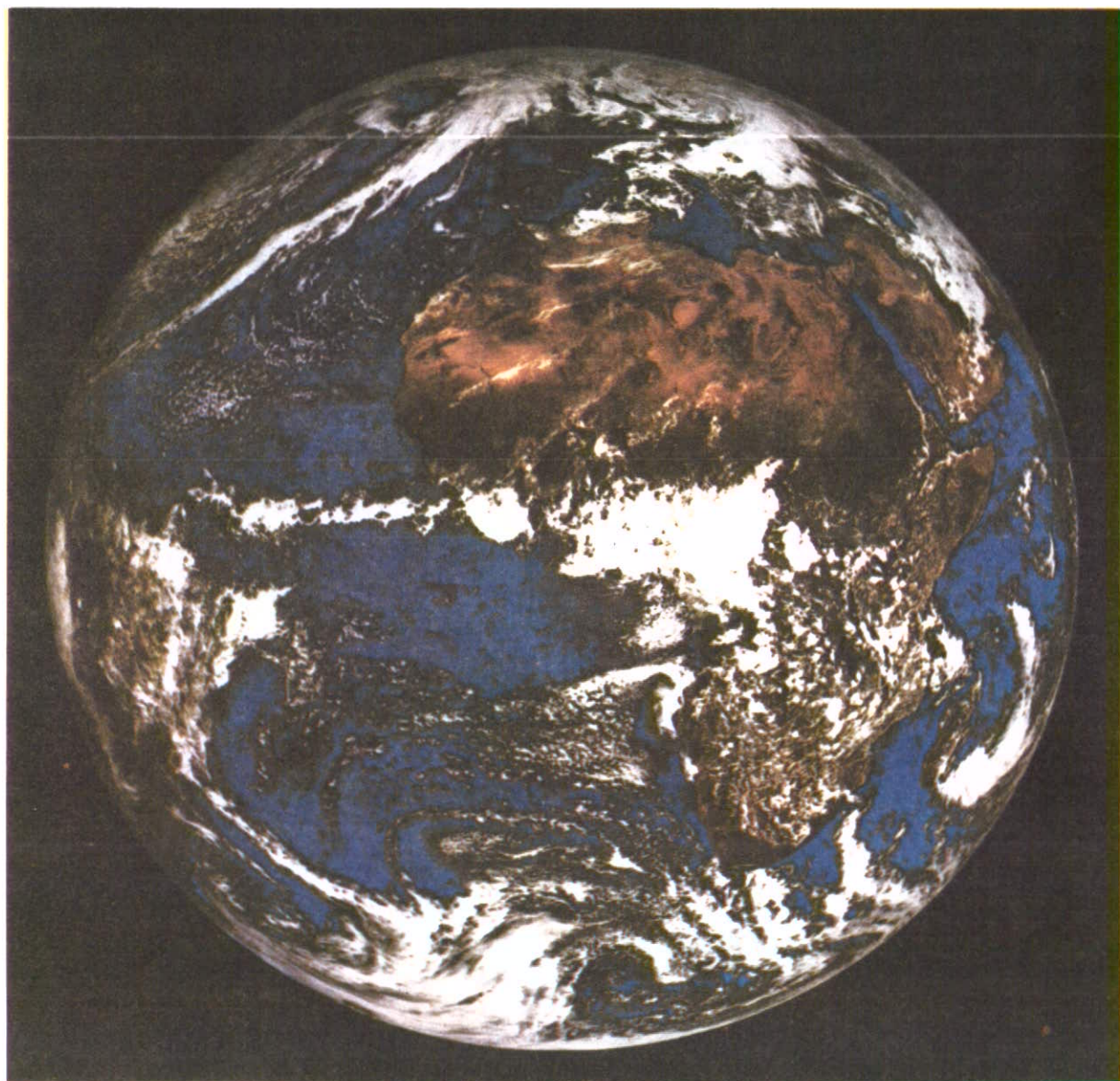


سال دوم شماره ۶ تابستان ۱۳۶۵ ۱۰۰ ریال



## فهرست مطالب

- \* یادداشت سردبیر ..... صفحه ۳
- \* اهمیت و ضرورت سرشماری عمومی نفوس و مسکن پائیز ۱۳۶۵ ..... ۴  
گروه جغرافیای دفتر تحقیقات
- \* نگاهی اجمالی بر اکولوژی چشم اندازهای طبیعی ..... ۸  
کامبیز سلطانی - سازمان محیط زیست
- \* آموزش جغرافیا در کشور اتریش ..... ۱۷  
سیاوش شایان
- \* افریقای امروز ..... ۲۲  
دکتر حسین بنی فاطمه - دانشگاه تبریز
- \* کمکهای خارجی، انگیزه‌های پرداخت و اهداف پرداخت کنندگان .. ۲۶  
دکتر فریدون وحیدان - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
- \* نگاهی به اهمیت انواع دام در شرایط کنونی ( قسمت دوم ) ..... ۳۵  
دکتر پرویز کردوانی
- \* نگرشی سیستمی یا ساختاری در ژئومورفولوژی ..... ۳۸  
دکتر حسن صدوق
- \* درخت قربانی ..... ۴۱  
دکتر نصراله پورافکاری
- \* معرفی کتب چاپی جغرافیائی دوران قاجار ( قسمت چهارم ) ..... ۴۶  
استاد جواد صفی نژاد
- \* معرفی کتب خطی جغرافیا ..... ۴۹  
صدیقه سلطانی فر
- \* نهضت اسلامی در فطانی الگوی شگفت‌انگیز در مبارزه علیه اشغالگران ناپلندی ..... ۵۱  
علی چراغی
- \* مقالات جغرافیائی از مجلات جغرافیائی جهان ..... ۵۳  
دکتر حسین شکویی
- \* مقالات و اطلاعات جغرافیائی در نشریات ایران ..... ۵۶
- \* آشنائی با کشورهای جهان ( آنتیگوا و باربودا ) ..... ۵۸  
سعید بختباری ( مؤسسه گیئاشناسی )
- \* پرسش و پاسخ ..... ۶۵
- \* اخبار جغرافیائی ..... ۶۳
- \* کتابهای تازه ..... ۶۴
- \* دعوت از استادان و محققین جغرافیا ..... ۶۶



# آموزش جغرافیا

شماره ۶ - تابستان ۱۳۶۵

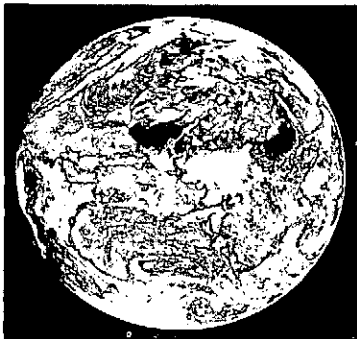
نشریه گروه جغرافیا دفتر تحقیقات و برنامه - ریزی و ناء لیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش نشانی: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ - گروه جغرافیا

تلفن: ۸۲۶۱۸۴

سردبیر: دکتر حسین شکویی

مدیر مسئول: عبدالرضا فرجی

زیر نظر اعضای هیئت تحریریه



عکس روی جلد: عکس ماهواره‌ای از کره زمین.



عکس پشت جلد:

تصویر حسن خان که درس

جغرافی می خواند. از

کتاب تعلیم الاطفال،

نوشته محمود مفتاح

الملک وزیر دارالشورای

کبری، ۱۳۲۴ ق.

سنگی، جیبی، نستعلیق.

قسمت‌های منی و هنری مجله رشد آموزش جغرافیا شامل حروفچینی - صفحه‌آرایی - لیتوگرافی - نقشه‌ها - تصاویر

جغرافیایی و چاپ توسط مؤسسه گیئاشناسی انجام گردیده است.

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، چهارراه ولی عصر، جنب پارک دانشجو، خیابان ارفع، پلاک ۱۵، تلفن: ۶۷۹۳۳۵

# بسم الله الرحمن الرحيم

یادداشت سردبیر

۲۲۸۶ سال پیش از این، شاید برای اولین بار، عنوان جغرافیا در موزه اسکندریه شنیده شد و مثل سایر دانشهای کهن بشری، مرکز علمی اسکندریه، نخستین دانشگاه جهان، زادگاه علمی گشت که امروزه از آن به عنوان جغرافیا نام می‌بریم.

از آن زمان تا کنون، علم جغرافیا، همواره با کلیت روابط انسان و محیط سروکار داشته و مسائل روزمره انسانی را در رابطه با مکان مورد بررسی قرار داده است. روی این اصل، شناخت جامعه انسانی، بررسی توان منابع طبیعی، آگاهی از شرایط طبیعی و بیولوژیکی مکانها در رابطه با وابستگی‌های داخلی و پیوستگی‌های خارجی، مفهوم جغرافیا را روشن می‌سازد.

مجله رشد آموزش جغرافیا، با توجه به این سنت علمی جغرافیا، به نشر مقالاتی می‌پردازد که بتواند جریان دانش جغرافیا را در زمان ما بیان دارد و در همان حال مسائل مربوط به آموزش و تحلیل مسائل جغرافیایی و کاربرد این علم را بازشناسد. مقالات شماره ششم مجله، مثل شماره‌های قبل در این جهت تهیه شده است.

اکنون که در جامعه ما، موضوع انتخاب استراتژی توسعه، کشاورزی محور توسعه اقتصادی، مطرح می‌باشد، بالطبع بخشی از آن به طور روشن با مسئله دامداری مربوط می‌شود.

در مقاله (نگاهی به اهمیت انواع دام در شرایط کنونی) با روشهای نگهداری انواع دام آشنا می‌شویم، مشکلات گوسفندداری، اهمیت نگهداری شتر، مراتع کویری و بیابانی در رابطه با مسئله چرای دام، گاو داری در روستاها، اهمیت نگهداری انواع حیوانات بارکش، وابستگی کشاورزی به دامداری در گذشته و علل ضعف آن در حال حاضر مورد بحث قرار می‌گیرد.

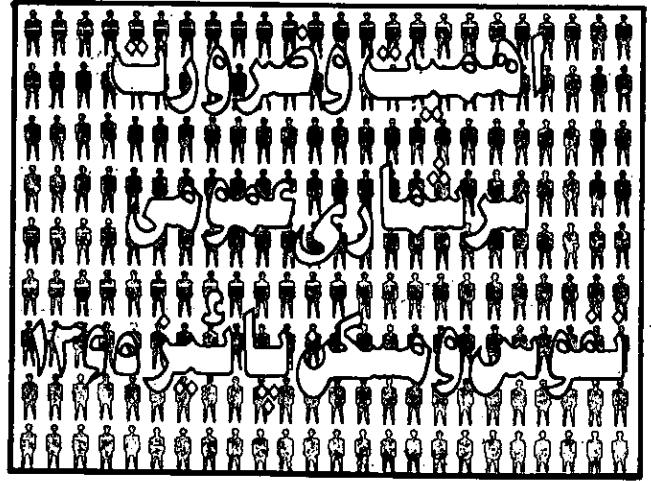
می‌دانیم که در دو سال اخیر، بحران بدهیهای کشورهای در حال توسعه بر سیستم تجارت جهانی سایه افکنده و بحثهای جدی را در محافل علمی و سیاسی جهان برانگیخته است. بدینسان که مطالبات دولتهای غربی از کشورهای در حال توسعه، بیش از پیش این قبیل کشورها را در تنگنای اقتصادی و سیاسی قرار داده است. نویسنده مقاله (گمکهای خارجی و اهداف پرداخت کنندگان) با تحلیل مسائل مربوط به واگذاری گمکهای خارجی، به راه‌هایی نیز اشاره می‌کند.

عده‌ای از جغرافی‌دانان جهان، جغرافیا را مطالعه چشم‌اندازها می‌دانند. یک چشم‌انداز جغرافیایی، فضایی است از اشکال طبیعی و سازمانهای اجتماعی که آثار انسانی را در محیط خود و در طول زمان نشان می‌دهد.

نویسنده مقاله (نگاهی اجمالی بر اکولوژی چشم‌اندازهای طبیعی) یکی از بحث‌انگیزترین تعاریف و مفاهیم جغرافیایی را با تفکر کامل "علمی مورد بررسی قرار می‌دهد.

در مقاله آفریقای امروز، شرایط اجتماعی و اقتصادی میلیونها آواره در نواحی مختلف قاره بازگو می‌شود. در مقاله درخت قربانی، اثرات محیط جغرافیایی را در پیدایش سنتها مطالعه می‌کنیم و در نگرش سیستمی، برای اولین بار با نگرش سیستمی در ژئومورفولوژی آشنا می‌شویم. در بخش معرفی کتب چاپی جغرافیایی دوران قاجار بررسی جامعه‌ای از اصول علم جغرافی تألیف عبدالغفار صورت می‌گیرد و مثل همه شماره‌های مجله رشد آموزش جغرافیا، در آموزش جغرافیا در اتریش، تحصیل جغرافیا در مقاطع مختلف تحصیلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در این شماره، به سبب سرشماری عمومی نفوس و مسکن در پائیز سال ۱۳۶۵، تحلیل جالبی نیز از اهمیت سرشماری و کاربردی آن در مسائل مختلف اجتماعی و اقتصادی به چاپ رسیده است.



تهیه و تنظیم در گروه جغرافیای دفتر تحقیقات

### سابقه سرشماریهای نفوس و مسکن

از دیرباز دولتها به ضرورت یافتن توان کافی برای اداره امور، اخذ مالیات، سربازگیری و رهبری جامعه به کسب اطلاعات در زمینه‌های مختلف از جمله جمعیت، مشاغل و دارائیهای آنها نیازمند بوده‌اند.

مدارک تاریخی حکایت از آن دارد که در کشورهای باستانی از جمله ایران، روم و چین سرشماریهای نفوس انجام می‌شده است. در این سرشماریها، اطلاعاتی در مورد جنس، سن، شغل و مایملک افراد جمع‌آوری می‌نموده‌اند.

در اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم میلادی سرشماریهایی در اروپا صورت گرفته است، این سرشماریها علمی و به صورت امروزی نبوده و در مقیاس محدود انجام شده است. اولین سرشماری کامل جمعیت در سال ۱۷۴۹ در کشور سوئد انجام گردید. پس از سوئد کشورهای دیگر نیز با روش امروزی ولی بدون ترتیب زمانی شروع به انجام سرشماریهای نفوس کردند. در حال حاضر اغلب کشورهای جهان به طور منظم و در فواصل زمانی ۵ یا ۱۰ ساله اقدام به سرشماری عمومی نفوس می‌نمایند.

طی دهه ساله ۸۴ - ۱۹۷۵ یکصد و نود کشور جهان سرشماری عمومی نفوس را همراه با مسکن و یا بدون آن انجام داده‌اند. عظیم‌ترین سرشماری دهه مزبور در چین انجام گرفت، در این سرشماری قریب ۷ میلیون نفر به مدت ۵ روز درگیر سرشماری متجاوز از یک میلیارد نفر جمعیت کشور بودند.

آخرین سرشماری انجام گرفته در جهان مربوط به کشور ترکیه است که در سال جاری انجام شده، سرشماری ترکیه طی یک روز و با همکاری ۴۵۰۰۰۰۰ نفر صورت گرفت.

در ایران طی سالهای ۲۰ - ۱۳۱۸ سرشماری عمومی نفوس در ۳۵ شهر و با روش دوفاکتو انجام شد، ولی به علت سرباز جنگ به کشور، این کار ادامه نیافت و نیمه کاره رها شد.

اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور با روش امروزی در

سال ۱۳۳۵ انجام گردید. طراحان سرشماری مزبور اکثراً " خارجی بوده و به علت ناآشنائی به خصوصیات جامعه ایرانی در پاره‌ای موارد مرتکب اشتباهاتی شدند. همچنین فقدان نقشه‌های آماری دقیق و کامل مشکلاتی در امر سرشماری ایجاد نموده بود.

دومین و سومین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ انجام شد، این سرشماریها به مراتب بهتر و کاملتر از سرشماری قبل طراحی و اجرا گردیدند، پیش از سرشماری سال ۱۳۴۵ نقشه شهری و روستائی از طرف سازمان مسئول سرشماری تهیه و در مرحله اجرا مورد استفاده واقع گردید. همچنین در سال ۱۳۴۵ برای اولین بار عشایری که در زمان سرشماری در حال کوچ بودند شمارش شدند.

### اهمیت و ضرورت سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵

به یاری خداوند متعال مرحله اجرائی اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن جمهوری اسلامی ایران در پاییز امسال (سال ۱۳۶۵) به مدت پانزده روز انجام خواهد شد. طی این مدت قریب به هفتاد هزار نفر آمارگیر، هماهنگ کننده، بازبین، راننده و مسئول در سطوح مختلف عهده دار انجام این مرحله از سرشماری خواهند بود.

کلیه خانوارهای ساکن کشور در محلهای سکونتشان مورد مراجعه قرار می‌گیرند و اسامی اعضای آنها یک به یک ثبت و اطلاعات مورد نظر در مورد هر فرد کسب و در فرم مخصوصی درج می‌گردد و علاوه بر این بعضی از خصوصیات مسکن خانوارها نیز پرسش می‌شود. همچنین برای آبادیهای کشور پرسشنامه‌ای تکمیل می‌گردد که سیمای هر آبادی را از جنبه‌های مختلف روشن می‌سازد. برای دسترسی به خانوارها کلیه اماکن مسکونی و غیر مسکونی مورد مراجعه واقع می‌شود و در جریان این کار از کلیه کارگاههای کشور و فعالیت و تعداد کارکنان آنها فهرستی تهیه می‌شود.

### فوائد عمومی سرشماریها

انواع مختلف سرشماری مانند: سرشماری کشاورزی، سرشماری صنعتی، سرشماری ساختمان، سرشماری کارگاهی و بالاخره سرشماری نفوس منجر به تولید آمارهای پایه‌ای و اساسی مورد نیاز مدیران جامعه، برنامه ریزان، محققان و نهایتاً " مردم می‌گردد. علاوه بر این با استفاده از بعضی اطلاعات جمع‌آوری شده در سرشماریها، چهارچوسهای آماری تهیه می‌شود. یکی دیگر از فوائد سرشماریها استفاده از اطلاعات مکاتبه در تهیه مقدمات اجرای سرشماریهای دیگر است. علاوه بر این در کنار هم قرار دادن نتایج دو یا چند سرشماری، اطلاعات ترکیبی جدیدی را بدست می‌دهد که می‌تواند به حل بسیاری از مسائل کمک نماید. به عنوان مثال با سرشماری کشاورزی سطح اراضی زیر کشت و کمبود نیروی انسانی متخصص شاغل در این بخش معلوم می‌شود و با سرشماری نفوس و مسکن،



مرکز آمار ایران از نیمه دوم سال ۱۳۶۱ برحسب وظیفه قانونی خود فعالیت مستمر و پیگیری را برای تهیه مقدمات سرشماری عمومی نفوس و مسکن آغاز نمود. در مرحله اول ضمن تهیه برنامه زمانی فعالیت‌های مربوط به سرشماری، بررسی فهرست طولانی و مفصل نیازهای آماری وزارتخانه‌ها، سازمانها و موسسات دولتی را شروع کرد. از فهرست مزبور مواردی که از طریق سرشماری قابل حصول هستند مشخص و سپس از بین آنها اقلامی که با توجه به کلیه جوانب می‌توانستند در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ مطرح شوند، تعیین گردید.

در سال ۱۳۶۲ وظیفه قانونی مرکز آمار ایران در زمینه انجام سرشماری عمومی نفوس و مسکن از طرف هیئت دولت محترم جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفت و در همان سال اعتباری برای انجام مراحل مختلف آن از جمله اجرای طرح آزمایش سرشماری اختصاص یافت. به همین ترتیب در بودجه سالهای ۶۳ و ۶۴ نیز اعتباراتی برای تهیه مقدمات سرشماری منظور گردید.

طرح مقدماتی سرشماری طی ماههای بهار و تابستان سال ۶۲ تهیه شد. برای آزمایش این طرح شهرستانهای آستانه اشرفیه، شادگان و سراوان که در سه استان گیلان، خوزستان و سیستان و بلوچستان قرار دارند و نیز محدوده کوچکی از نقاط شهری و روستایی ۲۱ استان دیگر و تعدادی از خانوارهای عشایری مورد سرشماری قرار گرفت. بلافاصله بعد از آزمایش طرح و با توجه به نتایج بدست آمده و تجارب حاصله، فعالیت گسترده‌ای برای ارزیابی طرح مزبور و تهیه طرح نهایی آغاز شد. از جمله کارهایی که در رابطه با تهیه طرح نهایی انجام شد می‌توان فعالیت‌های زیر را نام برد:

- تهیه جداول نهایی.
- تهیه پرسشنامه‌های سرشماری.
- تهیه سازمان اجرایی و برآورد نیروی انسانی.
- تهیه فرمهای فنی و اجرایی و مالی.
- تدوین برنامه‌های آموزشی.
- تهیه برنامه استخراج.
- تهیه برنامه انتشار.
- تهیه نقشه برای نقاط دارای ۲ تا ۵ هزار نفر جمعیت.
- اصلاح و بهنگام سازی نقشه ۷۰٪ از مناطق روستایی کشور.
- اجرای طرح خانوارشماری برای فراهم آوردن امکان حوزه بندی نقشه‌ها.
- تهیه برخی از ملزومات مورد نیاز.
- تهیه کامپیوتر و فراهم آوردن مقدمات استخراج نتایج سرشماری.
- طرح اصلاح و بهنگام سازی نقشه‌های شهری و روستایی و نیز تهیه نقشه برای نقاط دارای ۲ تا ۵ هزار نفر جمعیت خود به

تنهایی فعالیت بزرگی است که از سال ۱۳۶۲ شروع گردید، تهیه نقشه‌های جدید و اصلاح و بهنگام سازی نقشه‌های قبلی با عکسبرداری هوایی و تبدیل عکسها به نقشه هوایی و سپس با انجام عملیات زمینی توسط گروه نقشه‌بردار انجام شد. قسمتی از هزینه‌های انجام این فعالیت از محل اعتبارات تخصیص یافته برای تهیه مقدمات سرشماری تأمین گردید.

طرح خانوارشماری نیز از سال ۱۳۶۲ شروع و این طرح در نقاط شهری با مراجعه به کلیه مکانها و در نقاط روستایی با مراجعه به تک تک آبادیها انجام گردید.

مراحل بعدی آغاز کار سرشماری که طبق برنامه تنظیمی انجام گردید عبارت بودند از: اصلاح و بهنگام سازی بقیه نقشه‌های روستایی، حوزه بندی نقشه‌های شهری و روستایی، تهیه و چاپ دستورالعملهای فنی و اجرایی، چاپ بیش از ۳۰ میلیون برگ پرسشنامه و فرمهای مختلف اجرایی، اداری و مالی، بسیج هشت هزار وسیله نقلیه دستگاههای مختلف اجرایی کشور، تهیه ملزومات مورد نیاز، تهیه وسائل استخراج و چاپ، تشکیل ستادهای سرشماری در مراکز استانها، تشکیل سازمانهای اجرایی در مراکز شهرستانها، جذب ۷۰ هزار نفر نیروی انسانی، تشکیل حدود ۱۴۰۰ کلاس آموزشی، انجام آزمون و انتخاب مأمورین مورد نیاز. در مرحله اجرایی کار، برای سرشماری بیش از ۱۰ میلیون خانوار موجود در کشور، طی مدت ۱۵ روز تنها با اتومبیل مسافتی بیش از ۳۴ میلیون کیلومتر یعنی تقریباً "معادل ۸۸۵ بار گردش به دور زمین، پیموده و این مقدار جدا از مسافتی است که با موتورسیکلت، قایق، مال و پای پیاده پیموده شد. طی این مدت قریب به ۸۰۰۰ وسیله نقلیه، مأمورین را در نقاط روستایی جابجا و هر جا که جاده وجود نداشت، مأمورین با پای پیاده و یا با استفاده از مال به نقاط مورد نظر رفتند.

مأموران در پایان هر روز گزارش کار روزانه خود را تنظیم و از طریق سلسله مراتب سازمان سرشماری، به ستاد سرشماری کشور ارسال نمودند و به این ترتیب تعداد دقیق خانوارها و جمعیت سرشماری شده در هر روز، حداکثر به فاصله ۲۴ ساعت مشخص شد. لازم به تذکر است که با آماده شدن تدریجی نتایج طبق برنامه تنظیمی، کار انتشار از پائیز ۱۳۶۶ شروع و تا پایان این سال ادامه خواهد یافت.

از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، چندین هزار جدول در زمینه‌های گوناگون قابل حصول است و هر یک از جداول مزبور را می‌توان برای سطوح مختلف جغرافیایی تا حد کوچکترین واحدهای تقسیمات کشوری یعنی آبادی ارائه نمود، به موجب برنامه تنظیم شده، از بین هزاران جدول آماری که می‌توان از نتایج سرشماری تهیه نمود، تعدادی که بیشترین مورد استفاده را دارند تعیین گردیده است. پاره‌ای از این جداول برای انتشار در

## جمعیت شهری ایران به تفکیک نومی و مهاجر

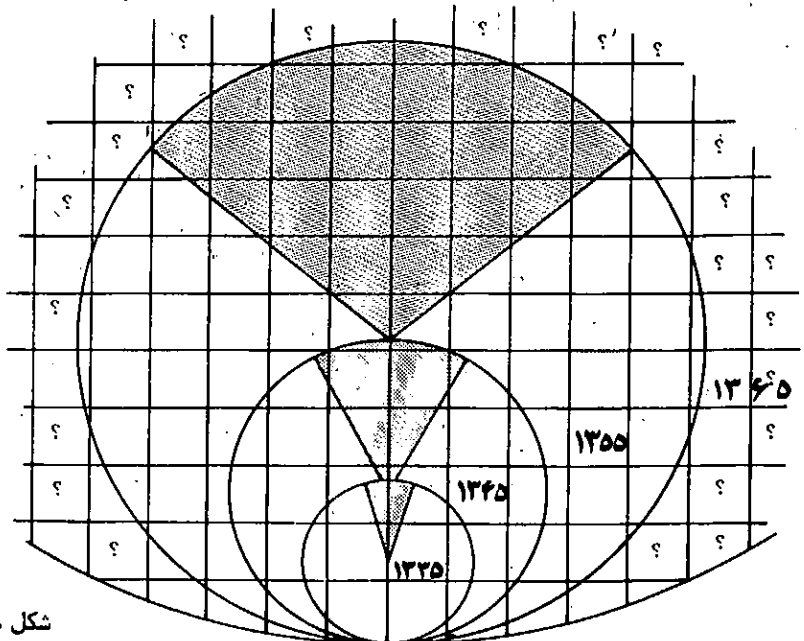


در سال ۱۳۴۵ از ۶۲۴۶۶۰۷۹ نفر جمعیت ساکن در شهری ایران ۲۰۵۸۵۰۴۲۶ نفر مهاجر غیربومی بوده اند در سال ۱۳۵۵ از ۱۵۰۸۵۴۶۸۰ نفر جمعیت ساکن در شهری ایران ۸۳۴۶۰۳۳ نفر مهاجر غیربومی بوده اند در سال ۱۳۶۵ چند نفر از جمعیت ساکن در شهر مهاجر خواهد بود؟  
شکل شماره (۲)

سطح عمومی در نظر گرفته شده است و بقیه برای استفاده مسئولین مملکتی، برنامه ریزان و محققان اختصاص یافته که انتشار نخواهد یافت و به صورت جداول کامپیوتری مورد استفاده قرار خواهد گرفت. جداول در نظر گرفته شده برای انتشار، در مجموعه‌های مختلف و با تیراژهای متفاوت، جمعاً در ۳۰۰ عنوان منتشر خواهد شد.

آماده شدن کلی نتایج سرشماری مدتی قریب به ۱۶ ماه به طول خواهد انجامید در حالیکه رفع بعضی از نیازهای آماری جنبه فوری دارد و ضروری است که در مدتی کوتاه‌تر برخی از اطلاعات آماری آماده و در دسترس استفاده کنندگان قرار گیرد. به منظور پاسخگویی به اینگونه نیازها، با استفاده از روشهای نمونه‌گیری بعضی از اطلاعات زودتر آماده و تحت عنوان " نتایج زودرس - سرشماری " عرضه می‌گردد. البته نتایج زودرس دقت نتایج کلی را ندارد و در سطوح جغرافیایی کوچک نیز قابل ارائه نیست ولی به هرحال موارد استفاده زیادی خواهد داشت.

## افراد دارای تحصیلات عالی



شکل شماره (۳)



نفر... = ۵

افراد دارای تحصیلات عالی:  
در سال ۳۵ ۳۲,۴۷۱ نفر  
در سال ۴۵ ۱۰۹,۰۲۵ نفر  
در سال ۵۵ ۲۲۳,۳۸۱ نفر  
در سال ۱۳۶۵ ؟

# نگاهی اجمالی بر اکولوژی چشم اندازهای طبیعی

از : کامبیز بهرام سلطانی - سازمان محیط زیست



## پیشگفتار و هدف از طرح اکولوژی چشم اندازهای طبیعی

سرفصل مقوله‌ای که در اینجا عزم گفتگو در باب آنرا نموده‌ایم، خود نیازمند تشریح و تفسیر بیشتری است. از این رو، نخست به بیان تاریخیچه کوتاهی از اکولوژی پرداخته، سپس محتوای علمی چشم انداز را شرح داده و سرانجام، به گفتگو درباره اکولوژی آن خواهیم پرداخت.

اکثر طرح‌های عمرانی که در کشور ما صورت می‌گیرند، بدون توجه به ظرفیت قابل تحمل چشم انداز طبیعی منطقه، به مرحله اجراء درآمده، و بهمین دلیل موجبات تخریب محیط طبیعی را به صور گوناگون فراهم می‌آورند. در حالیکه، هر گاه هر طرح عمرانی، پیش از به اجراء درآمدن به عنوان زمینه و اساس کار، تحت یک ارزیابی اکولوژیک قرار گیرد، نه تنها واژه «عمران» محتوای واقعی خود را خواهد یافت، بلکه نسل‌های آینده نیز، به خاطر

دقت عملی که در رابطه با حفاظت محیط زیست به عمل آمده، سیاست‌گذار پیشینیان خود خواهند بود.

## بیان مفهوم اکولوژی

واژه اکولوژی از ترکیب دو واژه *Oikos* یونانی، که یکی از معانی آن «خانه» و دیگری «دخل و خرج» است، و *Logos* به معنای «دانش» ریشه گرفته است. همین ترجمه واژه به واژه، برخی دانشمندان را بر آن داشته، تا واژه «اکولوژی» را به «بومشناسی» ترجمه نموده، و یا حتی از پسوند به فراموشی سپرده شده «کد» استفاده نمایند، و اکولوژی را به «کدشناسی» ترجمه نمایند.

حال آنکه منظور از واژه یونانی «*Oikos*» در اینجا، همان «دخل و خرج» و در رابطه با طبیعت و چشم اندازهای طبیعی، مراد دخل و خرج (بیلان) ماده و انرژی در یک اکوسیستم است. یا به گفته «یوجین ادووم»<sup>۲</sup> اکولوژی عبارت است از بررسی دخل و خرج<sup>۳</sup> کره خاکی یا احتساب گیاهان، جانوران، میکروارگانسیم‌ها، و جمعیتی که با اتکاء به یکدیگر (و زمینه‌های حیاتی)، در یک زیستگاه با یکدیگر زندگی می‌نمایند.

از این رو، اکولوژی را می‌توان در وهله نخست، به عنوان دانش شناخت دخل و خرج ماده و انرژی در طبیعت، تعریف نمود. واژه اکولوژی برای نخستین بار توسط «ارنست هکل» (۱۸۶۶) مورد استفاده قرار گرفت. آنچه تحت عنوان اکولوژی مورد توجه هکل بود، روابط متقابل موجود زنده با محیط زیستش بوده است، و وظیفه دانش را «بررسی روابط متقابل ارگانسیم با دنیای برون خود، که در مفهومی گسترده‌تر شامل تمام شرایط زیستگاه می‌گردید» تفسیر می‌نمود.<sup>۴</sup>

در سال ۱۸۷۷ شاخه «سین اکولوژی»<sup>۵</sup> توسط کارل موبیوس بر درخت دانش اکولوژی پیوند زده شد. موبیوس در تحقیقات خود «روابط متقابل اجتماعات زیستی»<sup>۶</sup> و زیستگاه<sup>۷</sup> آنرا «مرکز توجه» خود قرار داد. اصطلاحات «اجتماعات زیستی» و «زیستگاه» نیز از ساخته‌های موبیوس است.

تا این برهه از تاریخ، دانش اکولوژی را می‌توان به عنوان «ابزار علمی شناخت روابط متقابل موجودات زنده با یکدیگر، و نیز با زیستگاهشان» تعریف نمود. حال اگر موضوع مطالعه بررسی روابط متقابل یک موجود زنده - اعم از گیاه یا حیوان - و زیستگاهش باشد، صحبت از «اوت اکولوژی»<sup>۸</sup>، و هر گاه هدف مطالعه روابط فی مابین یک اجتماع زیستی در خود، و کل اجتماع یا زیستگاه باشد، سخن از «سین اکولوژی» خواهد رفت.

در «اوت اکولوژی» رفتار، شکل گرفتن اعضا اندام یک موجود زنده در نتیجه تأثیر گذاری محیط، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در «سین اکولوژی» بر خلاف «اوت اکولوژی»، ابعاد فضایی مطرح



است، چرا که مستقیماً به بررسی فضای زیست (محتوای فضای زیست یا زیستگاه) پرداخته می‌شود که در آن یک اجتماع زیستی اقامت گزیده، در بین خود و با محیط زیست خویش، ارتباط متقابل برقرار نموده و به تعادلی پویا رسیده است.

دانش اکولوژی از همان مراحل اولیه دو شاخه اکولوژی گیاهی<sup>۹</sup> و اکولوژی جانوری<sup>۱۰</sup>، تقسیم گردید. لیکن گذشت زمان و افزایش شناخت درباره پیوندهای موجود میان دنیای گیاهان و جانوران، سبب وحدت دوباره این دو شاخه، یعنی پیدایش «اکولوژی-اجتماعات زیستی» و این وحدت، با ورود «سیستم آنالیزی» به پهنه دانش اکولوژی، روز بروز تحکیم بیشتری یافت.

در واقع اکولوژی چشم اندازه‌های طبیعی نیز یگانه‌ای در ارتباط با اکولوژی اجتماعات زیستی می‌باشد. در یک اجتماع زیستی بین عناصر جاندار از سویی و بین اجتماع زیستی و زیستگاه از طرف دیگر، کنش و واکنشی متقابل وجود دارد، که در نهایت روابط متقابل ظرف و مظرّف در سیمای ظاهر چشم انداز تجلی می‌یابد.

اصطلاح اکوسیستم، توسط اکولوژیست انگلیسی «ای. جی. تانسلی» در سال ۱۹۳۵ م. برای نخستین بار مورد استفاده قرار گرفت. لیکن زمینه کار تانسلی دیگر، بیشتر «اکولوژی انسانی»<sup>۱۱</sup> بود و کمتر به موضوع چشم اندازه‌های طبیعی توجه داشت.

«هانتس النبرگ»<sup>۱۲</sup> در رابطه با اکولوژی گیاهی، «یک-اکوسیستم را به عنوان شبکه حاصل از تائثیر و تائثرات موجودات زنده و زیستگاهشان دانسته، که تشکیل سیستمی باز داده و تا حد معینی قادر به خود تنظیمی می‌باشد». یک چنین سیستمی طبق موازین سیستم آنالیز، هرگز حاصل جمع جبری عناصر تشکیل دهنده خود نیست، بلکه خود به صورت یک واحد عمل می‌نماید. النبرگ در ادامه می‌افزاید:

۱- سیستم‌های اکولوژیک (اکوسیستم‌ها) همواره سیستم‌هایی باز بوده، و از همین رو تحت تائثیر عوامل برونّی قرار می‌گیرند. در واقع صدمه پذیری اکوسیستم‌ها نیز از همین جا نشأت می‌گیرد.

۲- اکوسیستم‌های سالم همواره از تعادلی پویا برخوردارند که نتیجه عملکرد فرآیندهای تولید، مصرف و تجزیه در اکوسیستم می‌باشند. ۱۲ از این رو، هر گاه صحبت از وجود تعادل در اکوسیستم‌ها به میان می‌آید، منظور هرگز تعادل ایستا<sup>۱۳</sup> نیست، بلکه مراد تعادلی پویا<sup>۱۴</sup> است. هر چند به هنگام مشاهده و بررسی اکوسیستم تحرکی به چشم نیاید، لیکن می‌دانیم که مام طبیعت همواره با طمأنینه ویژه خود عمل می‌نماید.

«والتر لارشر» از دیدگاه اکولوژی گیاهی، تعریف مشابهی همانند تعریف النبرگ ارائه می‌نماید: «موجودات زنده و محیط زیست بی‌جانشان در طبیعت، به وسیله روابط متقابل بشماره‌ای - چه از لحاظ ساخت<sup>۱۵</sup> و چه از حیث عملکرد<sup>۱۶</sup> - در یکدیگر بافته شده‌اند. بخشی از فضای زیست که، تا اندازه‌ای از فضای مجاور

قابل تمیز باشد، و به صورت واحدی متجانس نمایان گردد، «بیوزئو سینوز»<sup>۱۷</sup> یا «اکوسیستم» نامیده می‌شود. ۱۸ بطور کلی لارشر اکوسیستم را حاصل ترکیب فعالیت‌های اجتماعات زیستی، و فعل و انفعالات زیستگاهشان در برابر فعالیت‌های حیاتی می‌داند. در این مورد «گرهارد لرش» می‌نویسد: «وجود - حیوانات و گیاهان در طبیعت به کشمکش‌های آنان با محیط حیاتی و غیر حیاتی بستگی کامل دارد. به همین سبب یک اکولوژیست نمی‌تواند یک گونه گیاهی را بصورت «منفرد» بنگرد، بلکه بایستی آنرا به عنوان جزئی از کل طبیعت مورد مطالعه قرار دهد. عوامل بشماره‌ای که، از زیستگاه نشأت گرفته و بر آن موثر می‌افتند، بررسی چند جانبه یا چند بعدی را به صورت ضرورتی غیر قابل اجتناب در می‌آورند.»<sup>۱۹</sup>

هریک از عوامل رستگاه و زیستگاه می‌تواند به سهم خود در حیات گیاه و جانور از اهمیتی خاص برخوردار باشد، لیکن در بیشتر موارد تشخیص اهمیت هر یک از این عوامل، به هنگامی که به صورت مرکب بر اجتماع زیستی تائثیر می‌گذارند، مشکل می‌نماید.

نه تنها در اکولوژی گیاهی، بلکه در رابطه با اکولوژی جانوری نیز خطوط مشابهی مشاهده می‌گردد. در اینجا نیز موضوع بررسی شرایط زیست محیطی است که جانور در آن زندگی می‌کند. در اکو-لوژی جانوری محیط زیست جانور، و نه فقط فضای اطراف آن، در برگیرنده کلیه عواملی است که به گونه‌ای غیر قابل انکار در رابطه مستقیم با جانور قرار دارد. مانند: اقلیم، شرایط تغذیه، گونه‌های هم‌نوع، رقابت، دشمنان طبیعی و غیره.<sup>۲۰</sup>

از آنچه تا کنون گذشت، می‌توان دانش اکولوژی را شاخه‌ای از بیولوژی دانست، که در وهله نخست، روابط متقابل موجودات زنده بین خود و محیط زیستشان را مورد بررسی قرار داده و سپس به پژوهش در باب پیدایش، بحران‌های موجود در روند تکاملی، و نیز امکان برقراری مکانیسم‌های بازسازی تعادل پویا می‌پردازد.

عوامل تشکیل دهنده یک اکوسیستم را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم نمود که هر یک از این دو گروه نیز به سهم خود، به زیر گروه‌هایی تقسیم می‌گردند. دو گروه اصلی عبارتند از گروه تشکیل دهنده عوامل جاندار<sup>۲۱</sup> و دیگری گروه عوامل بیجان<sup>۲۲</sup>:

الف - عوامل جاندار: ۱- گیاهان با پوشش گیاهی، که در یک اکوسیستم همواره به صورت یک فرماسیون گیاهی مطرح است. ۲- حیات وحش.

ب - عوامل بیجان: ۱- آتمسفر و عوامل جوی ۲- هیدروسفر، که شامل آب‌های سطحی و تحت الارضی می‌گردد. ۳- لیتوسفر یا سنگ مادر که زاینده خاک است. ۴- پدوسفر یا پوشش خاکی، که به عنوان پایگاه گیاهان عمل می‌کند. ۵- ارو - توپوگرافی یا عوارض زمین که در پیدایش تشکیلات و اجتماعات گیاهی و در پیوند با آن اجتماعات جانوری نقش موثری دارد.

همانگونه که قبلاً اشاره شد، موجودات زنده یا اجتماعات زیستی و زیستگاهشان همواره با یکدیگر در تماس متقابل بوده و در نتیجه این تماس یکدیگر را می‌سازند. در نتیجه، یک اکوسیستم سالم، همیشه از دو ویژگی تعادل پویا و قدرت خود تنظیمی برخوردار است. لیکن بایستی توجه داشت که، این دو ویژگی هرگز جدا از هم نبوده بلکه، لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند. چگونگی تعادل پویا و قدرت خود تنظیمی به قرار زیر است:

گیاهان (و در اصل گیاهان سبز) که خود ریشه در خاک داشته و از طریق آب موجود در خاک مواد غذایی مورد نیاز خود را جذب می‌نمایند، خوراک جانوران علفخوار را تشکیل می‌دهند و جانوران علفخوار نیز به سهم خود خوراک گوشتخواران می‌شوند و بالاخره این دو گروه طعمه همه چیز خواران می‌گردند. در طی این فراگرد « خوردن و خورده شدن‌ها » یک اصل همواره صادق است: جانور همواره در حد نیاز خود می‌چرد و می‌درد. چه جانور بخوبی می‌داند، که چرا و دریدن خارج از حد نیاز، موجب از بین رفتن زمینه غذایی خودش می‌گردد.

بالاخره آنچه به عنوان « زباله » یا بقایای خورد و خوراک جانوران و مردن گیاهان در طبیعت بجای می‌ماند، توسط گروه تجزیه کنندگان پالایش و با خاک آمیخته شده و دوباره بصورت مواد کانی جهت تغذیه در اختیار گیاهان قرار می‌گیرد. بطور خلاصه می‌توان باین نتیجه مقدماتی دست یافت که هر گاه فرآیندهای تولید، مصرف و تجزیه بطور متعادل صورت گیرد، تعادل پویا و خاصیت خود تنظیمی اکوسیستم نیز حفظ خواهد شد.

بنابراین آنچه تاکنون گذشت، به اصول اکولوژیک زیر دست یافتیم:

- ۱- لازمه حیات، بهره گیری از بازدهی زیست محیطی - اکولوژیک و نیز حفاظت از یک اکوسیستم، حفظ تعادل پویا و قابلیت خود تنظیمی اکوسیستم مزبور می‌باشد.

- ۲- موجودیت اکوسیستم و ارزش حیاتی بخشی از بیوسفر (و در نتیجه محیط زیست انسان) هنگامی به مخاطره می‌افتد که، مقدار بهره برداری از مواد و انرژی یک اکوسیستم، از حد تولید آن فراتر رود.

- ۳- و بالاخره پاسخ باین پرسش که تا چه حد بهره‌وری از محیط بیوسفر و محتوای آن - موجب پیدایش اختلال در روند دخل و خرج (بودجه) ماده و انرژی در اکوسیستم‌های منطقه‌ای گشته و این اختلال تا چه حدی قادر است از قابلیت حیاتی و بازدهی زیست محیطی منطقه بکاهد؟

بحث ما درباره اکولوژی تاکنون بر حول سیستم‌های ناب طبیعی، یعنی سیستم‌هایی که تابع قوانین لایتفر طبیعی می‌باشند، دور می‌زد. اما در رابطه با مسایل زیست محیطی زمینه بررسی و فعالیت (اگر از برخی موارد استثنایی چشم پوشیم) طبیعت ناب نیست، بلکه سیستم‌های مورد بررسی ما غالباً " تحت تأثیر دخالت‌های

سازنده و یا مخرب بشر قرار داشته، و بهر صورت دگر - گونی‌هایی را متحمل گردیده‌اند. از این رو قوانین طبیعی بصورت زنجیره‌های عللی در سیستم‌های دستکاری شده توسط بشر صادق نمی‌باشند. قوانین طبیعی در اینجا صرفاً " بصورت انفعالی عمل می‌کنند، به عنوان مثال، برداشت از آب‌های زیرزمینی به مقدار بیش از حد بیلان آبی، منجر به افت سطح ایستایی در منطقه می‌گردد. در این حال عمل انسان دخالتی است در ساخت اکوسیستم طبیعی (یا شبه طبیعی) و افت سطح ایستایی واکنش طبیعت نسبت به برداشت بیش از حد تولید، از آب‌های زیرزمینی می‌باشد.

در حالیکه در طبیعت ناب چنین حالتی وجود ندارد و طبیعت و قوانین طبیعی نقش تعیین کننده را ایفا می‌نمایند. در مقایسه با موتور پمپ‌های مدرن، می‌توان سیستم قنات کشتی ایرانی را، یکی از بهترین طرق آبیاری دانست، چه این روش، کاملاً با شرایط اکولوژیک منطقه مطابقت دارد و هرگز آبرو به زور از زمین خارج نمی‌نماید، یعنی همان عملی که موتور پمپ‌ها انجام می‌دهند.

### بیان مفهوم علمی "چشم انداز طبیعی"

شاید در برخورد اول واژه چشم انداز بیش از حد پیش پا افتاده به نظر آید و بهمین علت به توضیح بیشتری نیازمندیم. زیرا در مکالمات روزمره به کرات و به صور مختلف از این واژه استفاده می‌شود و با آن به گونه‌ای انس گرفته‌ایم.

لیکن محتوای علمی - جغرافیایی چشم انداز، و در رابطه مستقیم با موضوع مورد بحث ما، یعنی « اکولوژی چشم انداز - های طبیعی »، از ویژگی خاص خود برخوردار است. از این رو بایستی نخست این پرسش را مطرح کرد که، « چشم انداز چیست که ما درباره اکولوژی آن به صحبت نشستیم؟

در وهله نخست منظور از چشم انداز بخشی از سطح کره زمین یا بیوسفر است که « نگاه » انسان از نقطه خاصی بر آن « افکنده » می‌شود. به عبارت دیگر « مجموعه وضعیت‌هایی که انسان توسط چشم غیر مسلح از نقطه‌ای خاص قادر به مشاهده‌اش می‌باشد، چشم - انداز نامیده می‌شود. »<sup>۲۳</sup> بنابراین نخستین برداشت ما از چشم - انداز، ناشی از سیمای ظاهر آن است. لیکن این سیمای ظاهر در پی خود رازها نهفته دارد که هر یک می‌بایستی عیان گردند.

این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که سطح کره خاکی با وجود پیوند پیوسته در هر منطقه‌ای، از سیمای خاص خود برخوردار است. از همین رو و بر همین مبنا، این فضاهای مختلف از یکدیگر قابل تمیز می‌باشند. در این حال کافیهست به آنچه که دیدگان ما دریافت نموده، ظرافت بیشتری بخشیم.

در همان نخستین نگاه آشکار می‌گردد که در دل این سیمای ظاهری، فراگردهایی نهفته‌اند، فراگردهایی که این سیمای ظاهری خود محصول عملکرد آنان است. بطور حتم نیروهای طبیعی که

سبب پیدایش منطقه‌ای کویری می‌گردند، با یک استپ و یا جنگل سوزنی و یا مرداب متفاوت می‌باشند. ترکیب این نیروهای طبیعی، در هر مکانی از سطح کره خاکی آفریننده واحدی است « همگن » ، « متجانس » و نسبتاً « یک پارچه » و در نتیجه همین وجوه تشابه است که بیننده می‌تواند از چشم انداز کوهستانی ، صحرائی ، استپی ، جنگلی و غیره سخن گوید .

چشم انداز طبیعی به بخشی از کره خاکی اطلاق می‌گردد که بر- حسب سیمای ظاهری‌اش، و در نتیجه تأثیر و تأثر عوامل غالب جاندار و بیجان شکل گرفته ، و بدین طریق از فضاهای اطراف خود قابل تمیز باشد . پس تنوع سیمای ظاهری چشم اندازهای طبیعی محصول عملکرد عوامل غالب جاندار و بیجان است که در یک فضای خاص در حال تأثیر گذاری هستند . بر همین مبنا ، هر چشم انداز دارای نیروهای طبیعی خاص خود است و باز هم بر همین اساس ، هر چشم انداز از توانایی و بازدهی خاص خود برخوردار است . به عنوان مثال بازدهی جنگل‌های متراکم گیلان یا جنگل‌های مصنوعی چیتگر متفاوت است ، و یا مراتع مازندران نسبت به مراتع یزد از ظرفیت تحمل بیشتری برخوردارند .

اما این نیروهای شکل دهنده به سیمای ظاهری چشم انداز ، خود محصول عملکرد دیگر سیستم‌های پیچیده طبیعی می‌باشند و از درون همین سیستم‌ها ساطع می‌گردند . این سیستم های طبیعی عبارتند از همان سیستم‌هایی که سازنده اکوسیستم‌ها می‌باشند ، یعنی آتمسفر ، هیدروسفر ، لیتوسفر ، پدوسفر ، اروگرافی<sup>۲۴</sup> ، پوشش گیاهی و حیات وحش .

هر یک از سیستم‌های فوق‌الذکر در خود و برای خود ، دارای ساختاری پیچیده و ویژه می‌باشند ، که در نتیجه ترکیب و کنش و واکنش متقابل آنان با یکدیگر ، چشم‌انداز طبیعی تولد می‌یابد . چشم‌اندازهای طبیعی اکوسیستم‌هایی هستند که دخل و خرج شان - یعنی چرخه ماده و انرژی در آنان - توسط نیروهای مختلف و در نهایت تابش خورشید ، هدایت می‌گردد .

هر چند در طبیعت ، بین چشم‌اندازهای گوناگون مرز مشخصی وجود ندارد ، لیکن قوه باصره انسان در بیشتر موارد قادر به تشخیص چشم‌اندازهای مختلف از یکدیگر می‌باشد . زیرا هر چشم انداز طبیعی از تاریخ ، ساخت ، بافت ، سیما و بازدهی مختص خود بر - خوردار است . از این رو « کا . بوخوا<sup>۲۵</sup> » جهت شناخت چشم - اندازهای طبیعی نکات زیر را پیشنهاد می‌نماید :

۱- تاریخ چشم‌انداز : تاریخ تحول چشم انداز ، یعنی آنچه موجب پیدایش سیستم و ساخت کنونی در این مکان گردیده و نیز پیش‌بینی آینده چشم انداز ،

۲- سیمای ظاهری چشم‌انداز : آنچه به کمک قوه باصره قابل جذب ، درک و تشخیص می‌باشد ،

۳- ساخت چشم انداز : تعیین مواد تشکیل دهنده محتوای چشم انداز ، اعم از جاندار و بیجان ،

۴- دخل و خرج یا اکولوژی چشم انداز : تعیین روابط متقابل میان عوامل مؤثر در چشم انداز ، تعیین و تفسیر نیروهای طبیعی سازنده چشم‌انداز ، رابطه چشم انداز با دیگر فضاها و چشم - اندازهای مجاور .

به نکات فوق‌الذکر ، می‌توان موردی تحت عنوان « تعیین - بازدهی و ظرفیت قابل تحمل چشم‌انداز » را افزود : یعنی بررسی آنچه که یک چشم‌انداز می‌تواند در جهت بهبود کیفیت زندگی معنوی و مادی بشر - بدون آنکه موجودیت چشم‌انداز به خطر افتد - عرضه نماید .

نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر به نظر می‌رسد ، یادآوری این واقعیت است که ، چشم‌اندازهای طبیعی نه تنها در عصر ما مورد تجاوز و دگرگونی قرار گرفته‌اند ، بلکه از دورانی که انسان میوه‌چین و سپس شکارچی به انسان کشاورز مبدل گردید ، طبیعت ناب یا « طبیعت بدوی<sup>۲۶</sup> » به تدریج روبرو دگرگونی نهاد . در این راه هر چه بر قدرت ابزار کار انسان افزوده می‌شد فشار بر طبیعت ، و در نتیجه عقب نشینی طبیعت ناب سرعت بیشتری بخود می‌گرفت . از این رو استفاده از « صفت » طبیعی در کنار چشم‌انداز صرفاً " در حکم مخالف محیط مصنوع می‌باشد و رساننده طبیعت ناب نیست . در این رابطه بجاست به تقسیم‌بندی متعارف چشم‌اندازها اشاره‌ای شود تا از این طریق هم از نظر لغوی و هم از حیث محتوا لب مطلب بیان گردد :

۱- چشم انداز بدوی : این مفهوم بیشتر جنبه تفوریک داشته و منظور از آن چشم‌اندازهایی است که ، پیش از دخالت انسان در طبیعت وجود داشته‌اند . در این زمان انسان میوه‌چین خود جزئی از طبیعت بوده و در آن حل شده - مانند سایر حیوانات - تلقی می‌گردد .

۲- چشم‌انداز طبیعی<sup>۲۷</sup> : در اینجا منظور چشم‌اندازهایی است که انسان در آنها یا بطور کلی دخل و تصرفی ننموده ، و یا حد دخالت ناچیز بوده است . به زبان اکولوژیک ، حد دخالت انسان کمتر از قدرت خود تنظیمی طبیعت بوده است . مانند برخی از مناطق قطبی و یا جنگل‌های استوایی .

۳- چشم‌انداز فرهنگی<sup>۲۸</sup> : چشم‌اندازهای فرهنگی شامل کلیه چشم‌اندازهایی می‌گردند که ( البته در محدوده محیط زیست - طبیعی ) توسط انسان تغییر شکل یافته‌اند و ساخت آنان تابع اهداف و مقاصد گوناگون انسان - از قبیل جنگلداری ، مرتع داری ، کشاورزی و غیره - می‌باشد .

در برخی موارد ، به چشم‌اندازهای فرهنگی ، چشم‌انداز شبه طبیعی نیز گفته می‌شود .

آنچه در حفاظت محیط زیست مطرح است ، حفاظت منطلق (پارک- ملی) از بقایای چشم اندازهای طبیعی و بکر و نیز بهسازی ، ترمیم و ممانعت از تخریب و بهره برداری بیش از حد قابل تحمل چشم - انداز می باشد .

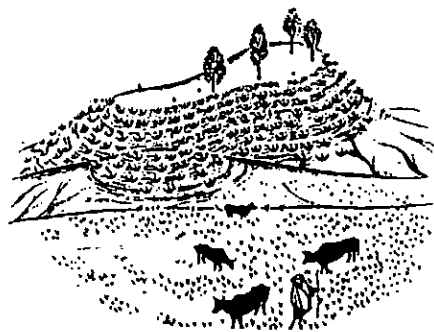
۱- دست انسان هنوز به این سرزمین نرسیده است . حتی مناطق خشک قادرند پوشش گیاهی مناسبی بوجود آورند که خاک را در مقابل فرسایش حفظ کند .



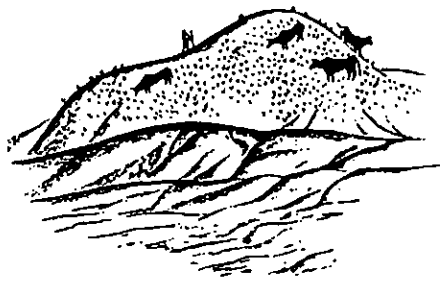
۲- کشاورزی در دشتهای و تپه چوب از دامنه کوه ، موجب برهنه شدن خاک گردیده و آنرا در مقابل فرسایش آبی و بادی بدون حفاظت می گذارد .



۳- پوشش خاکی در دشت در نتیجه استفاده شدید ، گاملا " بی رمق شده و اراضی کشاورزی به دامنه کوه انتقال داده شده اند . این اراضی در مقابل فرسایش بسیار حساسترند . اکنون دامها به دشت انتقال داده شده و در اینجا به چرا مشغول می گردند . ۲۹



۴- پوشش خاک از دامنه کوه شسته شده و از ضخامت آن کاهش یافته است . در این زمان اراضی فقط به عنوان چراگاه قابل استفاده می باشند . دام درحالی که به سرعت پوشش گیاهی دامنه را از بین می برد همزمان به جریان فرسایش ، شدت می بخشد .





۵- پوشش گیاهی در دامنه کوه مرتبا "تنگ تر می گردد . تنها گوسفند و بز در اینجا قادر به چرا می باشند . اما این جانوران بقایای پوشش گیاهی را نیز از بین می برند .

۶- اکوسیستم چشم انداز طبیعی به گویری بایر و خشک مبدل گردیده ، پوشش خاکی آن شسته شده و سنگهای برهنه (سنگ- مادر) نمایان گردیده است .

## اکولوژی چشم اندازهای طبیعی :

در رابطه با اراضی کشاورزی مورد نظر است ، نه تنها انسان کشاورز را ، بلکه زمینی را که به اراضی کشاورزی مبدل گردیده موضوع بررسی قرار می دهد و اینکه ، تبدیل اراضی چه پیامدهایی را در درون اکوسیستم چشم انداز خواهد داشت . درمورد دیگر کاربری- های زمین نیز ، مسئله به همین شیوه مطرح است . ایجاد یک اتوبان ، مجتمع مسکونی ، مجتمع های عظیم صنعتی و غیره هر یک به نوبه خود در سیستم چشم انداز موثر می افتند . در اکولوژی چشم انداز بررسی چگونگی جایگیری این کاربری ها در سیستم چشم انداز و همچنین اثرات متقابل و واکنش طبیعت نسبت به کاربری جدید ، مورد مطالعه قرار می گیرد .

بنابراین ، منظور ترول از اکولوژی چشم اندازهای طبیعی بررسی نیروهای حاکم و روابط متقابل میان اجتماعات زیستی و فضاها ی زیستشان بوده است . " اکولوژی چشم اندازهای طبیعی عبارت است از ابزار علمی شناخت محتوای فیزیکی و عناصر فرهنگی ، فضاها ی طبیعی و وسیله ای جهت کشف پیوندهای موجود میان سیستم های فیزیکی و حیاتی در درون این فضاها " ۳۰ بنابراین تعریف در اکولوژی چشم اندازهای طبیعی ، جهت تحقیقاتی مدنظر است که ، هدفش بررسی عناصر جاندار ، بیجان ، پدیده های فرهنگی و شناخت فضاها ی اشغال شده توسط اینان است از سویی شناخت سیستم های حاصله

برای اولین بار سی . ترول ( ۱۹۳۹م ) اصطلاح اکولوژی چشم - اندازهای طبیعی را بکار برد ، و از آن پس استفاده از این شاخه جدید اکولوژی به سرعت گسترش پیدا کرد . لیکن برای خود او تا سال ۱۹۵۰م . دو سؤال اساسی مطرح بود :

۱- آیا تحت عنوان اکولوژی چشم اندازهای طبیعی ، فقط بررسی طبیعت ناب مطرح است ؟

۲- یا فعالیت های انسان در درون چشم اندازهای طبیعی نیز بایستی مد نظر قرار گیرند ؟

سی . ترول به حق این پرسش را مطرح می نمود که اگر بخواهیم اکولوژی چشم اندازهای طبیعی را به بررسی طبیعت ناب محدود کنیم ، برای این رشته در کشورهای صنعتی جایی نخواهیم یافت . چرا که طبیعت این سرزمین ها جملگی دستخورده ، تغییر فرم یافته و بطور کلی خارج از زنجیره علیت های طبیعی عمل می کنند . در نتیجه و اجباراً " بررسی های ما حالت انتزاعی بخود خواهد گرفت . نتیجه منطقی از تفکرات فوق عبارت بود از اینکه ، دانش اکو - لوژی چشم اندازهای طبیعی را نه تنها در مورد طبیعت ناب ، بلکه در رابطه با طبیعت فرهنگی نیز بکار بریم ، لیکن در اینجا نه خود انسان بلکه آثار دخالت او در طبیعت و نیز واکنش طبیعت باین دخالت ها مورد نظر و بررسی قرار می گیرد . به عنوان مثال ، آنچه

از روابط متقابل اینان از سوی دیگر و بالاخره درک اهمیت این ساختارها برای جهان زنده می‌باشد.

اکولوژی چشم‌اندازهای طبیعی از نظر "ترول" دارای دودیدگاه است، که این دو دیدگاه در روش تحقیق نیز بخوبی آشکار می‌گردند:

۱- نگرش افقی دید خود را بر نحوه پراکندگی فضاها (طبیعی (اکوسیستم‌ها) یک منطقه معطوف می‌دارد. بنابراین دیدگاهی است جغرافیایی و چشم‌انداز شناختی.

۲- نگرش عمودی در جهت بیولوژیک-اکولوژیک فعال است. نگرش عمودی بررسی اکوسیستم‌ها را در مکان‌های مختلف، موضوع کار خود قرار داده و از بررسی آتمسفر و عوامل جوی شروع شده و به لیتوسفر و شناسایی آن ختم می‌گردد. در این حالت ترکیب دو واژه "اکولوژی" و "چشم‌انداز" بیانگر راستای تحقیق بوده و هدف کلی، شناخت روابط متقابل میان موجودات زنده از سویی و اجتماع زیستی و محیط‌زیست (زیستگاه) از سوی دیگر است.

البته طرح این پرسش کاملاً "منطقی" است که در چشم‌اندازهای کنونی، که توسط انسان به شدت تغییر شکل داده‌اند، چگونه می‌توان بوسیله اکولوژی چشم‌اندازهای طبیعی موضوع دخل و خرج ماده و انرژی را، که دیگر بطور طبیعی صورت نمی‌گیرد و روندی مکانیکی یافته، مورد بررسی قرار داد؟

و یا از چه طریق می‌توان به کمک اکولوژی به عنوان ابزار علمی شناخت طبیعی استفاده نمود که سراسر دگرگون شده و بی‌قانونی و هرج و مرج در آن رخ نه کرده است؟ از دیدگاه سیستم آنالیز می‌توان به پرسش‌های فوق پاسخ مناسب و عملی داد:

بر این مبنا، حتی چشم‌اندازهای فرهنگی نیز دارای دخل و خرجی بوده، که این دخل و خرج (بودجه، بیلان) قابل محاسبه می‌باشد. در واقع هر تمدنی دارای چشم‌انداز فرهنگی عصر خود است، که این چشم‌انداز فرهنگی یا مصنوعی (شبه طبیعی) بهر صورت ریشه در طبیعت داشته و موجودیت خود را در ارتباط مستقیم با طبیعت عصر خود حفظ می‌نماید. به بیان دیگر طبیعت و در نهایت اکوسیستم‌های مختلف بستر و اساس کلیه ساخته‌های دست-بشر می‌باشند. در اینجا، این پرسش مطرح نیست که، ساخته دست بشر تا چه حد در طبیعت ادغام گشته و یا بکلی خارج از ظرفیت قابل تحمل محیط بنا شده است. آنچه در اینجا مهم می‌نماید، دخالتی است که در یک یا چند اکوسیستم طبیعی یا شبه طبیعی توسط انسان صورت گرفته است. حال این دخالت می‌تواند بصورت احداث یک کارخانه عظیم، شهرک مسکونی، و یا انبار زباله باشد. از این رو، تعیین‌کننده مقوله مورد بررسی اکولوژی چشم‌انداز-های طبیعی عصر یا دوره‌ای است که در آن بسر می‌بریم، و چشم-

انداز مورد بررسی، چشم‌انداز واقعی همان دوره و زمانه است. از این دیدگاه، اکولوژی چشم‌اندازهای طبیعی دیگر نمی‌تواند به عنوان شاخه‌ای از بیولوژی مطرح شود. در این حالت اکولوژی چشم‌اندازهای طبیعی مانند ابزاری خود ساخته عمل می‌نماید، لیکن در جهت کار و نیز در ارائه نظریات خود، از علوم مختلف مانند هواشناسی، زمین‌شناسی، خاک‌شناسی، آب‌شناسی، گیاه‌شناسی و غیره استفاده به عمل می‌آورد. این شیوه بررسی در مهندسی حفاظت محیط‌زیست بطور کامل عینیت می‌یابد. در اینجا موضوع بررسی نه طبیعت ناب و دست‌نخورده، بلکه محتوای واقعی آن است، یعنی طبیعتی که به دست انسان شکل گرفته و تخریب یا آرایش شده است. در این حال ترسیم مدل یا الگوی طبیعت ناب، و مقایسه آن با آنچه که هست، یعنی محتوای واقعی چشم‌انداز کنونی، می‌تواند جهت برقراری مکانیسم‌های دگرگون شده درک شدت دگرگونی، یافتن علل تخریب محیط و امثالهم کمک نماید. بر این مبنا، اکولوژی چشم‌اندازهای طبیعی را می‌توان یکی از ابزارهای علمی دانست که به کمک آن می‌توان اساس طبیعی زندگی بشری را - که در واقع موجودیت انسان بر آن بنا گردیده - مورد مطالعه قرار داد. در این راه همانطور که قبلاً آمد، همواره چشم‌انداز واقعی مورد نظر است و نه آنچه که می‌بایستی باشد (چشم‌انداز-بدوی).

### تشریح اکوسیستم چشم‌اندازهای طبیعی بر اساس نگرش سیستمی

جهت ادامه گفتگو در چهارچوب تحلیل سیستم‌ها، نه تنها بایستی به بیان برخی مفاهیم تحلیل سیستم‌ها به پردازیم، بلکه تکرار بعضی از مطالب نیز ضروری می‌نماید.

یک سیستم عبارت است از مجموعه‌ای از عناصر (عوامل، قطعات، اشیاء) که به گونه‌ای در کنار یکدیگر قرار گرفته، بر هم سوار شده، نسبت به یکدیگر تنظیم یافته و یا بطور خلاصه، با یکدیگر ترکیب یافته‌اند که، در کل بصورت "یک واحد منسجم" و در جهت انجام یک کار عمل می‌نمایند.

عوامل، قطعات و یا اجزاء یک سیستم به تنهایی قادر به انجام کار سیستم نمی‌باشند. به عبارت دیگر، حاصل عملکرد یک سیستم هرگز حاصل جمع جبری عوامل تشکیل دهنده آن و یا جمع جبری صفات و خصوصیات اجزاء تشکیل دهنده خود نیست. به عنوان مثال یک ساعت کوکی عادی را می‌توان در نظر گرفت:

اجزاء تشکیل دهنده ساعت، یعنی چرخ دنده‌ها، فنر، رفاصک، کوک و غیره، هیچکدام به تنهایی قادر به نشان دادن زمان نیستند. لیکن در صورت سوار نمودن این اجزاء بر طبق مدل از پیش طراحی شده، واحدی بوجود می‌آید بنام ساعت که حاصل عملکرد آن نشان دادن زمان است.

بدن انسان نیز یک سیستم پیچیده بیولوژیک می‌باشد و حاصل

عملکرد قلب، ریه، کلیه، سلسله اعصاب، چشم، گوش و غیره تشکیل دهنده این موجود زنده می‌باشد. در حالیکه قلب و یا ریه به تنهایی، کار انسان را انجام نمی‌دهند.

در یک چشم‌انداز طبیعی نیز، عوامل تشکیل دهنده آن (آتمسفر، هیدروسفر، پدوسفر و ۰۰۰۰) به تنهایی نمی‌توانند یک چشم‌انداز تشکیل دهند<sup>۳۱</sup> یعنی به یک رودخانه، کوه، دره و غیره نمی‌توان عنوان چشم‌انداز را اطلاق نمود. بلکه ترکیب این عوامل به صورت گوناگون در گوشه‌ای از بیوسفر، یک مرداب و در گوشه‌ای دیگر یک کویر خشک می‌آفریند. تازه در این هنگام است که می‌توان از "چشم‌انداز مرداب" و یا "چشم‌انداز کویر" صحبت نمود.

هر سیستم می‌تواند از محیط برخوردار و یا فاقد آن باشد. محیط یک سیستم از کلیه عواملی تشکیل یافته که می‌توانند به گونه‌ای بر سیستم مؤثر افتند. در چنین حالتی سیستم با محیط خود، الزاماً بصورت کنش و واکنش در ارتباط می‌باشد. چنین سیستمی را که با محیط خود در ارتباط است، سیستم "باز" گویند.

در برخی موارد ممکن است سیستم با محیط خود هیچ رابطه‌ای نداشته باشد؛ به عنوان مثال یک ساعت خودکار (اتوماتیک) با محیط خود عملاً هیچ ارتباطی ندارد، بنابراین می‌توان آنرا فاقد محیط دانست.

اکوسیستم‌ها همواره سیستم‌هایی باز بوده و از این رو با محیط خود و نیز مهمتر از همه با خورشید - از طریق تبادل انرژی - در تماس می‌باشند.

در اینجا تمییز دو مفهوم دیگر حائز اهمیت است:

۱- سیستم ایستا

۲- سیستم پویا

هر سیستمی که با گذشت زمان از خود تغییری نشان ندهد و نیز عناصر تشکیل دهنده آن، خصوصیات و روابط میان عوامل آن جملگی ثابت بمانند، سیستم ایستا نامیده می‌شود؛ به عنوان مثال رابطه  $۲ \times ۳ = ۶$  را می‌توان یک سیستم ایستا دانست. یک اتومبیل، موتورسیکلت و غیره نیز تشکیل دهنده سیستم‌های ایستا می‌باشند. طرز کار سیستم‌های پویا بر خلاف سیستم‌های ایستا است. هر سیستمی که در اثر گذشت زمان تغییراتی در آن ایجاد شود و عناصر، اجزاء و یا روابط میان عوامل سازنده سیستم به هر نحوی که باشد دچار دگرگونی گردند، پویا نامیده می‌شود.

موجودات زنده جملگی سیستم‌های پویا هستند، مورفولوژی شهرهای ما نیز پویایی خاص خود را نشان می‌دهند، اکوسیستم‌ها و چشم‌اندازهای طبیعی نیز از پویایی ویژه خود برخوردارند.

حال اگر بخواهیم به همین مختصراً گفتا کنیم و به یک جمع‌بندی اولیه دست یابیم، نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱- عوامل تشکیل دهنده سیستم چشم‌انداز طبیعی همانا

آتمسفر، هیدروسفر، لیتوسفر، پدوسفر، اروتوپوگرافی، پوشش

گیاهی و حیات وحش می‌باشند. هر چند هر یک از این عوامل از سیستم‌های پیچیده و خاص خود برخوردارند، لیکن هیچیک به تنهایی از ویژگی‌های اکولوژیک یک چشم‌انداز طبیعی برخوردار نیستند، بلکه حاصل ترکیب و عملکرد این عوامل، اکوسیستم چشم‌انداز را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل هر گاه از عوامل فوق در چهارچوب یک اکوسیستم نام می‌بریم، بجای عامل از اسم "عنصر" استفاده می‌کنیم و این به آن معناست که عامل مذکور در سیستم چشم‌انداز نقش یک عنصر را ایفا می‌نماید.

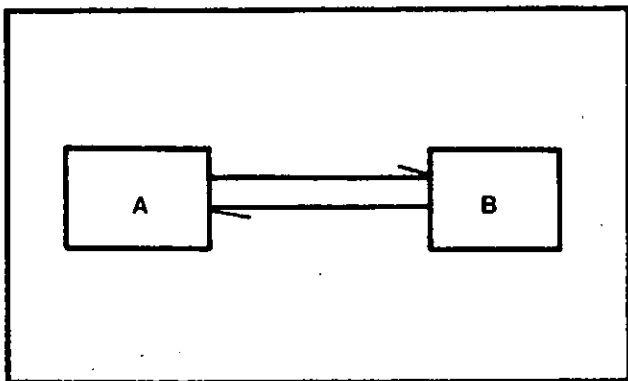
۲- هر اکوسیستم دارای محیط بوده و از این رو بین محیط و اکوسیستم همواره روابط متقابل وجود دارد.

۳- اکوسیستم‌ها همواره سیستم‌هایی باز بوده و به همین سبب تحت تأثیر عوامل برون (عوامل خارج از سیستم و متعلق به - محیط سیستم) قرار می‌گیرند.

۴- اکوسیستم‌ها همواره سیستم‌هایی پویا هستند که در طی فراگرد تکامل طبیعی عوامل تشکیل دهنده خود از حیث کمی و کیفی، دچار دگرگونی‌هایی می‌گردند. حاصل این تغییرات کمی و کیفی در اکوسیستم‌ها پدید آمدن دوره‌های توالی می‌باشد.

با توجه به چند نکته اخیر الذکر و نیز عنایت به زنجیره تولید، مصرف و تجزیه می‌توان به نوعی "بازخورد"<sup>۳۲</sup> منفی در اکوسیستم پی برد. در واقع همین بازخورد منفی نقش کنترل‌کننده را در اکوسیستم‌ها ایفا می‌نماید.

بازخورد بطور کلی زمانی صورت می‌گیرد که، محصول یک فرآیند به عنوان "ورودی"<sup>۳۳</sup> برای فرآیند دیگری بکار گرفته شود و سپس "خروجی"<sup>۳۴</sup> این فرآیند دوم به عنوان ورودی فرآیند سوم قرار گیرد و الی آخر، تا زمانی که خروجی نهایی دوباره به عنوان ورودی فرآیند نخستین درآید، که در این زمان دور بازخورد کامل می‌گردد.



تصویر ساده یک دور (بازخورد)

- 13- Static
- 14- Dynamic
- 15- Structur
- 16- Function
- 17- Biogeocenosis
- 18- W. Larcher : Pflanzenökologie, UTB 1973
- 19- G. Lerch: Pflanzenökologie
- 20- J. Illies: Einführung in die Tiergeogra -  
phie, UTB 1971
- 21- Biotic
- 22- Abiotic
- 23- H. Leser : Landschaftsökologie. UTB, -  
1976

۲۴- ژئوگرافی : ترسیم ساخته گوهی - کوهسازی

- 25- K. Buchwald: Landschaftspflege und Na -  
turschutz in der Praxis, BLV - 1973
- 26- Primitivelandscape
- 27- Natural landscape
- 28- Cultural landscape
- 29- Die Wüste: das farbige LIFE Bildsachbu -  
ch, 1975
- 30- O. Berninger: in, Landschaftspflege un -  
d Naturschutz in der Praxis, BLV - 1973

۳۱- در اینجا بایستی توجه داشت که هر یک از این عوامل در خود  
تشکیل دهنده سیستم‌هایی بسیار پیچیده می‌باشند، ولی در  
رابطه با کل چشم‌انداز، نقش یک عنصر را ایفا می‌نمایند.

- 32- Feed back
- 33- In - put
- 34- Out - put

در حقیقت تعادل پویا و خاصیت خود تنظیمی اکوسیستم‌ها نیز  
حاصل عملکرد همین بازخورد منفی می‌باشد. ناگفته نماند که  
" بازخورد مثبت " نتیجه‌ای چون همان داستان مشهور " صفحه -  
شطرنج و دانه برنج " به همراه خواهد داشت.

## نتیجه‌گیری

از آنچه که گذشت این نتیجه حاصل می‌آید که، اکولوژی چشم -  
اندازهای طبیعی می‌تواند بعنوان ابزار علمی مناسبی جهت تعیین  
ظرفیت قابل تحمل محیط طبیعی بکار گرفته شود. و بر همین اساس  
- یعنی بر مبنای ظرفیت یابی محیط - نمی‌تواند بصورت ابزاری  
دقیق جهت مکان یابی برای کاربری‌های مختلف از زمین بکار آید.  
زیرا به کمک چنین ابزاری، ما قادر خواهیم بود، حجم (گنجایش)  
هر بخش از بیوسفر را محاسبه نموده و نتایج محاسبات مزبور را به  
عنوان زمینه تصمیم‌گیری، در اختیار برنامه ریزان عمرانی قرار -  
دهیم. هر گاه هر طرح عمرانی، پیش از اجرا، از یک چنین  
ظرفیت یابی برخوردار باشد، به بیان دیگر، استقرار واحدهای  
تولیدی و یا توسعه شهری و غیره بر مبنای ظرفیت قابل تحمل  
محیط انجام گیرد، مسائل زیست محیطی که در نتیجه اجرای  
طرح‌های عمرانی ممکن است به وجود آیند، یا بکلی خنثی شده و  
یا حداقل قابل مهار و کنترل خواهند بود.

## یادداشتها

- 1- Landscapeecology
- 2- E.P. Odum : Ecology, Sec. edit. 1975
- 3- Household = (germ; Haushalt)
- 4- H. Leser : Landschaftsökologie, UTB - v -  
erlag, 1976
- 5- Synecology
- 6- Biocenosis
- 7- Biotop
- 8- Autecology
- 9- Plantecology
- 10- Zoocology
- 11- Humanecology
- 12- H. Ellenberg: Ökosystemforschung. Berlin  
1973





# آموزش جغرافیا در کشور اتریش

## ملاحظات عمومی

مدارس خصوصی اغلب مذهبی بوده و دولت ۶۰٪ هزینه‌های پرسنلی آنرا تأمین می‌نماید.

از لحاظ ساخت و سازمان آموزش قبل از دبستان به عهده شهرداریها بوده و اجباری نیست.

آموزش پایه و اجباری از شش سالگی تا پانزده سالگی است. از سال پنجم تحصیل دانش‌آموزان یا به مدارس ۵ ساله عمومی (جزء تحصیلات اجباری) هدایت می‌شوند و یا روانه مدارس سه گانه متوسطه زیر می‌گردند:

۱ - متوسطه کلاسیک (زمینابوم) ۱.

۲ - مدارس متوسطه عمومی.

۳ - مدارس متوسطه خانه‌داری برای دختران.

بعد از آموزش پایه مدارس حرفه‌ای، فنی، بازرگانی و حرف برای علاقمندان وجود دارد.

وزارت آموزش و پرورش و هنر دولت فدرال اتریش مسئولیت تدوین برنامه‌های درسی و روشهای تربیتی را بر عهده دارد، اما

هدفهای کلی آموزش و پرورش در اتریش به صورت زیر بیان شده است:

پرورش استعدادهای نهفته کلیه شهروندان بر پایه ارزشهای اخلاقی، مذهبی و اجتماعی، بالا بردن سطح آگاهی، بصیرت و شناخت جوانان، ایجاد حس مسئولیت، احترام به حقوق دیگران، ایجاد روح برابری، آزادی و ایجاد روح مشارکت در زندگی فرهنگی و اقتصادی اتریش، اروپا و جهان.

مدیریت نظام آموزشی اتریش به عهده «وزارت آموزش و پرورش و هنر» دولت فدرال است. شوراهای آموزشی مناطق و شهرداریها، مسئولیت آموزشی استان را بر عهده دارند.

هزینه‌های مؤسسات آموزشی فدرال به وسیله دولت فدرال و هزینه‌های مؤسسات آموزشی ایالتها به وسیله مقامات ایالتی و شهرداریها تأمین می‌گردد. تأمین حقوق کادر آموزشی به عهده دولت فدرال است اما مقامات ایالتی، دولت را در این امر یاری می‌دهند.

معلمین در انتخاب روش آموزش آزادند. مواد درسی آموزش عمومی عبارتند از:

تعلیمات دینی، زبان آلمانی، تاریخ، جامعه شناسی، جغرافیا، اقتصاد، ریاضیات، زیست شناسی، فیزیک، شیمی، کارهای دستی، بافندگی، مقدمات فلسفه، موسیقی، هنر و ورزش.  
در مدارس متوسطه آموزش یک زبان خارجه و زبان لاتین اجباری است.

## ساخت نظام آموزشی اتریش به شکل زیرمی باشد

### سابقه تدریس جغرافیا در اتریش

از سال ۱۸۴۵ میلادی تا کنون جغرافیا به عنوان یکی از مواد درسی جداگانه، در اتریش تدریس می گردد. در سال ۱۸۵۱ کرسی خاص جغرافیا در دانشگاه وین تشکیل شد و در سال ۱۸۵۵ کرسی دیگری بدان افزوده شد. یکی از این کرسی ها مختص تدریس جغرافیای طبیعی و دیگری برای جغرافیای انسانی بود.

در نیمه دوم قرن نوزدهم کرسی های جدید دیگری برای تدریس جغرافیا در دانشگاه های گراز<sup>۲</sup> و اینس بروگ<sup>۳</sup> افتتاح شدند و در سال ۱۹۶۳ در دانشگاه جدیدالتأسیس سالزبورگ<sup>۴</sup> نیز کرسی جغرافیا تأسیس گردید.

در کالج آموزش عالی بازرگانی وین نیز دو کرسی برای جغرافیا اختصاص داده شده که در حال حاضر مجموعاً ۶ کرسی عادی<sup>۵</sup> و ۵ کرسی فوق العاده در ۵ دانشگاه این کشور برای آموزش جغرافیا وجود دارد.

کرسی های مذکور اغلب به وسیله استادانی اشغال می شد که دارای مهارت های فوق العاده در دانش جغرافیا بوده و از امپراطوری قدیمی اتریش، مجارستان و یا از سوئیس و آلمان گردهم آمده بودند.

از نخستین استادان مشهور جغرافیا در اتریش باید « فریدریش - سیمنی<sup>۶</sup> » را نام برد. وی مطالعات خویش را در هیدروگرافی، یخچال شناسی، مناطق کارستی و اقلیم شناسی کوهستان های مرتفع به پایان برده بود و به تحقیقات و علوم عشق می ورزید.

جانشینان وی آلبرخت پنک<sup>۷</sup> و ادوارد بروکتر<sup>۸</sup> بودند. آنان شاگردانی تربیت کردند که تحقیقات آنان را در اتریش، اروپای مرکزی و حتی ماوراء بحار ادامه دادند.

دومین کرسی جغرافیا که در سال ۱۸۸۵ تأسیس گردید عمدتاً " بر جغرافیای تاریخی و سیاسی تأکید می نمود. وجود دو کرسی برای جغرافیا ( به جز وین، برلین فقط دارای دو کرسی جغرافیا بود ) مدت ها یک پدیده بی همتا بشمار می آمد و کرسی جغرافیای تاریخی و سیاسی کم کم به صورت یک سنت دیرپا درآمد. در آغاز این کرسی، کرسی توپوگرافی با گرایش تاریخی و زبان شناسی بود که

استادان بی نظیری مثل پروفسور اوژن اوپرها<sup>۹</sup> آنرا اشغال کرده بودند. استاد مذکور در مجامع انگلیسی - آمریکائی معروف بود و مدت های متعددی کرسی مذکور را اداره می کرد. بعد از سالها این کرسی توسعه پیدا کرد و به شکل یک کرسی جغرافیای انسانی مدرن درآمد.

یکی از گرایشات فعال در جغرافیای اتریش مطالعه محیط شهری است که به وسیله انسان مورد استفاده قرار می گیرد. این گرایش در آغاز قرن بیستم به وسیله هوگو هاسینگر<sup>۱۰</sup> در کتاب " جغرافیای بشر " مطرح گردید و بدین وسیله بین مطالعه شهر و برنامه ریزی شهری اتصالی برقرار ساخت. جامعه امروز بر این اصل معتقد است که هستی او بستگی به تطبیق احتیاجات خویش با محیط طبیعی دارد.

کرسی های جغرافیا در اتریش در صدوسی سال گذشته و در حال حاضر به وسیله محققان مشهوری اشغال گردیده که معتقدند جغرافیا دارای وضعیتی خاص در بین علوم است و باید آنرا بر اساس سنت های دیرپا در مدارس به دانش آموزان آموخت.

جغرافیا از آغاز قرن هجدهم به عنوان موضوع جداگانه ای در کالج های پیاریست ها<sup>۱۱</sup> تدریس می شد و یا در کالج های قبلی بندیکت ها<sup>۱۲</sup> همراه با سایر مواد درسی آموخته می شد. قرن هجدهم و آغاز قرن نوزدهم شاهد پیشرفت قابل توجه در آموزش ریاضیات و علوم بوده و بعد از سال ۱۸۴۸ این موضوعات کمابیش با فلسفه و تاریخ ارزش یکسانی در آموزش پیدا کردند و بنابراین آموزش جغرافیا عمومیت بیشتری پیدا کرد.

### آموزش کنونی جغرافیا در اتریش

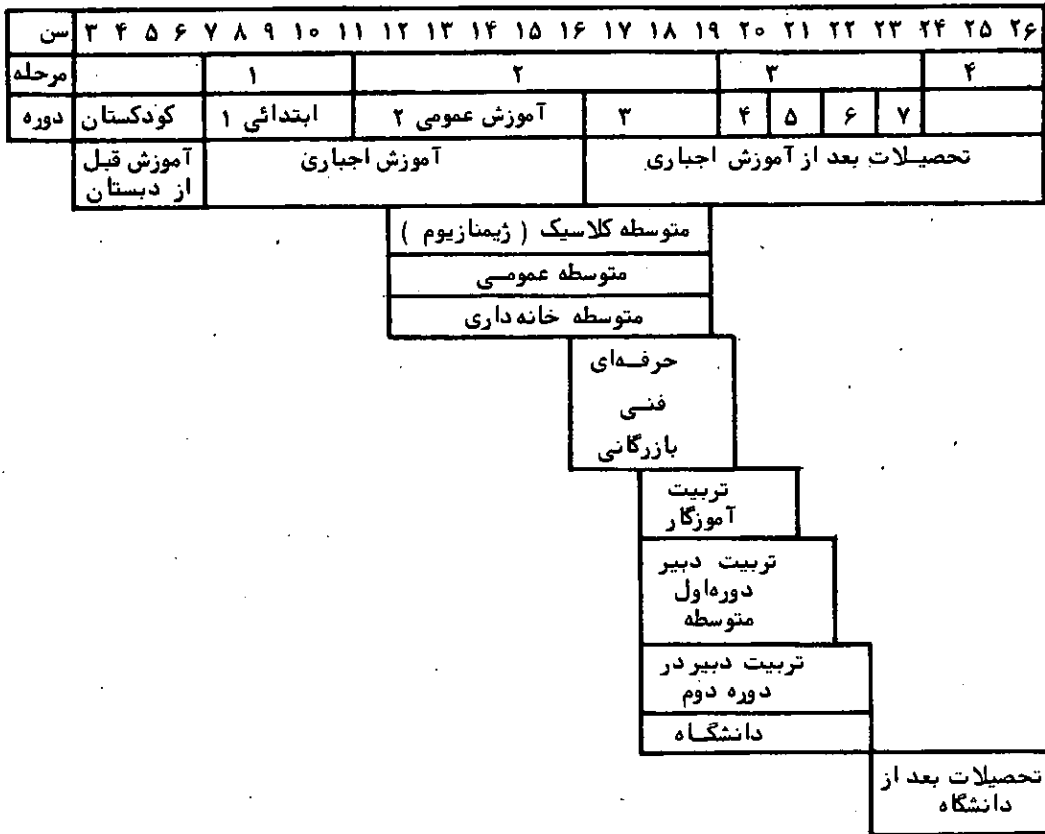
بر اساس قانون آموزش سال ۱۹۶۲، مدارس برنامه آموزشی مصوبه دولتی را باید اجرا نمایند.

برنامه آموزش جغرافیا برای کلاس های سوم و چهارم ابتدایی ( دانش آموزان هشت و نه ساله )، آموزش جغرافیای وطن به صورت عملی و دروس مشاهده ای<sup>۱۳</sup> است. آموختن مطالبی در مورد شهر محل سکونت و محیط اطراف آن و کشور موطن دانش آموز، وی را قادر می سازد تا زندگی را در کشور خویش با بیانی واضح، توضیح دهد. در صورتیکه دانش آموز قصد ادامه تحصیلات داشته باشد، اصول و مفاهیمی که در این کلاسها به وی آموخته می شود سودمند خواهد بود. علاوه بر این دانش آموزان عملاً با کشور خویش آشنایی پیدا می کنند ولی به هر حال آموزش دقیق جغرافیای وطن، مربوط به کار مدرسه ابتدایی نیست.

موضوعات زیر که هر کس در زندگی روزمره خویش با آن روبروست، بخشی از آموزش عمومی را در اتریش تشکیل می دهد:

فصول و جشنواره ها، احتیاجات فرهنگی انسان، مناطق با ویژگی های خاص ( جنگل ها و کوهها و غیره )، موضوعاتی با اهداف

## ساخت نظام آموزشی اتریش



حقیقی ( دبیرستان نوین ) ذکر می‌کنیم .  
 جغرافیا و اقتصاد در دبیرستان‌های اتریش پیوند بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند .  
 اهداف آموزش جغرافیا و اقتصاد در اتریش آن است که دانش-آموز به اندازه‌ای با علم تئوری و عملی آشنایی پیدا کند که بتواند به شرایط طبیعی ، اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی‌ای را که با آن سروکار دارد آگاهی یافته و پیوستگی آنها را با یکدیگر درک نماید . دانش‌آموز باید از طرفی ارتباطات بین کشور خویش و سایر کشورها و قاره‌ها را در نظر گیرد و از سوی دیگر جایگاه فرهنگی و طبیعی این کشورها را درک کند .  
 آموزش جغرافیا بدون آنکه سعی داشته باشد جهان را تماما " به دانش‌آموز معرفی کند باید به وی کمک کند تا ویژگیهایی را که بیشتر متکی بر طبیعت می‌باشند . مد نظر قرار داده و آنها را فهرستوار دسته بندی نماید .  
 آموزش جغرافیا و اقتصاد دانش‌آموز را قادر به درک این مطلب می‌کند که اگرچه بشر به زمین وابسته است ، با این حال وی قدرت چیره شدن بر زمین را دارا است . جغرافیا به دانش‌آموز نشان خواهد داد که ارتباطات نزدیکی بین بشر و سطح زمین وجود دارد و اقتصاد به دانش‌آموز می‌فهماند که آزادی بشر در بهره - برداری از زمین تا هنگامی امکان پذیر است که وی بر مسئولیت

آموزشی ( آموزش بهداشت ، آموزش خانه داری ، مقدمات آشنایی با قوانین راهنمایی و رانندگی ) .  
 از میان موضوعات فوق که در زندگی انسان امروز با آنها سرو کار دارد ، مفاهیمی انتخاب می‌شود که اساس آموزش‌های بعدی را تشکیل می‌دهند ، مثلا " : مفاهیم جغرافیای اقتصادی ، تاریخ ، جامعه شناسی و مفاهیم علمی دیگر .  
 اساسی‌ترین موضوعاتی که در کلاس‌های جغرافیا مطالعه می‌شوند شهر و کشوری می‌باشند که فرد در آن زندگی می‌کند . بعد از آن موقعیت مکانها ، بناهای تاریخی و مشاهده حرکات ظاهری ستارگان می‌باشند . مفاهیم اقتصادی زیر نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرند :  
 تولید اولیه ( کشاورزی ، معدن و غیره ) ، صنایع و پیشه و هنر ، تجارت ، ارتباطات و احتیاجات مصرفی ( به ویژه مسکن و غذا و لباس ) . مطالعات مذکور بنا بر این ارتباط متقابل بشر را با طبیعت آشکار می‌سازد و تجزیه و تحلیل‌های کمی و ریاضی مطالعات اقتصادی و جغرافیایی را کامل می‌سازد .  
 آموزش جغرافیا به شکل فوق ( و اقتصاد ) تا دوره دبیرستان آغاز نمی‌شود ( مثلا " پنجمین سال مدرسه در سن ده سالگی ) و سپس برنامه درسی جغرافیا برای تمام مدارس به صورت مشابه درمی‌آید ( ده ساله تا چهارده ساله ) . به عنوان مثال ، اساس آموزش جغرافیا را در دبیرستان کلاسیک ( ژیمنازیوم ) و ژیمنازیوم

خویش واقف باشد. این وقوف هدف آموزش جغرافیا و اقتصاد است. ضمناً دانش آموز باید بتواند بین جغرافیا و سایر مواد درسی که می آموزد ارتباط برقرار سازد.

« دانش آموز باید دو مطلب را با یکدیگر مد نظر قرار دهد: از طرفی باید کشور خویش را از نظر جهانی ببیند و از سوی دیگر به جهان از نقطه نظر محلی بنگرد. »

اطلاعات عملی و نظری از جغرافیا و اقتصاد باید به استفاده این علوم در زندگی منجر شود و به رشد شخصیت دانش آموز کمک کند. بنابراین وی قادر به شناخت مردم و سرزمین های دوردست، تمدن ها و وابستگی زندگی اقتصادی ملل به موقعیت جغرافیایی و زمینه طبیعی می گردد.

معلم جغرافیا وطن پرستی را اساس تهییج دانش آموز برای برانگیختن تعصب وی نسبت به جهان قرار می دهد. قدرشناسی و عشق به میهن و مردم سرزمین خویش باید اساس احترام دانش آموز نسبت به مردم سایر نواحی جهان باشد.

جغرافیا و اقتصاد بر خلاء میان علم و هنر پل می سازد. و به ما می آموزد که بین روش های مختلفی که علوم از آن بهره می جویند تلفیقی برقرار سازیم، مثلاً اغلب علوم از روش محاسبه و اندازه گیری استفاده می کنند و هنرها با ترکیب و اظهار نظر همراهند. این یکی از مهمترین وظایف آموزشی است که رویاروی معلم جغرافیا و اقتصاد قرار گرفته است.

« معلم جغرافیا فوق همه اینها باید نشان دهد که بشر چگونه به عوامل محیط زندگی خویش وابسته است و با چه وسائلی می تواند از این قلمرو استفاده کرده، رفتار خود را تنظیم نماید. »

از میان موضوعاتی که به دقت انتخاب شده و به دانش آموزان آموخته می شود، اتریش و کشورهای اروپایی می باشد زیرا آنها دارای ویژگیهای جغرافیایی و اقتصادی خاصی هستند که دانش آموز باید به منظور مفهوم شدن دقیق اروپا، با آنها آشنا گردد. علاوه بر این دانش آموز درباره اصول اساسی ساخت و ارتباطات اقتصادی مطالبی را فرا می گیرد.

در کلاسهای پایه‌ین متوسطه چهره عمومی قاره‌ها به جز اروپا تدریس می گردد و چهره طبیعی، جمعیت، اقتصاد و دولت‌هایی را که در سایر قاره‌ها وجود دارد می خواند و بدین ترتیب چهره کره زمین کاملاً ترسیم می گردد.

کارهای عملی که در این سالها انجام می گیرد شامل تفسیر عکس و آموزش نقشه خوانی موضوعی و استفاده از آنها در مطالعات صحرائی است. علاوه بر این در زمینه اصول اساسی جغرافیا، شکل و ابعاد زمین، انقلابین و اعتدالین و اجرام آسمانی مطالبی آموخته می شود. دانش آموز باید در سالهای اول متوسطه درباره ارتباطات میان اقلیم و موقعیت خورشید و اثرات اقلیم در اجتماعات گیاهی و حیوانی و انسان اطلاعاتی کسب نماید.

در کلاسهای بالاتر آموزش عمومی متوسطه ( دانش آموزان بین ۱۴ تا ۱۹ سال) فقط رئوس مطالب درسی مدارس جدید ارائه شده است. به هر حال مطالبی که در این سالها ارائه می شود با دروس سال آخر متوسطه مشابهتی ندارند.

اصل عمومی و پایدار در آموزش متوسطه اتریش این است که موضوعاتی که فرهنگ عمومی را تشکیل می دهند در دو مقطع آموزشی تکرار گردند. بنابراین موضوعات درسی دو بار تدریس می شوند اما از دو نقطه نظر متفاوت. بدین وسیله اطمینان حاصل می شود که دانش آموزانی که بعد از مرحله اول متوسطه ترک تحصیل می کنند، درباره فرهنگ عمومی مطالبی آموخته‌اند. مطالبی که در مرحله دوم آموزش متوسطه مطرح می شوند، گسترده تر از مطالب مرحله اول می باشند.

هدف از آموزش جغرافیا در مرحله دوم آموزش متوسطه مثل سایر مواد درسی آن است که: آموزش و مطالعات سبب توسعه فکر نسل جوان شده و ایده‌های صحیحی مبتنی بر اصول اخلاقی و مذهبی و ارزش‌های اجتماعی در آنها شکل گیرد.

آموزش جغرافیا هر چیز را به خدمت می گیرد تا بخشی از فرهنگ عمومی را دانش آموزان فرا گرفته و آنان را تشویق نماید از طریق کوشش شخصی علم را کسب کنند.

تأکید بر ارزش‌های اخلاقی در زندگی اقتصادی و برانگیختن عشق به میهن و ایجاد روابط حسنه بین ملل، تشریح رفتار طبیعی و تأکید بر احتیاج به محیطی توأم با سلامتی منجر به تشکیل ایده‌های صحیح در دانش آموز می شود.

طرح مصوب آموزش جغرافیا در اتریش، اهداف آموزشی زیر را در بر می گیرد:

« جغرافیای ناحیه‌ای اتریش و کشورهای بزرگ جهان با توجه به ارتباطات بین پدیده‌های جغرافیایی، « آشنایی با اقتصاد و جوامع و مسائل سیاسی دنیای امروز، آشنایی با مفاهیم اقتصادی و جغرافیایی از طریق آموزش تعلیمات مدنی و بر اساس حقایق جغرافیایی. »

در پایان مرحله آموزش متوسطه عمومی، اطلاعات عملی و نظری جغرافیایی به ادراک کلی و عمومی جهان و تمدن‌ها منجر می گردد و برای حصول به این مقصود از وسائل کمک آموزشی قابل دسترس مثل کتب، تصاویر، اطلس‌ها، بریده روزنامه‌ها، مجلات، فیلم‌ها و رادیو و تلویزیون استفاده می شود.

معلم جغرافیا امکان استفاده از وسائل کمک آموزشی را دارد در حالیکه معلمین سایر مواد آموزشی، چنین امکاناتی را در دسترس ندارند.

در تدریس جغرافیای ناحیه‌ای از اصول اولیه اقتصادی استفاده می شود و در این مطالعات، اقتصاد به عنوان یک احتیاج در جهان امروز، با توجه به سن دانش آموزان مطرح و آموخته می شود و آراء

و عقاید اقتصادی در تمام سطوح مطابق سن دانش آموزان تنظیم می‌گردد.

از آنجایی که برای دروس مختلف مرحله دوم آموزش متوسطه فقط یک سرفصل ارائه شده است، بنابراین معلم جغرافیا می‌تواند آزادی عمل بیشتری داشته و شیوه تدریس و موادی که تدریس می‌کند به صورت انتخابی اقدام نماید.

آموزش جغرافیا در کلاس‌های پنجم شامل موارد زیر است: تدریس خلاصه جغرافیای کشورهای مختلف آسیایی و آفریقایی در چهارچوب جغرافیای منطقه‌ای، مرور، آشنایی و گسترش اصول عمومی جغرافیا و اقتصاد، مسائل اقتصادی و سیاسی امروز در قاره‌های آسیا و آفریقا، نتیجه‌گیری در مورد رشد مراکز مهم دو قاره مذکور، اهمیت اقیانوسها.

موارد لازم برای جغرافیای کلاس‌های ششم عبارتند از: تدریس جغرافیای جمهوری‌های مختلف اتحاد شوروی، شمال و جنوب آمریکا، استرالیا و اقیانوسیه در چهارچوب جغرافیای ناحیه‌ای و توجه به مسائل اقتصادی و سیاسی امروز این کشورها. نتیجه‌گیری در مورد رشد مراکز مهم، نواحی و قاره‌های مذکور.

فصول آموزش جغرافیا در کلاس‌های هفتم عبارتند از: یک بررسی جغرافیای طبیعی، جغرافیای اروپا به صورت دقیق (باستثنای اتریش و اتحاد شوروی) و با توجه به ساخت اجتماعی، اقتصادی واحدهای مختلف اروپا، تجزیه و تحلیل در مورد بهره‌برداری بشر از محیط طبیعی اروپا و اثرات آن.

جغرافیا در کلاس‌های هشتم بر جغرافیای اتریش متکی است و با استفاده از جغرافیای اتریش که در کلاس‌های اول و چهارم تدریس شده، در این کلاس بیشتر بر مثالهای کاربردی تکیه می‌شود و با حداکثر استفاده از نقشه‌های قابل دسترس، اسلایدها، فیلم‌ها و ترسیم و ارائه مونوگرافی‌هایی در مورد زمین‌شناسی، اقلیم، جغرافیای گیاهی اتریش تدریس می‌گردد. ویژگیهای متفاوت نواحی طبیعی و پراکندگی آنها در استانهای اتریش، فرهنگ امروزی و موقعیت اقتصادی اتریش با توجه به شرایط جغرافیایی و تاریخی قسمت‌هایی از جغرافیای اتریش را در کلاس هشتم تشکیل می‌دهد و بر اساس رشته‌های مختلف اقتصادی و یا تولید ملی، مطالعه عمیقی در ساخت، مسائل و روند اقتصاد اتریش صورت می‌گیرد و در این راه از کمک آمار، مطالعه جزئیات اقتصاد ملی مثل تراز تجاری، تراز پرداخت‌ها و خدمات و تراز کلی، تا سطح قیمت‌ها و دستمزدها، سوددهی، رقابت، مطالبی اساسی درباره پول و سیاست بودجه و غیره بهره می‌جوید.

در کلاس‌های نهم آموزش جغرافیا با تاریخ و علوم اجتماعی همراه است. هدف تدریس این مواد درسی به صورت تلفیقی آن است که از تحولات تاریخی و روابط متقابل بین مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دولت، تفهیم عمیق‌تری صورت گیرد.

## یادداشتها

1- *Gymnasium.*

2- *Graz.*

3- *Innsbruck.*

4- *Salzburg.*

5- *Ordentliche Lehrkanzeln.*

6- *Friedrich Simony.*

7- *Albrecht Penck.*

8- *Eduard Brückner.*

9- *Eugen Oberhummer.*

10- *Hugo Hassinger.*

۱۱- پیاریست‌ها ( *Piarists* ) مؤسسات آموزش متوسطه بودند که در اوایل قرن هفدهم میلادی در رم تأسیس شده بودند.

۱۲- بندیکت‌ها ( *Benedictine* ) پیروان بندیکت مقدس ( *St. Benedict of Nursia* ) پدر رهبانیت در غرب و پایه‌گذار صومعه‌ها.

این پیروان تمامی عمر خویش را وقف آموزش و پرورش و ادبیات می‌کنند و در دیرها اقامت می‌نمایند.

13- *Heimat-und Naturkunde.*

## منابع

۱ - " راهنمای بین‌المللی نظامهای آموزشی " دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی، تهران (۱۳۶۱)، ص ۴-۲۳۲.

2- *Marchant, E.C., The Teaching of Geogra - Phy at school Level. " Council of Euro - pe, Harrap & co. Ltd. London (1971) , - PP 40 - 46.*

3- *Webster's New International Dictionary, - 2th Ed. G & C. Merriam Company Pub. (M - ass. U.S.A.). 1954.PP. 252, 1854.*

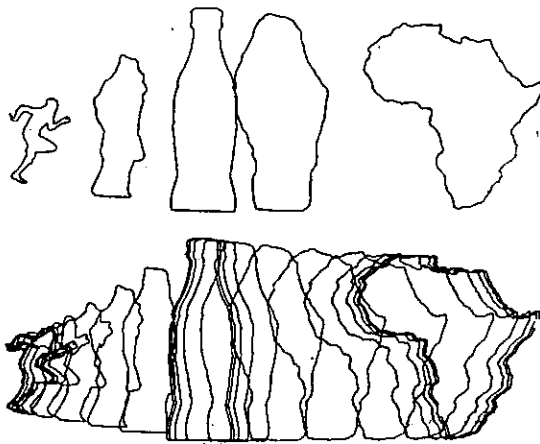
# افریقای امروز

آیلین ریتر (۲)

ترجمه از: دکتر حسین بنی فاطمه - دانشگاه تبریز

بررسی‌های اجتماعی نشان می‌دهند که نزدیک به ۵۰ درصد آوارگان (۳) جهان، یعنی پنج میلیون نفر آنها، در کشورهای آفریقایی زندگی می‌کنند. از سوی دیگر، تعداد آنان در کشورهای مهاجرپذیر که خود با دشواریهای زیادی مواجه هستند و نمی‌توانند زندگی آوارگان را بیش از حداقل معاش تأمین کنند، روز به روز در حال افزایش است. می‌توان گفت ۲۰ کشور از ۳۰ کشوری که از نظر طبقه بندی درآمد ملی در حداقل قرار می‌گیرند (حدود ۲۵۰ - دلار) در قاره آفریقا هستند. با وجود این، نزدیک به ۸۰ درصد آوارگان آفریقایی کوشش دارند که از این کشورها پناهندگی سیاسی بگیرند. بیش از ۹۰ درصد آوارگان آفریقا در منطقه نیمه‌صحرائی که بیشترین میزان فقر و بدبختی این قاره را به خود اختصاص می‌دهد سکنی گزیده‌اند. توسعه اقتصادی در کشورهای آفریقایی به علت خشکسالی مداوم، بحران انرژی، عقب ماندگی کشاورزی، بازپرداخت دیون خارجی و رکود اقتصاد جهانی، رونقی نداشته است. جمعیت این قاره بیش از اندازه افزایش یافته و هیچگونه تعادلی میان تهیه مواد غذایی و کنترل جمعیت وجود ندارد، بطوریکه بیکاری و بیکاری پنهان ناشی از افزایش جمعیت کاملاً چشمگیر است. وجود آوارگان در کشورهای آفریقایی نه تنها باعث کمبود مواد غذایی و دازویی شده، بلکه سبب به وجود آمدن مسائلی در سیستم حمل و نقل نظیر راههای ارتباطی، راه آهن و بنادر گشته است، ولی با وجود این، هنوز این کشورها آمادگی خود را برای پذیرفتن هزاران آواره که هیچگونه نفعی در مقابل مخارج اقتصادی برای آنها ندارند، حفظ کرده‌اند.

تقریباً تمام مناطق آفریقایی از وجود خشکسالی و عواقب ناشی از آن که همان کمبود مواد غذایی است رنج می‌برند. بیشتر آبهای قابل شرب و مصرفی این نواحی آلوده است و باعث نشر انواع امراض مسری می‌گردد. اکثریت کودکانی که در مقابل بیماریها واکسینه نشده‌اند دچار امراض دیفتی و فلج اطفال (۴) می‌شوند.



علاوه بر اینها، خطر شیوع بیماری همیشه در این نواحی وجود دارد. سوء تغذیه (۵) و کم غذایی (بر اثر کمبود مواد خوراکی) امری عادی به نظر می‌رسد. در اینجا امکانات بهداشتی کم است، در مقابل هر ۱۵۰۰۰ - ۱۵۰۰ نفر از جمعیت یک پزشک و برای هر ۱۳۰۰۰ - ۱۵۰۰ نفر یک تخت بیمارستانی وجود دارد.

از آنجائی که اکثریت آوارگان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، از اینرو مسائل و دشواریهای زیادی برای آنان پیش می‌آید. بیشتر زنان آواره را بیوگان و مطلقه‌ها تشکیل می‌دهند. آنان علاوه بر ناراحتیهای ناشی از تغییر محیط اجتماعی و آوارگی، سرپرستی خانواده‌هایی را که معمولاً پرجمعیت هم هستند بر عهده دارند. به همین جهت است که بیشتر اوقات بر اثر وجود ناراحتیهای روحی و مشکلات طاقت فرسای زندگی به ناراحتیهای روانی دچار می‌شوند، و از این نظر هیچ کمکی از طرف مراکز خدماتی مسئول آوارگان به عمل نمی‌آید. مسلم است که در صورت وجود خدمات مربوط به تنظیم خانواده، فراهم آوردن امکانات بهداشتی برای مادر و کودک، دادن آموزش حرفه‌ای و مشاوره در جهت کاریابی و اقداماتی از این قبیل، زنان آواره خواهند توانست به داشتن یک زندگی امیدوار کننده و مولد پای‌بند باشند. در این رابطه سازمان ملل سه نوع کمک به آوارگان را به شرح زیر پیشنهاد می‌کند:

۱ - کمکهای اضطراری در جهت رفع نیازهای اساسی نظیر خوراک، پوشاک، مسکن، وسائل خانه و مراقبت‌های بهداشتی.

۲ - کمکهای اساسی بلند مدت بمنظور راهنمایی برای گره گشایی مشکلات و حل مسائل.

۳ - برنامه‌های بلند مدت اقتصادی در راستای تأمین خود - کفایی برای آوارگان و برگرداندن هر چه سریعتر آنها به موطن اصلی خود و یا فراهم آوردن امکانات جذب آنها در جامعه جدید. مسائل و دشواریهای ناشی از وجود پنج میلیون آواره آفریقا بالسویه در کشورهای این قاره تقسیم نشده‌اند. بلکه برخی از کشورها

در مقایسه با کشورهای دیگر موانع و مسائل حادثی دارند. آمار نشان می‌دهد که آنگولا به تنهایی حدود ۲۳۰،۰۰۰ پناهنده را در خود جای می‌دهد که از آنها ۵۰،۰۰۰ نفر از نامیبیا، ۵۰،۰۰۰ نفر از آفریقای جنوبی و ۱۸۰،۰۰۰ نفر از زئیر آمده‌اند. یکی از اردوگاه‌های آوارگان در ناحیه چیمبیا (۶) در جنوب شرقی آنگولا حدود ۶،۰۰۰ نفر آواره زئیری را سکنی داده است.

برای بیشتر آوارگان آنگولا کاری وجود ندارد، به طوری که در طول هفته بیش از یکی دو روز، آن‌هم در مزارع اشتراکی کم درآمد کار نمی‌کنند. در بین آنان سوء تغذیه کودکان امری عادی است. در حالی که اکثریت آوارگان زئیری از آنگولا به وطن خود برگشته‌اند، اما تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنان در حدود ۱۸۰،۰۰۰ نفر به خواست خودشان در آنگولا ماندگار شده‌اند. گذشته از آن طی سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۷۹ حدود ۱۰۰،۰۰۰ نفر آواره آنگولایی به کشور خود برگردانده شده‌اند. بنابراین لازم است هر چه زودتر برای تعداد فزاینده آوارگان نامیبیایی که وارد آنگولا می‌شوند چاره اندیشی شود، و بمنظور اسکان آوارگان زئیری و آوارگان بزرگدانه شده آنگولایی برنامه‌ریزی بلند مدت ضروری بنظر می‌رسد.

در ناحیه بوروندی نزاع بین قبایل هوتو (۷) (از بوروندی) و توسی (۸) (از رواندا) باعث گردیده است که تعداد زیادی از آنان، نزدیک ۲۳۴،۶۰۰ نفر که اکثراً رواندایی هستند، به مناطق شهری مهاجرت کنند. در این مناطق بیکاری در سطح بالایی قرار دارد و به همین جهت ترتیب برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای و فراهم نمودن سرویسهای کارپایی و همچنین تأمین امکانات لازم برای اشتغال در مشاغل کوچک ضروری است.

در جمهوری کامرون تقریباً ۲۶۶،۰۰۰ نفر آواره وجود دارد. اکثریت آوارگان کشور در شهر کوسری (۹) (واقع در ایالت شمالی) و اطراف آن سکنی گزیده‌اند، از نظر تعداد از بومیان این منطقه زیاده‌تر (در حدود ۱۰ بریک) هستند و تأثیرات سوئی روی بازار کار و وسایط نقلیه دارند و دشواریهایی مانند کمبود مواد غذایی و تراکم بیش از حد جمعیت را باعث می‌شوند.

در کشور جیبوتی، جایی که ۴۲۰،۰۰۰ نفر آواره آن ۱۲ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهد، کمبود آب از مسائل حاد این کشور محسوب می‌شود. اگر چه بیشتر این افراد منشاء روستایی دارند، اما به خاطر خشکسالی و آب و هوای سخت منطقه، سکنی دادن آنها در مناطق روستایی عملاً غیر ممکن است. آوارگان اتیوپیایی که منشاء شهری دارند و در حال حاضر در پایتخت جیبوتی زندگی می‌کنند، اقتصاد این کشور را دچار مشکل نموده‌اند زیرا میزان بیکاری این کشور را بالا برده و سطح زندگی آن را پایین آورده‌اند. از آنجا که بیشتر آوارگان شهری را دانشجویان تشکیل می‌دهند، لذا ایجاد مدارس و دانشکده‌هایی در کشورهای دیگر آفریقا از بار مشکلات این شهرها خواهد کاست.

در کشور اتیوپی بطور تقریب ۴ میلیون نفر جنگ زده، قحطی دیده و خشکسالی کشیده وجود دارد. اختلافات داخلی اتیوپی با جدایی طلبان اریتره در بخش شمالی این کشور باعث شده است که حدود ۵۰۰،۰۰۰ نفر آواره در مرز سودان و اتیوپی جمع شوند. از سوی دیگر جنگ با سومالیا بر روی منطقه اوگادن (۱۰) موجب هجوم یک میلیون آواره به اردوگاه آوارگان واقع در هزاره (۱۱)، بیل (۱۲) و سیدامو (۱۳) شده است. با توجه به تعداد آوارگان موجود در کشور اتیوپی، مسلماً توزیع مواد غذایی از اولویتهای برنامه‌های دولت است که توسط سرویسهای کمک رسانی تقویت می‌شود. برای مواجهه با کمبود آب، چاههایی جهت رفع نیاز مردم در برخی از نقاط کشور زده شده ولی در بسیاری از مناطق، هنوز گرسنگی مردم را تهدید می‌کند. در سالهای اخیر هزاران نفر از آوارگان اتیوپی که به خاطر جنگ داخلی و ناملایمات طبیعی وطن خود را ترک کرده بودند به کشور خود باز می‌گردند. این مردم، علاوه بر فوریتهای امدادی، برای بازیابی خود کفایی پیشین، به کمک احتیاج دارند. در حال حاضر جنگ در این کشور متوقف شده ولی هنوز جنگ‌های چریکی ادامه دارد و آینده را برای مردم اوگادن تیره و نامطمئن می‌سازد. بنابراین اگر هم مسئله قحطی و خشکسالی از این کشور رخت بریندد، مسئله سیاسی گریبانگیرش خواهد بود. به نظر کارشناسان سازمان ملل، کشور سومالی در مقایسه با کشورهای آفریقایی دیگر، بیشترین مسائل و مشکلات مربوط به آوارگان را داراست. در حدود ۴ میلیون نفر جمعیت بومی و ۱/۵ میلیون نفر آواره در این کشور زندگی می‌کنند. بیشتر آوارگان سومالی را چادر نشینان اوگاندایی که به خاطر خشکسالی یا جنگ داخلی کشور خود را ترک کرده‌اند، تشکیل می‌دهند. در این کشور نیز مسئله آب در اولویتهای برنامه دولت و سرویسهای کمک رسانی سازمان ملل قرار می‌گیرد. آب آلوده رودخانه‌ها سلامت آوارگان حتی در بسیاری از موارد بومیان را تهدید می‌کند. اگرچه در حال حاضر آب لازم توسط ارگانهای داوطلب و سرویسهای خارجی تأمین می‌شود، ولی راه حل بلند مدتی جهت خود کفا کردن مردم ضروری به نظر می‌رسد. نزول باران نقش حساسی در این منطقه کم آب بازی می‌کند، به طوری که اغلب خود کفایی مردم وابسته به وجود باران است. از این رو قطعه زمینهایی که دولت سومالی جهت کاشت در اختیار آوارگان می‌گذارد، به خاطر خشکسالی بلا استفاده می‌ماند.

کشور سودان با جمعیت ۲۰ میلیونی خود میزبان بزرگترین جمعیت آواره که در حدود ۵۰۰،۰۰۰ نفر است می‌باشد. ۸۰ درصد این عده اهل اتیوپی و بقیه را آوارگان جنگ قبیله‌ای اوگاندا و جنگ داخلی کشور چاد تشکیل می‌دهند. در اردوگاه وادال هیلا-یوو (۱۴)، اولین اردوگاه بین راهی برای اقامت موقت آوارگان جنگی اریتره که عازم سودان هستند، دو خانه متروک سنگی

خانواده‌ای را از یک دهکده اتیوپیایی در خود جای می‌دهد. این آوارگان نه تنها به خاطر مسائل سیاسی، بلکه به علت کمبود مواد غذایی که از قحطی و خشکسالی ناشی می‌شود خانه و کاشانه خود را ترک می‌کنند. دولت سودان و ارگانهای کمکی سازمان ملل امیدوارند که این آوارگان را در دهکده‌های دائمی به منظور احیاء آباد کردن زمینهای کاشته نشده سکنی دهند. در حال حاضر فقط  $\frac{1}{8}$  زمینهای قابل استفاده در این منطقه مورد کشت قرار می‌گیرد. با تمرکز بیشتر آوارگان در مراکز شهری خرطوم، گدارف (۱۵)، کاسالا (۱۶) و بندر سودان، این شهرها با مسائل حادی مواجه شده‌اند. دولت سودان با ایجاد سکونتگاههای روستایی و شهری در اطراف شهرهای مذکور، بسیاری از آوارگان بیکار را سر و سامان داده و آنان را از نظر رفع احتیاجات خویش خودکفا ساخته‌است. با توجه به مسائل آوارگان، کشور سودان اقدامات جهانی خود را با تشکیل کنفرانس بین المللی مربوط به آوارگان آغاز کرده که اولین جلسه آن در ژوئن ۱۹۸۰ در خرطوم تشکیل شده است.

اهداف این مجمع عبارت بود از: اسکان دادن آوارگان در سکونتگاههای منسجم و سازمان یافته، کمک به گروههای متکی به غیر نظیر یتیمان، بیوه زنان، افراد مسن و معلول، و همچنین دادن آموزشهای حرفه‌ای لازم برای آوارگان به منظور جذب آنها در بازار کار جامعه سودان. با توجه به این برنامه سکونتگاههای آوارگان به سه دسته تقسیم می‌شدند:

الف - سکونتگاه آوارگانی که در روستاها بر روی مزارع شخصی کار می‌کنند.

ب - سکونتگاه آوارگانی که در پروژه‌های آبرسانی شمال سودان مزد بگیر بودند.

ج - سکونتگاه آوارگان نیمه شهری. درست است که اسکان آوارگان لازم است، اما پیش از این امر، آنها به مواردی از قبیل خانه، درمانگاه مجانی، مدرسه، آب، وسایل حمل و نقل و مواد غذایی نیازمندند که باید مورد توجه مسئولین امر قرار گیرد. آوارگان سودان عموماً "از بهداشت و سلامت جسمی برخوردار نیستند، به طوریکه اردوگاه ۸۰۰۰۰ نفری در نزدیکی گدارف سودان، در حدود ۱۰ درصد مردم از بیماری سل رنج می‌برند. مالاریا و کم خونی در این منطقه امری عادی، سرخک مرگ آفرین شایع و تجهیزات بهداشتی نادر است.

در جمهوری تانزانیا ۱۴۰۰۰۰۰ نفر آواره زندگی می‌کنند، ۱۳۰۰۰۰۰ نفر آنها از ناحیه بوروندی هستند. در این کشور اردوگاه روستایی اولیانکولا (۱۷) یکی از بزرگترین و سازمان یافته ترین اردوگاههای آوارگان در آفریقا است. تنها در این اردوگاه حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر آواره از بوروندی سکنی گزیده‌اند. آنان در دوروستایی که اطراف سکونتگاه قرار دارند زندگی می‌کنند و به کشاورزی می‌پردازند. اهالی این اردوگاه خود را با جامعه





اشتراکی اولیانکولا که دارای یک اتوبوس، یک هتل، یک فروشگاه، وسائل زراعی و ابزار دستی است، عجین ساخته‌اند. هر فرد محصولات غذایی خود را در این منطقه تولید می‌کند. هر دهکده دارای یک مدرسه ابتدایی است که برنامه آموزش بزرگسالان را نیز ارائه می‌کند. امکانات بهداشتی و درمانی در این منطقه پیشرفت مطلوبی دارد. می‌توان اذعان داشت که اردوگاه اولیانکولا یکی از موفق‌ترین اردوگاهها در آفریقا است که به خود کفا کردن نسبی آوارگان موفق گردیده است. دولت تانزانیا در اواخر سال ۱۹۸۰ به ۳۵،۰۰۰ آواره حق شهروندی داد که اکثر آنان را رواندایی‌ها تشکیل می‌دادند.

از ۴۰۰،۰۰۰ نفر آواره در کشور زئیر ۲۱۵،۰۰۰ نفر آنها اهل آنگولا هستند که بزرگترین گروه آوارگان را در این کشور تشکیل می‌دهند. همچنین تعداد ۱۰۰،۰۰۰ نفر آواره اوگاندایی، ۱۱۰،۰۰۰ نفر بوروندویی، ۲۲،۰۰۰ نفر، رواندایی و ۱۰،۸۰۰ نفر زامبیایی در این کشور سکنی گزیده‌اند. ارگانهای کمک‌رسانی سازمان ملل متحد سعی برای دارند که با اسکان دادن تعدادی از این آوارگان در مناطق روستایی، از مسائل و مشکلات کشور زئیر بکاهند و با کمکهای خویش آوارگان را به مرحله خود کفایی برسانند. براساس قانون عفو بین الملل ۱۹۷۸، آوارگان اوگاندایی که به خاطر مسائل سیاسی و جنگ داخلی وطن خود را ترک کرده بودند، در سال ۱۹۸۰ به کشور خود بازگشتند.

در کشور زامبیا از ۳۳،۵۰۰ نفر آواره، ۱۸،۰۰۰ نفر آنگولایی و ۵،۰۰۰ نفر اهل زئیر هستند. با کمک سازمان ملل اردوگاه بزرگی در ناحیه مهبیا (۱۸) برای ۹۰،۰۰۰ آواره آنگولایی، ۶۰۰ آواره زئیری و ۱۵۰ نفر آواره نامیبیایی ساخته شده و دولت زامبیا مسئولیت حفاظت آن را در اواخر سال ۱۹۸۱ مستقیماً بر عهده گرفته است.

در رودزای جنوبی با اعلام توافق برای خاتمه جنگ داخلی در سال ۱۹۷۹ به وسیله مجلس لانکاستر (۱۹)، هزاران نفر از آوارگان زامبیایی به کشور خود بازگشتند. در رابطه با این مسئله سازمان ملل توانست تعداد ۶۹،۰۰۰ نفر از آوارگان را تا اکتبر ۱۹۸۰ به وطن خود بازگرداند. البته این عده غیر از کسانی بودند که داوطلبانه و به خرج خود به کشورشان بازگشته بودند. جنگ داخلی مذکور خسارات زیادی به مزارع و دامهای روستائیان وارد کرده بود به همین جهت آوارگانی که به وطن خود مراجعت کردند و همچنین حدود یک میلیون نفر از اشخاصی که به خاطر جنگ داخلی محل سکونت خود را تغییر دادند، برای احراز دوباره خود کفایی به کمک نیازمندند.

کشور زیمبابوه به علت مهاجرت کارگران ماهر و سکنه سفیدپوست به خارج از کشور دچار مسائل و مشکلات جدی است زیرا تعداد آنان روز به روز افزایش می‌یابد. داده‌های آماری که توسط اداره

آمار این کشور منتشر شده، نشان می‌دهد که تفاضل مهاجرت داخلی و خارجی (۲۰) در چهار ماه اول سال ۱۹۸۱ در مقایسه با همان مدت در سال ۱۹۸۰، ۶۱ درصد افزایش دارد.

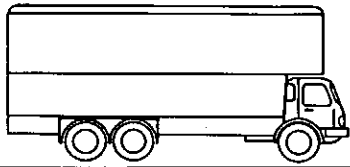
اهمیت افزایش تعداد آوارگان و مسائل و مشکلات مربوط به آنان در این کشورها و سایر نقاط آفریقا به قدری چشمگیر بوده که از سوی سازمان ملل کنفرانسها و ارگانهای کمک‌رسانی (۲۱) ویژه‌ای تشکیل گردیده و یکی از این کنفرانسها که در آن نمایندگان چهل کشور آفریقایی شرکت داشتند در روزهای ۹ و ۱۰ آوریل ۱۹۸۱ در ژنو تشکیل شد. در این کنفرانس در حدود ۱/۲ میلیارد دلار کمک مالی جمع‌آوری و در اختیار دولت‌های مبتلا به مسائل آوارگان قرار گرفت که در جهت رفع نیازهای اساسی آنان صرف شود.

## یادداشتها

۱- این مقاله در رابطه با آوارگان آفریقا توسط آیلین ریتر نوشته شده و در مجله Migration Today دوره ۹، شماره ۳، سال ۱۹۸۱ به چاپ رسیده است.

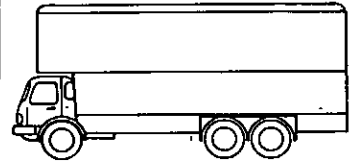
- 2- Eileen Reiter
- 3- Refugee
- 4- Polio
- 5- Malnutrition
- 6- Chimbia
- 7- Hutu
- 8- Tusi
- 9- Kousseri
- 10- Ogaden
- 11- Harage
- 12- Bale
- 13- Sidamo
- 14- Wad el Hilaiwu
- 15- Gedaref
- 16- Kassala
- 17- Ulyunkula
- 18- Meheba
- 19- Lancaster House Agreement
- 20- Net Migration
- 21- UNHCRs: United Nations Housing Conference for Refugees.

# کمک های خارجی



## انگیزه های پرداخت و

## اهداف پرداخت کنندگان



دکتر فریدون وحید - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

کسی را ببخشی اگر ماهی

فزون از طعامیش ناید به کار

اگر صید ماهی بیاموزیش

به عمری شود روزیش برقرار (۱)

نظامی موثر در پرداخت آن را هرگز نباید از نظر دور داشت. نگاهی گذرا به فهرست کشورهای دریافت کننده کمک، نشان می‌دهد که آنهایی که از موقعیت استراتژیکی قابل ملاحظه‌ای برخوردار نیستند کمتر توجه کمک دهندگان را به خود جلب می‌کنند. حال آنکه گاه پیش می‌آید که کمک دهندگان بر سر آنکه اولین دولتی به حساب آیند که به کشوری تازه استقلال یافته کمک می‌کنند با یکدیگر به رقابتی پنهانی می‌پردازند.

در واقع اهداف کشورهای کمک دهنده در پرداختن به این کار متفاوت و معمولاً " مبهم است. عده‌ای بر این باورند که هدف از این کار یاری رساندن به کشورهای کم رشد است بدان امید که این کشورها بتوانند به سطح کشورهای صنعتی برسند. ولی نتایجی که از کمک حاصل می‌آید و نحوه کمک رسانی و نوع کمک‌های اهدائی به آسانی نشان می‌دهد که هرگز چنین منظوری در کار نیست و کشورهای صنعتی هرگز نمی‌توانند چنین هدفی داشته باشند چه دستیابی کشورهای غیر صنعتی به سطح کشورهای صنعتی به معنای محدود شدن بازارها و امکانات بهره‌برداری از منابع و معادن کشورهای غیر صنعتی برای کشورهای صنعتی است.

هدف دیگری که گاه در سیاستهای کمک رسانی عنوان می‌شود کاهش شکاف خطرناکی است که کشورهای دارا و ندار را از یکدیگر جدا می‌کند. این هدف نیز، اگر واقعاً مورد توجه کشورهای کمک دهنده بوده و از سوی آنها دنبال شده باشد، نه تنها حاصل نیامده است بلکه شکاف موجود هر روز عمیق‌تر شده است و این روندی است که هنوز هم ادامه دارد. غیر عادلانه بودن روابط مبادله‌ای بین کشورهای دارا و ندار، آهنگ فزاینده رشد اقتصادی

همه ساله مبالغی به صورت پول نقد و اعتبار و یا مقادیری کالاهای مختلف به عنوان کمک‌های خارجی از طرف کشورهای صنعتی در اختیار کشورهای غیر صنعتی و کم توسعه قرار می‌گیرد. انگیزه‌ها و دلایلی که ممالک کمک دهنده را به این کار تشویق می‌کنند متعدد و گوناگونند و انگیزه‌های اقتصادی و نظامی - سیاسی از موثرترین آنها بشمار می‌آیند.

به عبارت دیگر پرداخت کمک بدون چشم داشت و فقط به منظور رفع پاره‌ای از دشواریهای کشورهای دریافت کننده صورت نمی‌گیرد، بلکه در این داد و ستد منافع کشور پرداخت کننده کمک، بیش از هر چیز مورد توجه است.

آگاهی بر نحوه واگذاری کمک، بررسی روابط سیاسی - تجاری طرفین کمک و وقوف بر حجم مبالغی که همه ساله به عناوین مختلف از کشورهای دریافت کننده به کشورهای واگذار کننده سرازیر می‌شود ماهیت کمک و دلایل واگذاری آن را به روشنی آشکار می‌سازد.

آیا پول‌ها، اعتبارات و کالاهائی را که همه ساله برخی از کشورهای صنعتی به عنوان کمک در اختیار کشورهای کم توسعه و یا در حال توسعه می‌گذارند می‌توان واقعاً " کمک تلقی کرد؟ با بررسی انگیزه‌های واگذاری کمک و شناسائی اهدافی که در آن دنبال می‌شود پاسخی مثبت به پرسش فوق نمی‌توان داد. کمک به جهان سوم کمکی رایگان نیست و محرک‌های سیاسی، تجاری و



در این صورت، کمک در واقع بهائی است که کشورهای صنعتی برای تداوم بخشیدن به روابط موجود با کشورهای غیر صنعتی می‌پردازند.

چنین می‌نماید که کشورهای صنعتی در اعطای کمک به کشورهای جهان سوم بیشتر هدف فوق را دنبال می‌کنند و به منظور توجیه این کار برای شهروندان خود از دلایلی استفاده می‌کنند که به سه نوع اصلی تقسیم می‌گردند:

۱- دلایل تجاری ۲- دلایل استراتژیکی ۳- دلایل اخلاقی  
این دلایل در پیام کندی در سال ۱۹۶۱ به کنگره آمریکا در موضوع کمک به خارج نیک مشهود بود: "ویرانی اقتصادی ملل - آزاد ولی کمتر رشد یافته که اینک در میان رشدی حمایت شده و با نابسامانی اقتصادی تعادل خود را حفظ کرده‌اند، برای سعادت و رونق نسبی ما زحمت آفرین، برای امنیت ملی ما خطرناک و برای وجدان ما موهن خواهد بود" (۳)

گرچه وسائل و دستگاههای تبلیغاتی کشورهای کمک کننده بیشتر دلیل سوم را مطرح می‌سازند و پیرامون آن به تبلیغ می‌پردازند ولی آنچه که در واقع مورد توجه این کشورهاست دو دلیل تجاری و استراتژیکی است.

کمک اقتصادی به کشورهای کم رشد در واقع کمکی غیر مستقیم به اقتصاد کشورهای کمک دهنده است، چه بازار کشورهای فقیر را

کشورهای گروه نخست و کندی یا توقف رشد اقتصادی و همزمان رشد پر شتاب جمعیت در کشورهای گروه دوم از عوامل موثر در تداوم این وضع هستند.

هر بار که کشورهای غیر صنعتی بطور جداگانه یا در چهار چوب سازمانهایی در صدد اصلاح روابط مبادله‌ای خود با کشورهای صنعتی برآمده‌اند کارشکنیهای این کشورها و زد و بندهای آنها با برخی از کشورهای غیر صنعتی موانعی بزرگ بر سر راه ایجاد کرده و نگذاشته‌اند اصلاح و بهبودی در این زمینه صورت گیرد.

سازمان کشورهای صادر کننده نفت<sup>(۲)</sup> یکی از این سازمانهاست و بررسی مواضع این سازمان در برابر قدرتهای بزرگ صنعتی و نقش مخربی که هر چند گاه به یکی از کشورهای عضو و معمولاً "به آنها" که در صدور نفت سهمی مهم داشته‌اند واگذار می‌شود کارشکنیها و زد و بندهای پشت پرده را نیک آشکار می‌سازد.

هدف دیگری که به عقیده عده‌ای در اعطای کمک دنبال می‌شود یاری رساندن "به پیشرفت اقتصادی کشورهاست در حدی که از - دگرگونیهای عمیق اجتماعی و سیاسی این کشورها جلوگیری شود" دگرگونیهایی که می‌توانند بحرانهایی را در پی داشته باشند و کشورهای صنعتی را نیز در کام کنند. به عبارت دیگر هدف از واگذاری کمک بنظر این عده، پیشگیری از انقلابات و انفجاراتی است که مآلاً در کشورهای فقیر رخ می‌دهد و اوضاع و شرایط موجود و منافع اقتصادی کشورهای غنی را به مخاطره می‌اندازد.

تقویت می‌کند، روابط اقتصادی را توسعه و استحکام می‌بخشد و فرصت فعالیت‌های تولیدی صاحبان صنایع کشورهای کمک‌دهنده را افزایش می‌دهد. در گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در دسامبر ۱۹۶۸ آمده است: "بزرگترین اشتباهی که در موضوع برنامه کمک‌های خارجی رخ داده است قبول این است که ما پول به خارج می‌فرستیم. نه ما چنین کاری نمی‌کنیم. کمک به خارج از کالاها، مواد اولیه، خدمات و فرآورده‌های خوراکی آمریکائی تشکیل می‌شوند (۴).

۹۳٪ پول‌های آژانس توسعه بین‌المللی مستقیماً در ایالات متحده آمریکا برای پرداخت بهای چنین چیزهایی مصرف شده است. تنها در سال گذشته نزدیک به ۴،۰۰۰ کارخانه آمریکائی در ۵۰ ایالت مبلغی معادل ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار از پول‌های آژانس مذکور را در برابر کالاهائی که در چهارچوب برنامه کمک‌های خارجی عرضه کرده‌اند دریافت داشته‌اند (۵).

وضع کمک‌رسانی دیگر کشورهای صنعتی نیز چنین است. نزدیک به  $\frac{1}{3}$  کمک‌های خارجی انگلستان در خود این کشور مصرف می‌شود. این کمک‌ها علاوه بر سفارشات که در چهارچوب برنامه‌های کمک‌رسانی برای صنایع کشور مذکور ایجاد می‌کند سفارشات اضافی دیگری نیز می‌تواند به همراه داشته باشد (۶).  $\frac{1}{3}$  کل کمک‌های خارجی فرانسه به سوی ایالات و سرزمینهای ماوراء بحار این کشور و بخش اعظم باقیمانده به سوی مستعمرات پیشین آن سرازیر می‌شود و در عمل همه این مبالغ از طریق انتقال سرمایه‌ها و یا در مقابل سفارشات به فرانسه باز می‌گردند (۷). نزدیک به ۸۰٪ از وام‌های دولتی ژاپن به خرید کالاها و خدمات ژاپنی اختصاص می‌یابند و شرایط بهره و بازپرداخت بسیار سخت و انعطاف‌ناپذیر است (۸).

آلمان نیز دارای وضعی مشابه است و دست کم  $\frac{4}{5}$  از مبالغ مربوط به کمک‌های خارجی آن به کشور باز می‌گردد (۹). البته به این واقعیت باید توجه داشت که از کشورهای کمک‌دهنده آنهایی که علاوه بر منافع اقتصادی در پی تضمین و تداوم سلطه سیاسی و نظامی خویش بر جهان هستند در برابر انگیزه استراتژیکی، اگر نه بیشتر، دست کم به همان اندازه انگیزه اقتصادی از خود حساسیت نشان می‌دهند و کمک خود را بیشتر متوجه کشورهای می‌کنند که یا از نظر نظامی می‌توانند حائز اهمیت باشند و یا، در ارتباط با دو ابر قدرت، با دریافت کمک ممکن است از اردوگاهی فاصله گرفته و به اردوگاه کمک‌دهنده نزدیک گردند.

ایالات متحده آمریکا با سیاست‌های قدرت طلبانه و سلطه‌جویانه‌ای که به ویژه در کشورهای کم توسعه و در حال توسعه دنبال می‌کند برنامه‌های کمک‌رسانی خود را بیشتر بر این پایه قرار داده و کمک‌های خود را بیشتر متوجه کشورهای می‌کند که یا در اردوگاه

رقیب قرار گرفته ولی در صدد فاصله گرفتن از آنند و یا از سوی این اردوگاه تهدید می‌شوند.

یکی از هدف‌های اساسی که در سیاست‌های کمک‌رسانی ایالات متحده آمریکا دنبال می‌شود جلوگیری از نفوذ کمونیسم است. در زمانی که تهدیدات استالین بر علیه تیتو در نهایت شدت بود، یوگسلاوی کمونیست، به تنهایی بیش از مجموع کشورهای آمریکای جنوبی از کمک‌های دولت آمریکا برخوردار بود.

"هنگامی که ایالات متحده آمریکا مبارزات ضد کمونیستی خود را متوجه آسیا ساخت سه سلطان مستبد این منطقه که تنها بر ۳٪ از جمعیت آسیا حکومت می‌کردند و با هر گونه تحول و اصلاح مخالف بودند، بدلیل آنکه در مرزهای چین قرار داشتند نزدیک به نیمی از کل کمک‌های خارجی آمریکا را دریافت می‌داشتند. در فاصله ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۸ لائوس و ویتنام جنوبی تقریباً برابر هند و پاکستان و کره جنوبی به تنهایی برابر هند، پاکستان، برمانی، سیلان و فیلیپین از کمک‌های بلاعوض و وام‌های آمریکا استفاده کرده‌اند. در سال ۱۹۶۷ ایالات متحده آمریکا، علاوه بر هزینه‌های مربوط به جنگ، سه برابر مبالغی که به عنوان کمک در اختیار ۳۸ کشور آفریقائی گذاشته است در برنامه‌های کمک‌رسانی به ویتنام خرج کرده است (۱۰).

دلیل سوم که دلیل اخلاقی است کمتر کشورهای غنی را به اعطای کمک برمی‌انگیزد و بیشتر در آن دسته از کشورهای پیشرفته مورد توجه است که گذشته‌ای استعماری و یا هوی و هوس سلطه‌جویی و قدرت طلبی جهانی نداشته باشند. کمک‌هایی که توسط کشورهای مانند سوئد، نروژ، دانمارک و کشورهای از این قبیل صورت می‌گیرد بیشتر انگیزه اخلاقی دارند. ولی با توجه به ارقام این گونه کمک‌ها و مقایسه آنها با ارقامی که در امور غیر ضروری در بسیاری از کشورهای پیشرفته مصرف می‌شود و یا ولخرجیهائی که صورت می‌گیرد، نقش ناچیز اخلاق و الزامات اخلاقی در سیاست‌های کمک‌رسانی نیک‌آشکار می‌گردد.

کمک‌هایی را که از سوی انجمن‌های خیریه و مؤسسات مذهبی کشورهای غنی جمع‌آوری شده و در اختیار کشورهای فقیر گذاشته می‌شود آسانتر می‌توان با اخلاق و الزامات ناشی از آن در ارتباط دانست ولی اینگونه کمک‌ها نیز غالباً نمی‌توانند با منافع سیاسی و اقتصادی در رابطه نباشند.

در سال ۱۹۷۰ در مقابل مبلغی نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار کمک‌های رسمی، در حدود ۷۰۰ میلیون دلار از سوی انجمن‌های مختلف خیریه و مؤسسات مذهبی در اختیار کشورهای فقیر گذاشته شده است.

بررسی کمی و کیفی مبالغی که کشورهای دارا به عنوان کمک در اختیار کشورهای نادر می‌گذارند و نگاهی گذرا به وضعیت کشورهای نادر در مدتی که کمک دریافت کرده‌اند به سادگی نشان می‌دهد که

اولاً "مبالغ واقعی کمک بسیار اندکتر از آنست که اعطا کنندگان آن اعلام داشته‌اند و ثانياً "این مبالغ نتوانسته‌اند تحولی متناسب در کشورهای دریافت کننده پدید آورند. در سال ۱۹۷۰ مجموع کمکهای خالص کشورهای صنعتی غربی به کشورهای جهان سوم، حدود ۱۴ میلیارد دلار بوده است نیمی از این مبلغ از سرمایه - گذاریهای خصوصی و اعتبارات صادراتی تشکیل می‌شده است که به هیچ روی نمی‌توان عنوان کمک به آنها اطلاق کرد چه سرمایه‌گذاری خصوصی با امید بهره برداریهای کلان از سوی سرمایه گذاران صورت می‌گیرد و اعتبارات صادراتی نیز در واقع کمک به صنایع و صادرات کشور کمک دهنده است.

## یادداشتها ++++++

۱- اصل شعر از گوان تزو ( KUAN - TZU ) ترجمه به شعر فارسی از نگارنده.

2- Opec

3- Tibor MENDE, De L'aide a La recolonisation, Editions du Seuil, 1975, P.63.

۴- در سال ۱۹۶۹ در گل کمکهای خارجی آمریکا مبلغ ۱۰۱ میلیون دلار هزینه اعزام اعضای سپاه صلح به کشورهای دریافت کننده کمک نیز منظور شده است.

در سال ۱۹۶۷ شانزده کشور عضو کمیته کمک به توسعه (C.A.D.) یعنی آلمان، استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، ایالات متحده آمریکا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، نروژ، هلند، پرتغال، انگلستان، سوئد، سوئیس هزینه‌های مربوط به اعزام ۲۵،۰۸۳ داوطلب (۱۱،۸۹۰ معلم و ۱۳،۱۹۳ مشاور فنی) به کشورهای دریافت کننده کمک را در جمع کمکهای خارجی خود منظور کرده‌اند.

گذشته از اینکه بخش عمده این مبالغ در کشورهای کمک کننده باقی می‌ماند بسیار بعید می‌نماید که معادل آنچه که زیر این عنوان در مجموع کمکها منظور می‌گردد در کشورهای دریافت کننده کاری صورت گیرد.

5- William S. GAUD, Foreign Aid, What it is; - how it works; why we provide it.

در نشریه وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا شماره ۱۵۳۷ مربوط به ۹ دسامبر ۱۹۶۸ صفحه ۶۰۵

6- What is British Aid? London, HMSO, 1970, P.6.

7- Tibor MENDE, De L'aide a la recolonisation, Editions du Seuil, 1975, P.95.

۸ و ۹- همان کتاب، صفحه ۹۶

۱۰- همان کتاب صفحه ۱۰۰

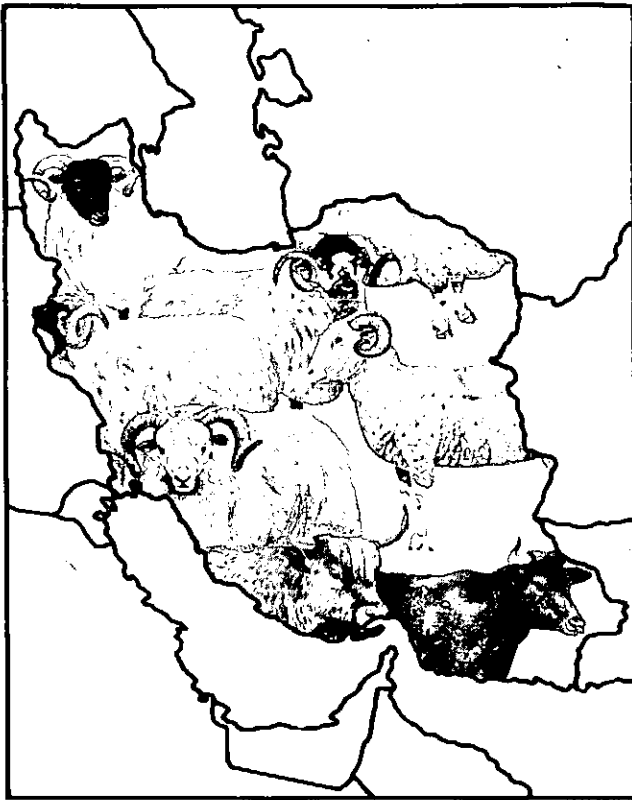
11- Maurice GUERNIER, La dernière chance du tiers-Monde, Robert Laffont, 1968, P.133.

شرایط دیگری از قبیل وابسته بودن کمکها، یعنی الزام و اجبار کشور دریافت کننده در اعتنا به شرایطی که کمک را همراهی می‌کنند، باز از میزان ارزش واقعی کمکها می‌کاهند. در کمکهای وابسته نحوه استفاده از کمکهای دریافتی یعنی زمینه‌هایی که کمک باید در آنها به کار گرفته شود و نیز کارشناسان و متخصصانی که در اجرای طرحهای مربوطه به کمک باید از کشور کمک دهنده یا کشور ثالثی استخدام شوند، از سوی کشور کمک دهنده مشخص می‌شود. این شرایط و شرایط دیگری که به منظور خودداری از اطلاع کلام از ذکر آنها چشم پوشی می‌کنیم ۷ میلیارد دلار باقیمانده را به حدود ۲/۵ میلیارد دلار کاهش می‌دهند. ولی مبلغ کمک به ظاهر و براساس آنچه که رسماً اعلام می‌گردد همان ۱۴ میلیارد دلار است و انگیزه‌های این مبالغه نیز آشکار است. شاید یکی از این انگیزه‌ها کاهش اهمیت مبالغی باشد که اعطا کنندگان کمک همه ساله از طریق تجارت با جهان سوم به جیب می‌زنند. در سال ۱۹۶۵ جمع کمکهای کشورهای غنی به کشورهای جهان سوم به ۱۰ میلیارد دلار و منافع آنها از تجارت با این کشورها نیز درست به همین مبلغ می‌رسیده است، البته با این تفاوت که مبلغ نخست مبالغه آمیز و غیر واقعی و مبلغ دوم اگر کمتر از واقعیت نباشد دست کم مبالغه‌ای در آن صورت نگرفته است (۱۱). توجه داشته باشیم که مبالغی که در سطوحی چنین ناچیز در اختیار کشورهای کم توسعه گذاشته می‌شود معمولاً "بدون توجه به اولویتها و بیشتر در راه امور فرعی و غیر ضروری صرف می‌شوند. بخشی از این مبالغ در پرکردن حسابهای سری و ارضای هوی و هوس و تجمل پرستیهای حکمروایان خرج می‌شود و بخش دیگری را فساد دستگاههای حکومتی در کام می‌کشد و اگر بناچار قسمتی در بنای اقتصاد کشور به کار رود غالباً "بخشهایی مورد توجه قرار می‌گیرند که با منافع کشورهای کمک دهنده انطباق بیشتری داشته باشند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که کمکهای خارجی مشکل گشای کشورهای کم رشد نبوده و نیست و جز این هم از آن انتظار نباید داشت چه انگیزه اساسی در اعطای آن حل این دشواریها نبوده است.

# نگاهی به اهمیت انواع دام در شرایط کنونی

از: دکتر پرویز کردوانی

قسمت: دوم



## الف-گوسفند

کشاورز یا دامدار گوسفند نگه‌میداشت تا با کود آن زمین را پر قوه کند ، با چرا در مزارع ، علفهای هرز زراعت را از بین ببرد و یا با نگهداری آن در منزل مواد زائد نظیر پوست و بقایای میوه و سبزیها ، سیوس آرد ، خرده نان و غیره را به دور نریزد و به آن بخوراند تا از این راه گوشت و شیر ارزان و در ضمن در هر لحظه قابل دسترسی ، داشته باشد .

اما امروز :

— کود شیمیائی و به خصوص دادن آن توأم با گاه به زمین و یا به زیر خاک کردن کلس و دیگر بقایای گیاهی ( به اضافه کود شیمیائی ) بر اثر شخم زمین با تراکتور ، امکان پر قوه کردن زمین را براحتمی در سطحهای بسیار وسیع میسر ساخته است که چنانچه درست عمل شود نیازی به نگهداری دام برای این منظور احساس نمی‌شود ، کما اینکه در کشورهای پیشرفته از لحاظ کشاورزی ، مزارع وسیعی وجود دارد که سطح تولیدات آنها بسیار بالاست ولی به کلی فاقد دام می‌باشند .

— شخم زدن زمین با تراکتور و توجه بیشتر کشاورز به زراعت و همچنین استفاده از مواد شیمیائی بنام " علف کشها " ، گیاهان هرز مزارع را به میزان قابل توجهی از بین برده است .

— در دنیای امروز ، در بسیاری از موارد نگهداری چند رأس

در طول زمان ( کمتر از ۳۰ - ۴۰ سال ) بر اثر اجرای قانون اصلاحات ارضی (خرید و قطعه قطعه شدن زمینهای زراعتی و غیره) توسعه صنایع ، اقدام در جهت مکانیزه کردن کشاورزی ، گرایش به سوی زندگی شهری و شهرنشینی ، تجدید طلبی ، غرب گرائی ، توسعه وسائل موتوری ، بالا رفتن سطح زندگی و قدرت خرید ، راحت - طلبی ، فراهم آمدن اشتغال در دیگر رشته‌ها ، به خصوص صنایع ، خدمات ، آموزش و بازرگانی و غیره سبب شد که از اهمیت دام و دامداری در بسیاری از موارد و برای بسیاری از منظورها به شدت کاسته شود و یا برخی از دامها تقریباً " هیچ نقشی حتی در کشاورزی بسیاری از مناطق یا محصولات نداشته باشند . برعکس در بعضی از رشته‌های دامداری ، اهمیت دام نسبت به گذشته خیلی بیشتر شده و به طوری که در بسیاری از موارد حتی کشاورزی در خدمت دامداری قرار گرفته است ( در حالی که در گذشته بیشتر دامداری در خدمت کشاورزی بود ) و رقابت کامل در مورد تأمین مواد غذایی برای انسان و حیوان به وجود آمده است . . . . .

در ذیل به طور خیلی خلاصه به شرح این که چرا و چگونه این وضعیت در دنیای امروز ( ایران ) پیش آمده است می‌پردازیم به عبارت دیگر چه نوع دامی و با چه روش نگهداری اهمیت خود را از دست داده و چه نوع دامی با چه روش نگهداری اهمیت پیدا کرده است .

گوسفند، حتی برای کشاورزان در روستاها مقدور نیست، چه رسد به گله‌های بزرگ، زیرا زمینها قطعه قطعه شده و در هر قطعه نوعی محصول کاشته می‌شود که امکان گردش گوسفند در مزارع مانند قدیم، وجود ندارد. یک قطعه بونجه است، یک قطعه خربزه، یک قطعه پنبه، یک قطعه آیش و غیره. . . . بنابراین چرانیدن گوسفند طبق روال گذشته امکان پذیر نیست مگر آنکه برای هر گوسفند و یا هر دو سه تا گوسفند یک نفر "گوسفند به پا" یا گوسفند چران در نظر گرفته شود که آنها را بچراند و در ضمن مواظب باشد که به مزارع و محصولات خود و دیگران خسارت وارد نیاورد. این کار هم در دنیای امروز با گران بودن دستمزدها، کم بودن تعداد فرزندان، و رفتن بچه‌ها به مدرسه و یا استفاده از آنها در جای دیگر و با درآمد بیشتر (صنعت و غیره) و دیگر علل، ممکن نمی‌نماید مگر در موارد استثنائی، تازه هر قدر هم که این گونه گوسفند چرانیها دقت کنند، باز سر و صدای صاحب مزارع و به خصوص همجواران او بلند است زیرا در هر صورت، دامها با استفاده از هر فرصت به محصولات زیان می‌رسانند و محصول امروز هم از ارزش زیادی برخوردار است.

در گذشته تمام اهل آبادی به موجب یک قرارداد، همه روزه گوسفندان و یا گاوها و یا خرهای خود را که در مجموع گاوکل یا گاوگله نامیده می‌شد، به یک چوپان یا یک گاوگله بان یا گاوگله چران، می‌دادند و او آنها را به صحرا (بیابان یا مزرعه) می‌برد و غروبها دوبرتبه به آبادی برمی‌گرداند. چون هر زراعت در سطحی وسیع انجام می‌شد و مثل امروز، زمینها قطعه قطعه نبود، این امکان وجود داشت که گوسفندها و دیگر احشام آبادی، در زمینهای آیش و یا جای محصولات، به طور دستجمعی (گله) به چرا مشغول شوند، ولی امروزه به عللی که گفته شد، اغلب نه چوپان و یا گاوگله بان عمومی وجود دارد و نه امکان دامداری به آن صورت.

اصولا" در بسیاری از موارد خانه‌های روستائی، حتی خانه‌های کشاورزان، طوری و در موقعیت و محلی ساخته شده که امکان نگهداری گوسفند و یا حتی گاو در آن نیست و یا زندگی امروزی طوری است که نمی‌شود حتی در خانواده روستائی گوسفند و گاو نگهداشت!

مردم گوسفند نگهداشتند تا تابستانها به نقاط خوش آب و هوا (بیلاق) بروند و از گرمای تابستان و نیش پشه‌ها در این فصل در محل اقامت دائمی خود، در امان باشند و از آب بهداشتی و خنک مناطق کوهستانی استفاده کنند.

اما امروز بر اثر پیشرفت صنعت و تکنولوژی و در اختیار داشتن کولر، آب لوله کشی شده، یخچال، پنکه و همچنین مواد حشره کش و امثال اینها، نیاز به بیلاق رفتن را از بین برده است.

جوانها و نوجوانان اغلب مایل نیستند مانند گذشته به نقاط بیرت و دور افتاده، بدون برق و سرگرمی چون بیلاق (در داخل دره‌ها و کوهها) آنهم برای مدت چندین ماه متوالی بروند و در آنجا زندگی کنند. علاوه بر این، عده‌ای از اعضاء خانواده‌ها، غالبا" در تابستانها نیز در محل اقامت دائمی خود، مشغول کار هستند و یا به کار مشغول می‌شوند.

امروزه بیلاق و قشلاق کردن، به خصوص که اگر بیلاق دارای راه ماشین رو تا سر محل یورت یا منزلگاه دائمی در بیلاق نباشد، بسیار سخت و ناراحت کننده است و افرادی که با برق و آب و دیگر تسهیلات امروزی و زندگی تقریبا" با امکانات شهری، عادت کرده‌اند و نمی‌توانند منزل خود را در قشلاق تنها بگذارند و یا دائم باید به آن سر بزنند و یا خلاصه دائم برای انجام کاری از بیلاق به قشلاق برگردند، دیگر تمایلی به رفتن به بیلاق از خود نشان نمی‌دهند، هر چند در باطن در نتیجه عشق و عادت به زندگی گذشته، حسرت بیلاق را می‌خورند. بنابراین برای این دسته از افراد دامداری سنتی (بیلاق و قشلاق) دیگر مفهومی ندارد و جالب نیست.

امروزه گله داران به علت مشکلات زیاد، نمی‌توانند مانند سابق از دامهایشان محصول کامل بگیرند یعنی شیر آنها را خوب و به موقع بدوشند و از آن ماست، کره، پنیر، کشک، قره قروت بگیرند یکی از دلایل آن این است که امروزه اغلب تمامی اعضاء خانواده صاحب دام به بیلاق نمی‌روند و علت دیگر آن کم بودن تعداد اعضاء خانواده چوپانان است که در گذشته همگی برای جمع آوری محصولات دامی کمک می‌کردند و یا موظف به انجام این کار بودند. حتی اعضاء خانواده ساربانها هم به موجب قرارداد، می‌بایست به دوشیدن گوسفندان و انجام دیگر امور کمک می‌کردند. در شرایطی که گوسفند به علل مذکور در بالا محصول رضایتبخشی ندهد، نگهداری آن غیر اقتصادی می‌شود که دامدار سرانجام از اصل آن یعنی از خود دام صرف نظر می‌کند (آنها را می‌فروشد). نگهداری شتر، تهیه پوست و خیک برای نگهداری و جمع آوری کره و پنیر و ماست و دیگر چیزها نیز وقتی برای دامدار با ارزش است که تعداد گوسفندان او قابل توجه باشد و بتواند بیلاق و قشلاق کند. اما امروز که وضعیت، اغلب به صورتی درآمده که امکان نگهداری گوسفند برای او نیست، به اینها هم دیگر احتیاجی ندارد.

گوسفند نگهداشتند که به اصطلاح همیشه پول در دستشان باشد و اگر میهمان به آنها می‌رسید، با کشتن بره یا بزغاله بتوانند به موقع گوشت تهیه کنند و آبرویشان نریزد. اما امروز دیگر مثل سابق نیست. اولاً" اغلب کشاورزان دامدار با کاشتن محصولات متنوع و با دوره رویش کوتاه مانند خیار، بادنجان، گوجه فرنگی،

اسفناج، طالبی و غیره . . . . . یا دائم یا پول سروکار دارند و یا آنقدر درآمد و اعتبار دارند که تهیه پول کارچندان مشکلی نیست. ثانیاً " وجود بانک در همه جا این امکان را می‌دهد که کشاورز دامدار و یا عشایر دامدار و امثال اینها بتوانند پول اضافی خود را در بانک نگهدارند تا در مواقع احتیاج از آن استفاده کنند.

— نگهداری گوسفند نیز به خاطر دسترسی سریع به گوشت آن برای مواقع اضطراری و یا به قول معروف حفظ آبرو نیز در دنیای امروزه حل شده است، زیرا موجود بودن یخچال و فریزر حتی در دهات و همچنین امکان تهیه گوشت در اسرع وقت به وسیله موتورسیکلت و دیگر وسائط نقلیه موتوری، مسئله‌ای باقی نگذاشته است. حتی در خانواده‌ها و یا نقاطی که یخچال و فریزر وجود ندارد، وضع اقتصادی، بازرگانی، فرهنگی و اجتماعی به صورتی درآمده است که امکان تهیه گوشت، در صورتی که پولش باشد، مسئله‌ای نخواهد بود.

— اصولاً " خانه‌ها و یا تاسیسات مسکونی امروزی طوری ساخته می‌شود و به شکلی بنا می‌گردد که امکان نگهداری دام در آنها، نیست و اگر بخواهند براساس سنت قدیمی، چند رأس گوسفند و یا یکی دو رأس گاو در منزل و یا در مجاورت آن نگهدارند، با یک سری مسائل غیر بهداشتی و پر دردسر و خلاصه بسیار ناراحت کننده، مواجه خواهند شد.

— امروزه دیگر بچه‌های کشاورز دامدار و یا حتی عشایر دامدار مثل گذشته بی‌مدرسه یا بی‌کار یا بی‌درآمد نیستند که تنها به شغل دامداری بپردازند. اغلب با اشتغال به کار در صنایع، خدمات و غیره، هم درآمد بیشتری دارند و هم شغل راحت‌تری و یکی از علل دست کشیدن از شغل دامداری همین شغل‌های راحت‌تر با درآمد بیشتر است.

مشکلاتی از قبیل کمبود مرتع، چوپان یا گران بودن دستمزد و تهیه علوفه در قشلاق، تهیه آغل و خلاصه مشکلات ییلاق و قشلاق کردن در شرایط امروزی و دیگر مسائل و مشکلات، سبب شده است که حتی گله داران اصیل، از این حرفه (گوسفندداری) خسته و به اصطلاح از آن زده بشوند و با هر فرصتی که دست دهد، گوسفندان خود را به فروش برسانند و به کار و حرفه دیگری اشتغال ورزند و یا حداکثر فقط پرواربندی کنند نه دامداری سنتی. آن عده‌ای هم که به روش سنتی گوسفندداری می‌کنند، یا کار دیگری از شان بر نمی‌آید، با مشکلات و ناراحتیهای فراوان به این شغل ادامه می‌دهند. خلاصه آن لذتی که دامدار در سابق از گوسفندداری می‌برد و آن رفاه و امکاناتی که گله داری در گذشته برای صاحبش فراهم می‌کرد، امروزه در اغلب موارد، وجود ندارد و حتی یک شغل بسیار پر دردسری شده است.

## ب- شتر

شتر به عنوان یک حیوان بارکش، امروزه تقریباً " اهمیت خود

را به کلی از دست داده است. کامیون، وانت بار، تراکتور با تریلی و امثال اینها در موارد مختلف، کارهایی را که شتر در گذشته انجام می‌داد، انجام می‌دهند و حتی خیلی هم بهتر و سریع‌تر و راحت‌تر از آن. این موضوع درباره مواردی صدق می‌کند که جاده ماشین رو و یا حداقل زمینهای مسطح و قابل عبور برای ماشین وجود دارد. اما در مناطق کوهستانی و حتی برخی از نقاط دشتی (مانند سرزمینهایی که تحت تأثیر ماسه‌های روان است) هنوز هم نقاطی وجود دارد که باید برای حمل و نقل مواد و غیره . . . . . از حیوانات بارکش، از آنجمله شتر، استفاده بشود.

وانت یا کامیون یا تراکتور یا اتوبوس اسباب و اثاثیه و یا به اصطلاح کوچ دامداران را به هنگام رفتن به ییلاق فقط تا آنجایی می‌تواند ببرد که جاده وجود داشته باشد. اما هستند بسیاری از ییلاق‌ها که ماشین نمی‌تواند تا سر یورت یا منزلگاه آنها برود. بنابراین در آن نقطه که اسباب و اثاثیه از ماشین پیاده می‌شود تا محل یورت، باید از وسائط غیر موتوری مانند شتر، الاغ و قاطر برای حمل آنها استفاده کرد. روی همین اصل، هستند هنوز هم بسیاری از دامداران به ویژه عشایر که شیوه حمل و نقل به وسیله دام را ترک نکرده و از قشلاق تا ییلاق و بالعکس همه جا، اسباب و اثاثیه خود را بر دوش حیوانات بارکش نظیر شتر، حمل می‌کنند، زیرا در هر صورت، در یک مقطع از این مراحل، به این حیوانات احتیاج دارند ولی نه با آن اهمیت و کیفیت سابق. براین اساس دامداران سعی می‌کنند تا آنجا که امکان دارد مراعاتی را انتخاب کنند و یا به دست آورند که ماشین رو باشد.

در روستاها برای انجام امور کشاورزی، از قبیل شخم زدن زمین، حمل بار، میوه، کود، بدر و غیره تقریباً " همه کارها، بجز در نقاط یا موارد استثنائی، بجای شتر، از وسائط نقلیه موتوری استفاده می‌شود.

همانطور که قبلاً" هم گفتیم مشکلات زیاد سبب می‌شود که سال به سال از تعداد خانواده‌های ییلاق رو کاسته بشود، در نتیجه از تعداد شترها نیز کاسته می‌شود زیرا دامدار یا کشاورز دامدار که به ییلاق نمی‌رود، به حیوان بارکش به ویژه شتر که نگهداری آن احتیاج به ساربان و دیگر امکانات دارد، نیز نیازی ندارد. نقاطی هم که شتر هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد، به تدریج از اهمیت شتر در آنجاها، کاسته می‌شود زیرا مسائل نگهداری شتر از قبیل مصنوع بودن چرا اغلب مراتع دشتی، تأمین علوفه، زیاد بودن حقوق ساربان، گران بودن وسائل مورد نیاز شتر در شرایط امروزی (مانند جل، جهاز، افسار و غیره) چرب کردن به موقع بدن شتر، چیدن به موقع پشم آن و خلاصه نگهداری و استفاده از شتر در دنیای صنعتی امروزی و خطراتی که آن را تهدید می‌کند (خطر تصادم با اتومبیل و دیگر تصادمات و تصادفات به هنگام عبور از جاده‌ها و مناطق شهری و غیره) و همچنین غیر اقتصادی بودن



نگهداری آن با علوفه دستی ( حجم کم کالا آنهم در مدت زمان بالنسبه طولانی، در مقابل وسائط نقلیه موتوری) روز به روز بیشتر می شود.

اما نگهداری شتر به صورت چرای آزاد در مراتع کویری و بیابانی هنوز هم رواج دارد به خصوص با گران شدن علوفه و تأثیر دیگر عوامل که موجب بالا رفتن بهای گوشت شد، عده ای نیز به فکر خریدن شتر و نگهداری آن در مراتع افتادند تا با فروش گوشت آن درآمد سرشاری از این راه به دست آورند.

بنابراین اگرچه شتر در دنیای امروزی، اهمیت خود را به عنوان یک حیوان بارکش تقریباً از دست داده ولی با گران شدن بهای گوشت، به عنوان یک "حیوان گوشتی" اهمیت تازه ای پیدا کرده است.

## ج-گاو

— گاو نیز به عنوان یک حیوان یا یک وسیله کار ( برای شخم زدن زمین، کوبیدن خرمن و غیره ... ) تقریباً اهمیت خود را از دست داده است، فقط در نقاط خیلی پرت و دور افتاده که تراکتور نتوانسته به آنجاها راه یابد، هنوز هم از وجود گاو و یا دیگر حیوانات برای انجام امور کشاورزی و غیره، استفاده می شود.

— روز به روز که تراکتور و دیگر ماشین آلات جای گاو را در کشاورزی می گیرد، نیاز به نگهداری گوساله برای پرورش و تأمین گاو تر برای کار، کم تر می شود.

— اختراع "چرخ شیر" و رواج روز افزون آن در بین دامداران، از اهمیت آسمه یا تولم یا "یر" که از پوست گاو و گوساله برای گرفتن کره از ماست، درست می شد، به شدت کاسته است. علاوه بر این با ماشین رو شدن بیلاقتها و وجود مشتری زیاد برای خریدن شیر احشام و نیاز ماست بندیها به شیر گوسفندان و سرعت عمل در انتقال شیر از محل تولید به محل تبدیل یا مصرف، بسیاری از دامداران شیر گوسفندان خود را ماست نمی کنند تا از آن کره بگیرند بلکه بلافاصله بعد از دوشیدن از گوسفند، آن را برای تحویل (فروش) به نقاط مورد نیاز حمل می کنند. بنابراین روز به روز از اهمیت پوست گاو به عنوان وسیله کره گیری کاسته می شود.

امروزه معمولاً شیر را چرخ می کنند. خامه از شیر جدا می شود. شیر خامه گرفته یا کم چربی را یا مایه ماست می زنند و یا ماست می کنند و یا آن را هم به فروش می رسانند و یا پنیر می کنند و یا اینکه خلاصه آن را ماست می کنند ولی مانند دوغ جوشیده در کیسه یا جوال می ریزند و بعد وقتی سفت شد به اصطلاح "کشک" می زنند یعنی با دست آن را به صورت گوله گوله (کشکهای معمولی) در می آورند و از آب آن که از ته جوال یا کیسه خارج می شود، ترف یا قره قروت می گیرند.

فرق این روش با روش قدیمی در تهیه کشک یا قروت و ترف یا قره قروت گرفتن این است که در روش قدیمی، دوغی که کره آن گرفته شده است، جوشانده، بعد در جوال یا کیسه ریخته می شود و از آن کشک و آب کشک بدست می آید ولی در روش امروزی (با استفاده از "شیر چرخ") شیر خامه گرفته شده، مستقیماً ماست می شود و در جوال و یا کیسه ریخته می شود پس از آنکه سفت شد که در واقع همان ماست بی چربی سفت شده است به عنوان کشک مورد استفاده قرار می گیرد (کشک می زنند و غیره) و آب آن را هم برای بدست آوردن قره قروت مانند سابق آنقدر می جوشانند تا سفت بشود ناگفته نماند که بسیاری از دامداران این شیر لاغریا کم چربی را بی ارزش می دانند و آن را به کلی دور می ریزند (۱۸).

روش جدید، هم کار کمتری می برد (به نیروی انسانی کمتری نیاز دارد) و هم همیز کمتری. برای اینکه شیری که خامه آن گرفته شده تبدیل به کشک می شود دیگر مانند سابق شیر، ماست نمی شود و ماست با ریختن آنهمه آب به دوغ رقیق تبدیل نمی شود که بعد دوغ جوشانده بشود و تبدیل به کشک گردد. در این روش امروزی در واقع در مرحله آخر فقط آب موجود در شیر طبیعی باید با جوشاندن از بین برود تا تبدیل به قره قروت بشود، در حالی که در روش قدیمی برای تبدیل کردن ماست به دوغ و جدا کردن کره از ماست آنهمه آب (چندین برابر وزن ماست) باید در مشک، تولم یا آسمه بریزند که تقریباً تمام این آبها برای گرفتن قره قروت باید جوشانده بشود که وقت و همیز بسیار زیادی صرف آن می گردد. این بود یک توضیح مختصر درباره چگونگی تبدیل کردن شیر — چرخ شده به فرآورده های مختلف (ماست، کشک، قره قروت).

و اما این موضوع که خامه را چگونه به کره تبدیل می کنند؟ برای این کار دامداران اغلب به طریق ذیل عمل می نمایند:

خامه را می جوشانند و آن را طبق روش معمول به ماست تبدیل می کنند. مایه یا خامه ماست شده را چند روز در یک جا نگه میدارند (خامه چند روزه را جمع می کنند) تا ترش بشود. حالا آن را در یک تشت می ریزند و با دست آن را آنقدر عمل می آورند (چنگ می زنند) که دوغ و خامه از هم جدا گردد. دوغ آن را که دیگر مصرف ندارد، دور می ریزند و خامه را با آب می شویند، می شود "کره حیوانی" امروزی که برای نگهداری آن، مقداری نمک به آن می افزایند و سپس آن را در "جلد" یا پوستی که از پوست بز آماده شده است، می ریزند و ذخیره می کنند تا هر وقت مشتری پیدا شد، بفرشند و یا خود در فصول پائیز و زمستان از آن استفاده کنند و تعارفی بدهند.

در بعضی از نقاط وقتی خامه شیردار را ماست کردند، پس از آنکه مدتی ماند، آن را مانند سابق در تولم یا آسمه می ریزند و آنقدر می زنند (تکان می دهند) تا کره از دوغ جدا بشود. این دوغ که معمولاً خیلی کم است در بعضی از خانواده ها مصرف می شود.

— امروزه مشکلات زیاد در امر نگهداری گاو به روش سنتی در روستاها وجود دارد از آنجمله موارد ذیل را می‌توان ذکر کرد :

عدم نیاز به آن برای انجام امور کشاورزی ، تعلق گرفتن هزینه زیاد و غیر اقتصادی بودن آن ، عدم امکان نگهداری آن به صورت گله‌ای و یا حتی تنگی در مزارع و یا منازل ، زبان وارد آوردن به محصولات کشاورزی و بلند شدن سروصدای مردم ، دزدیدن آنها در مراتع و حتی در طویله توسط گاو دزدها و غیره و غیره . . . . .

بنابراین روز به روز از تعداد گاوهای بومی و یا گاوداری به روش سنتی در روستاها کاسته می‌شود. دیگر آن گله‌های گاو بومی روستاها که در گذشته در هر روستا و منطقه به چشم می‌خورد ، امروزه اغلب یا وجود ندارد و یا خیلی کم دیده می‌شود و بطور کلی تعداد جامعه گله ( تعداد گاو گله‌ها ) بسیار اندک است . روستاهائی هم وجود دارد که در آن حتی یک گاو سنتی وجود ندارد .

— اما امروزه هر چه زمان می‌گذرد ، گرایش به سوی نگهداری گاو اصل و یا اصلاح شده برای تولید گوشت ، به ویژه شیر ، روز به روز بیشتر می‌شود ، به طوری که حتی در بسیاری از روستاها ، تعداد زیادی گاوداری و یا گاوهای اصل شیری مشاهده می‌گردد که با روش امروزی ، صنعتی و یا نیمه صنعتی ، نگهداری می‌شوند .

همینطور هستند بسیاری از خانواده‌های روستائی که حداقل یکی دو سه رأس گاو گوساله " بستناند " یعنی با استفاده از علوفه و مواد مغذی بطور دستی مشغول تغذیه و چاق کردن آنها هستند . این خانواده‌ها معمولاً بطور ادواری یعنی سالی حداقل دو بار و با استفاده از روشهای پیشرفته امروزی گاو و گوساله چاق می‌کنند . در اطراف شهرها به خصوص شهرهای بزرگ و بالاخص تهران ، گاوداربهائی متعددی تأسیس شده است ، برای اینکه مصرف شیر و گوشت نسبت به گذشته خیلی بیشتر شده که گاوداری بومی یا سنتی قادر به تأمین مایحتاج مردم شهرنشین از لحاظ شیر نیست . در اطراف تهران صدها گاوداری خرده‌پا ، نیمه صنعتی و صنعتی وجود دارد که همه آنها با علوفه ( خرج دستی ) و مصرف مواد مغذی ، تغذیه می‌شوند .

خلاصه در دنیای امروزی ، گاوداری سنتی روز به روز جای خود را به گاوداری نیمه صنعتی و صنعتی می‌دهد که هدف ، تهیه و تأمین شیر و گوشت هر چه بیشتر از گاو است و نه استفاده‌های متعدد از آن مانند گذشته ( برای کشاورزی ، بارکشی و غیره و غیره ) . برای این منظور دیگر چراندن گاو در مراتع طبیعی و یا حتی استفاده از گاوهای بومی که اغلب مریض هستند و راندمان یا ضریب تبدیل غذا به گوشت و شیر در آنها خیلی پایین می‌باشد ، از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نمی‌باشد .

بنابراین گاوداری سنتی اهمیتش را از دست می‌دهد و گاوداری

صنعتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و گاو بیشتر برای تأمین گوشت و شیر نگهداری یا با روش بهداشتی و تغذیه مواد مغذی ، پرورش داده می‌شود و نگهداری آن برای منظوره‌های دیگر اهمیت خود را روز به روز از دست می‌دهد .

## د- اسب و قاطر و الاغ

رواج روز افزون وسائط نقلیه موتوری از قبیل موتورسیکلت ، وانت ، کامیون ، اتومبیل سواری و اتوبوس و تراکتور و غیره موجب کاهش شدید ، اهمیت اسب ، قاطر و الاغ نیز گردیده به حدی که در بسیاری از روستاها که قبلاً " تعداد کثیری اسب و الاغ موجود بود ، امروزه حتی یک اسب هم دیده نمی‌شود ، الاغ یا وجود ندارد یا تعداد آنها از تعداد انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند .

امروزه به جای نگهداری چندین رأس اسب در بهاربند و طویله برای مسافرت‌های دستجمعی خانوادگی به عنوان مثال به بیلاق و یا زیارت و غیره ، از اتوبوس و دیگر وسائط نقلیه استفاده می‌شود . اتومبیل و به خصوص موتورسیکلت ، بهترین وسیله برای رفت و آمد و خرید مایحتاج منزل و غیره نه تنها در شهرها ، بلکه در روستاها نیز بشمار می‌رود . بجای آنکه زمین با اسب و یا الاغ و یا قاطر شخم زده بشود و محصول آن به وسیله این حیوانات جمع‌آوری و به انبار و یا دیگر نقاط حمل گردد ، کلیه این کارها به اضافه کارهای دیگر ، در کوتاه‌ترین مدت و با بهترین و راحت‌ترین وجهی توسط ماشین آلات کشاورزی انجام می‌گیرد .

امروزه به علت بالا رفتن سطح زندگی و دستمزدها و علل دیگر ، خارکشی و خارفروشی که قبلاً " خیلی مهم بود و به وسیله الاغ انجام می‌شد مقرون به صرفه نیست و یا به دلیل وجود وسائل نفت سوز و گاز سوز و برقی و دیگر امکانات ، خار اصولاً " خریدار ندارد و کندن خار و بوته در بسیاری از نقاط ممنوع است و حتی جرم هم محسوب می‌شود .

همینطور نمک فروشی و کرایه کشی با الاغ امروزه دیگر صرف نمی‌کند و یا کسی به این گونه افراد کار مراجعه نمی‌کند .

امروزه از تراکتور در روستاها و در بین عشایر برای بسیاری از کارها که قبلاً " به وسیله الاغ ، اسب و قاطر و گاو یعنی تقریباً " تمامی انواع حیوانات چهارپای بارکش و گاری انجام می‌شد ، استفاده می‌شود ، از حمل اسباب و اثاثیه و اعضاء خانواده به بیلاق و قشلاق گرفته تا حمل یک کیسه آرد به آسیاب و دیگر کارها نظیر :

کودکشی و حمل آب ، آجر ، خاک و دیگر مصالح ساختمانی ، کاه ، میوه ، بردن چغندر قند و پنبه به کارخانه‌ها ، بردن مردم به زیارت ، خرید در بخشها ، شهرکها و حتی شهرها ، حمل گاو و گوسفند ، چیدن محصول و جمع‌آوری آن ، کوبیدن خرمن ، حمل محصول به انبار ، بردن جو و علوفه برای احشام ، حمل کارگر و کشاورز به

صحرا یا مزرعه، حمل نفت و گاز و عییل برای سوخت منازل، طولیها، موتورچاههای عمیق و نیمه عمیق آب، کندن نهر، شخم زدن زمین و به طور کلی آماده کردن زمین برای کشت و همچنین کندن کود حیوانی و انتقال آن به مزرعه، از بین بردن علفهای هرز، آوردن هیزم به منزل و غیره و غیره . . . . .

بنابراین همانطور که متذکر شدیم، تراکتور امروزه جای تمامی حیوانات بارکش و کاری را گرفته، هر چند هنوز هم در ایران از وجود آن برای مکانیزه کردن کامل کشاورزی و انجام بسیاری از عملیات مربوط به پرورش و نگهداری دام به نحو احسن و به طور کامل استفاده نمی‌شود.

با این وجود همانطور که می‌بینیم باز هم در برخی از موارد که امکان استفاده از وسائط نقلیه موتوری نیست، هنوز هم بجای استفاده از موتورسیکلت و غیره، از اسب و قاطر و الاغی که نگهدارند، استفاده می‌کند. حتی برخی از مردم بنا به عادت و عدم توانایی در تطبیق کار و فعالیت خود با دنیای امروز، اسب یا الاغ یا قاطر نگهدارند و تا آنجا که امکان داشته باشد از وجود این حیوانات برای انجام کلیه امور استفاده می‌کنند. این گونه افراد اغلب آنهایی هستند که یا در نقاط پرت و دور افتاده زندگی می‌کنند که کارها مکانیزه و یا به قول معروف موتوریزه نشده است و یا اصولاً به اصطلاح آدمهای "قدیمی" هستند که هنوز هم اسب و یا قاطر و یا الاغ را به وسائط نقلیه موتوری امروز ترجیح می‌دهند و یا خلاصه بلد نیستند و یا این استعداد را در خود نمی‌بینند و یا پولش را ندارند که وسائط نقلیه موتوری سوار شوند.

در ارتش، همانطور که بارها متذکر شدیم، اسب و به ویژه قاطر دارای اهمیت خاصی بوده و هنوز هم بالنسبه از وجود این حیوانات برای اجرای برخی از عملیات استفاده می‌شود.

در مناطق کوهستانی دور افتاده که ماشین هنوز به آنجاها راه نیافته است و یا تا نزدیکی آنجاها، رفت و آمد می‌کند، مردم هنوز هم از قاطر و الاغ برای حمل بار استفاده می‌کنند. بارهایی را که ماشین تا آنجا برده، از آنجا به بعد یعنی تا مقصد با این حیوانات حمل می‌شود.

استفاده از اتومبیل برای گذراندن اوقات فراغت به خصوص در روزهای جمعه و تعطیل و همچنین استفاده از اتومبیل‌های کورسی برای انجام مسابقات جای اسب را گرفته است، بطوریکه اسب سواری در روزهای تعطیل خیلی به ندرت به چشم می‌خورد. نگهداری اسب برای انجام مسابقات اسب دوانی نیز رو به زوال رفته و فقط در گنبد کاووس هنوز هم تا حدودی اهمیت خود را حفظ کرده است.

بنا بر آنچه گذشت می‌بینیم که با پیشرفت تکنولوژی و مکانیزه شدن کارها، و بالا رفتن سطح زندگی و غیره . . . بسیاری از

دامها اهمیت خود را از دست داده‌اند و یا امکان نگهداری آنها به صورت سابق وجود ندارد و یا اگر انسان مجبور به نگهداری آنها باشد، بسیار سخت و ناراحت کننده است.

در گذشته، کشاورزی به شدت وابسته به دام بود، به خصوص از لحاظ کود و همچنین انجام عملیات کشاورزی. اما امروز در بسیاری از موارد، این وابستگی وجود ندارد و با خیلی ناچیز است. در گذشته قسمتی از کود حیوانی را به عنوان ماده سوختنی استفاده می‌کردند و قسمتی را هم به زمینها می‌دادند زیرا چاره دیگری برای تقویت زمین نداشتند. امروز در نقاط دور افتاده که دسترسی به ماده سوخت فسیلی مانند نفت، گاز و عییل و غیره نیست و یا کم است هنوز هم از آن به عنوان ماده سوختنی استفاده می‌کنند ولی در بسیاری از نقاط، نه از آن به عنوان ماده سوختنی استفاده می‌کنند و نه آن را به زمین می‌دهند، به خصوص که اگر در سطح وسیعی تولید گردد، مانند گاوداریها و یا مرغداریهای بزرگ متأسفانه اغلب بجای آنکه این کودها را برای تقویت زمین مصرف کنند، به کامیونداران می‌فروشند و آنها هم این کودها را به کوره‌های آجرپزی با قیمت خوبی می‌فروشند. صاحبان کوره‌ها از این کودها به عنوان مواد سوختنی استفاده می‌کنند. علاوه بر اینکه نگارنده خود شاهد این ماجرا بوده‌ام، اغلب در مطبوعات نیز می‌خوانیم که برخی از دامداران یا مرغداران شکایت کرده‌اند که علوفه دام یا مرغ آنان آلوده است و علت آلودگی آن این است که وقتی راننده کامیون تهیه علوفه دام یا دان مرغ آنان را به محل دامداری یا مرغداری حمل می‌کند، چون کامیون باید خالی برگردد، بجای بار، کود مرغ یا دام می‌خرد و کامیون را پر می‌کند که به اصطلاح "یک سر خالی برنگردد" و از این راه هم درآمدی داشته باشد. این کود را سر راه به یک کوره آجرپزی می‌فروشد و بعد برای حمل تهیه علوفه یا دان دیگر دامدار یا مرغدار به محل سازمان مربوطه مراجعه می‌کند و غالباً بدون آنکه کف و دیواره قسمت بار کامیون را پاک کند، مجدداً بارگیری می‌کند که باعث آلوده شدن مواد غذایی آن حیوانات هم می‌شود!

بنابراین در دنیای امروز می‌شود گفت تنها وابستگی که کشاورزی می‌توانست به دامداری داشته باشد، همین تولید کود حیوانی و استفاده از آن برای زمین است که این هم در اغلب موارد یا هنوز هم به عنوان ماده سوختنی در منازل و یا ماده سوختنی در کوره‌ها "می‌سوزد" و به جای آنکه به خاک قوه بدهد و خواص فیزیکی و حیاتی آن را نیز بهبودی بخشد، دود می‌شود به هوا می‌رود و آنچه هم که از آن باقی می‌ماند (خاکستر) چنانچه به زمین داده شود، به خصوص در مناطق خشک و کویری و بیابانی، باعث بدتر شدن خواص خاک می‌گردد (خاک را شورتر می‌کند).

علت اینکه برخی از کشاورزان ایرانی و حتی در کشورهای پیشرفته دنیا، با تمام اطلاع و آگاهی که از خواص و اهمیت کود

دامی در بهبود خواص فیزیکی شیمیایی و حیاتی خاک دارند ولی آن را به زمین نمی‌دهند، اغلب این است که در شرایط امروزی استفاده از کود حیوانی که شامل مراحل: کندن کود و بیرون ریختن آن از طویله یا آغل، حمل آن به مزرعه، کوبیدن و نرم کردن آن، و خلاصه پخش کردن آن در روی زمین و شخم زدن آن زمین (به زیر خاک کردن کود) خیلی گران تمام می‌شود و از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نمی‌نماید، به خصوص در مواردی که هم بیرون آوردن کود از طویله و یا آغل سخت و دشوار باشد و هم به علت نبودن راه مناسب و یا راه طولانی تا مزرعه راندمان کار بسیار کم پائین باشد. و یا اینکه باید کود از لحاظ علمی خوب "آماده" بشود یعنی آن را در یک محل مناسب رویهم انباشته کنند و بگذارند برای یک مدتی به اصطلاح بیوسد تا نسبت کربن و ازت در آن کمتر بشود و در بعضی موارد یکی دو بار آن را زیر و رو بکنند و غیره... در چنین شرایطی، هر چند کود بسیار مرغوبی به دست می‌آید ولی عملاً دیده می‌شود که به علت گران تمام شدن آن، کشاورزان از این کار خودداری می‌کنند، مگر در مواردی که کشاورزان به دستمزد روزانه خود توجهی نداشته باشند و گیاه مورد کشت از محصولات پر بها و به اصطلاح پول ساز باشد، مانند خیار در شرایط کنونی ایران که به قول معروف "هر قدر هم که خرجش بشود، برمی‌گرداند".

در کشورهای پیشرفته از لحاظ کشاورزی، کشاورزانی که به کلی دامداری ندارند و یا از کود دامی برای اصلاح خاک استفاده نمی‌کنند و نیز در مؤسسات کشاورزی پیشرفته کشور خودمان، امروزه برای کم کردن وابستگی کشاورزی به دام در زمینه کود و یا چاره اندیشی در این مورد، اغلب از طریق دادن گاه باضافه مقدار کود شیمیایی به زمین، باعث تقویت ماده آلی در خاک می‌گردند (تقریباً به ازای هر ۱۰۰ کیلوگرم گاه ۵/۵ تا ۱ کیلوگرم ازت خالص به صورت کود شیمیایی می‌دهند). و یا در کشور ما پس از جمع‌آوری گندم یا جو، مقداری کود شیمیایی ازته (اوره و غیره) در آن می‌پاشند و آنگاه آن زمین را که دارای کلس و دیگر بقایای گیاهی است، با تراکتور شخم می‌زنند و بعد روی آن را دیسک می‌زنند تا ساقه یا کلسهای گندم و یا جو، خوب به زیر خاک برود و با رطوبتی که در آنجا حفظ شده بیوسد و ماده آلی یا هوموس خاک را زیاد کند. اجرای این کار در سطحی وسیع و با هزینه بالنسبه کم امکان پذیر است.

اما در کشور ما معمولاً پس از برداشت گندم و جو، جای آن را که کشاورزان به آن "کلس" می‌گویند به علت کمبود علوفه و چراگاه و نیاز مبرم به آن، به عنوان چراگاه آنهم با قیمت بالنسبه زیاد (هکتاری ۲-۳ هزار تومان در منطقه گرمسار و رامین) به فروش می‌رسانند و یا مورد چرای دامهای خود قرار می‌دهند و به این ترتیب بقایای گیاهی هم از زمین جمع می‌شود (یا گوسفند

می‌خورد و یا آنها را جمع می‌کنند و از آنها گاه درست می‌کنند و یا برای مصارف دیگر به فروش می‌رسانند!!!).

گاه نیز در کشور ما به عنوان ماده غذایی اصلی دام مورد استفاده قرار می‌گیرد که هم کم است و هم قیمت آن بالنسبه زیاد روی این اصل کمتر کسی حاضر می‌شود گاه را همراه با کود شیمیایی به طریقی که ذکر شد، برای اصلاح خاک، به زمین بدهد یا آن را به دام می‌دهند یا به عنوان ماده سوختنی در کوره‌ها و دیگر مصارف به فروش می‌رسانند که در هر صورت به طور مستقیم برای تقویت ماده آلی یا هوموس خاک (به جای کود حیوانی) به زمین داده نمی‌شود.

بنابراین اینطور می‌توان نتیجه گرفت که باز مصلحت در آن است که به سراغ استفاده صحیح از کود حیوانی برویم یعنی به جای سوزاندن آن، چه در خانه و چه در کوره و غیره... آن را به زمین بدهیم، اینجاست که اهمیت و نقش دام و دامداری در کشاورزی را تا حدودی می‌توانیم احیاء کنیم. ولی در موارد دیگر آنطور که کشاورزی در گذشته به دامداری وابسته بود امروز، دیگر نمی‌تواند باشد.

اما از طرف دیگر، هر چه جهیت دنیا روز به روز بیشتر می‌شود سطح فرهنگ و زندگی بالا می‌رود، تکنولوژی توسعه می‌یابد و خلاصه دنیا به اصطلاح پیشرفته‌تر می‌شود، اهمیت دامداری و همچنین وابستگی آن به کشاورزی بیشتر می‌شود، به طوری که دامداری، امروز از فرع به اصل درآمده است، یعنی زمانی بود که مردم یا حداقل عده کثیری از مردم به خاطر کشاورزی، دامداری می‌کردند، ولی امروز در بسیاری از موارد برای دامداری، کشاورزی می‌کنند.

نیاز روز افزون به شیر، گوشت و دیگر فرآورده‌های دامی، سبب شده است که توجه مردم و همچنین مسئولان امر به دامهای شیری و گوشتی بیشتر بشود و بسیاری از امکانات در خدمت دامداری قرار گیرد. برای رفع نیاز یا خودکفائی به گوشت و شیر و غیره باید دامداری و دامپروری هم در سطحی وسیع و هم با اسلوب صحیح اعمال گردد. دامداری فقط با بهترین نژادها، با بهترین تغذیه و رعایت کامل بهداشت و درمان و غیره می‌تواند در شرایط کنونی اقتصادی باشد، دام احتیاج به مواد غذایی دارد که باید از طریق مراتع طبیعی یا مراتع مصنوعی یعنی کشت گیاهان علوفه‌ای تأمین گردد. چون مراتع ما کفاف احشام ما را نمی‌دهد، باید با کاشتن علوفه و مدیریت صحیح در بهره‌برداری از منابع طبیعی و غیره، مواد غذایی مورد نیاز دامهایمان را تأمین کنیم. در شرایط کنونی ایران، کشاورزی می‌تواند به دامداری خیلی کمک کند، و نیز دامدار به کشاورزی، ولی آنطور که کشاورزی می‌تواند، دامداری نمی‌تواند.

اجرای برخی از برنامه‌ها (مانند اصلاحات ارضی و غیره) و

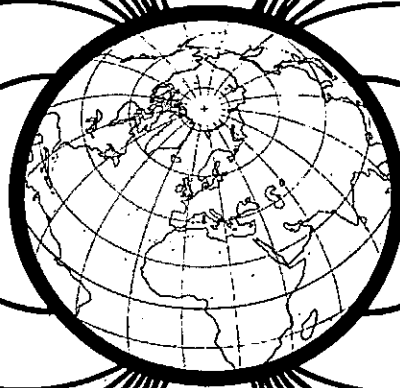
## منابع

- ۱- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: مجله یغما شماره سوم خرداد ماه ۱۳۵۱.
- ۲- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: مجله یغما شماره سوم ۲۸، اردیبهشت ماه ۱۳۵۴.
- ۳- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: حماسه گویر، انتشارات امیرکبیر تهران، ۱۳۵۶.
- ۴- خلف، فرخ: یک گاو بومی ۶۰۰ کیلو شیر می‌دهد و..... "برزگر" نشریه هفتگی کشاورزی و دامپروری. شماره ۷۷ سال دوم شنبه ۲۷ تیر ماه، ۱۳۶۰ (تهران).
- ۵- زهری، مرادعلی و صالحی، سید رضا: بررسی مسائل خود-گفائی در تولیدات طیور. "برزگر"، نشریه هفتگی کشاورزی و دامپروری شماره ۲۱۱ سال پنجم، شنبه ۲۷ اسفند ۱۳۶۲ (تهران).
- ۶- سعادت نوری، منوچهر و سیاه منصور، صدرااله: اصول نگهداری و پرورش گوسفند. انتشارات اشرفی (تهران) ۱۳۶۱.
- ۷- شرکت آب منطقه‌ای کرمان: سمینار قنات خرداد ۱۳۶۱.
- ۸- صابری، مریم (تهیه و تنظیم): دانستیهای علمی راجع به گوشت. مجله "دهقان روز" نشریه کشاورزی علمی اقتصادی، سال دهم، تیر ماه ۱۳۵۱.
- ۹- صفی‌نژاد، جواد: نظامهای آبیاری سنتی در ایران. انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران. شماره ۸۸ سال ۱۳۵۹.
- ۱۰- کردوانی، پرویز: منابع و مسائل آب در ایران، جلد اول. مؤسسه انتشارات آگاه تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۱- مزینی، پرویز: میزگرد دامپروری. مجله کشاورز، شماره ۲۴ سال ۳، آذر ۱۳۶۰.
- ۱۲- مستوفی، احمد: شهداد و جغرافیای تاریخی دشت لوت. انتشارات مؤسسه جغرافیا دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- ۱۳- نشریه هفتگی "کشاورز امروز". سخن هفته: گاو‌داری در دوران بعد از انقلاب شماره ۹۹، سال دوم شنبه ۵ دیماه ۱۳۶۰.
- ۱۴- وزارت آب و برق: آب و فن آبیاری در ایران باستان ۱۳۵۲.
- ۱۵- وزارت کشاورزی و منابع طبیعی: راهنمای تغذیه و پرورش گاو، نشریه شماره ۱۵۶، تهران ۱۳۶۰.
- ۱۶- وزارت نیرو، بخش تلفیق و آنالیز آمار منابع آب: خلاصه آمار آبهای زیرزمینی کشور، جلد سوم، ۱۳۵۹.
- ۱۷- هدین، سون (ترجمه)، رجبی، پرویز: "گویرهای ایران" تهران، ۱۳۵۵.
- ۱۸- پاپلی یزدی، محمد حسین: چرخ شیر، یک "تحول" تکنیکی. از مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد - شماره دوم سال هفدهم - تابستان ۱۳۶۳.

توسعه صنایع و دیگر عوامل سبب شده که امکان دامداری بزرگ به روشی سنتی (گله داری) در روستاها خیلی کم بشود، بسیاری از انواع دامها یا از بین بروند و یا اهمیت خود را از دست بدهند (مانند اسب، شتر، الاغ و غیره) ولی اهمیت برخی دیگر از دامها به مراتب بیشتر بشود و دامها به صورت متمرکز و یا پیشرفته - تری نگهداری بشوند و مواد غذایی آنها از طریق کاشتن علوفه و یا وارد کردن از خارج به صورت ترمزک تهیه بشود که در شرایط کنونی ایران به علت کمبود آب و دیگر امکانات جهت کشت و همچنین تهیه ارز بسیار مشکل است از یک طرف برای تأمین مواد مورد نیاز برای انسان مانند گندم، قند، پنبه و غیره... و از طرف دیگر علوفه مورد نیاز دام مانند یونجه، شبدر، ذرت و جو به آب و خاک مناسب و کافی احتیاج داریم که اجرای این دو برنامه، رقابت بین انسان و حیوان، به علت محدودیتهای آبی و دیگر امکانات در شرایط ایران در بسیاری از موارد با مسائل و مشکلات بسیاری همراه است و یا اصولاً "به طور مطلوب و در تمام سطوح، امکان پذیر نیست، به خصوص در مناطق ترمزک جمعیت و اطراف شهرهای بزرگ و بالاخص شهر تهران زیرا هر چه جمعیت متمرکزتر و توقع و نیاز آنها بیشتر باشد، به علت محدودیتهای آبی و خاکی و غیره تهیه آنها برای انسان و حیوان، بسیار مشکل و مسئله خیزتر است. تأمین آب یا غذا برای عده‌ای محدود کار دشواری نیست، از امکانات طبیعی آن منطقه خلاصه می‌توان به نحوی نیازمندیها را بر طرف کرد ولی وقتی جمعیت کثیری در منطقه‌ای متمرکز می‌شوند، تأمین احتیاجات آنها غامضتر می‌گردد. این موضوع در مورد تأمین گوشت، شیر و دیگر فرآورده‌های دامی نیز صدق می‌کند، به خصوص در شرایطی مثل ایران که مراتع طبیعی آن به هیچوجه تکافوی دامهای موجود را نمی‌کند و محدودیت آبی و خاکی و غیره در بسیاری از موارد امکان کشت علوفه مورد نیاز دامها را به ما نمی‌دهد، در حالی که روز به روز مصرف گوشت و شیر مردم بیشتر می‌شود و لذا باید به هر طریق که ممکن است و امکانات اجازه می‌دهد، این مواد تأمین گردد. مسئله دامداری ایران هم در همین جاست که در شرایط کنونی چه باید بکنیم که مراتع ما غنی بشود، دامها به اندازه کافی علوفه داشته باشند که چاق و تکثیر بشوند و خلاصه چگونه باید دامداری و مرتعداری و مراتع مصنوعی ایجاد کرد که وضعیت دام و فرآورده‌های آن در مملکت روز به روز بهتر بشود.

اینها و دیگر مطالب مسائلی است که در مباحث آینده به شرح و راه حل‌های آن خواهیم پرداخت.

# نگرشی سیستمی یا ساختاری در ژئومورفولوژی



جان تزی کارت  
ترجمه: دکتر حسن صدوق

هم قرار گرفته، در هم تعبیه می‌شوند. در برخی از سطوح بررسی یک سیستم به وسیله عکس‌العمل‌های متقابل بین اجزاء ترکیبی آن دنبال می‌شود. این اجزاء نیز ممکن است هر کدام به منزله یک سیستم مورد مطالعه قرار گیرد. و به عبارت دیگر زیر سیستم‌های سیستم قبلی محسوب می‌گردند. از آنجا که در این نگاه پایانی را نمی‌توان برای ذره کوچکتر در ماده تصور نمود سیستم‌ها نیز بی‌نهایت‌اند، به طوریکه مولکول و اتم نیز هر کدام یک سیستم‌اند. نهایتاً "سیستم‌ها با خصیصه‌های ذاتی خود مشخص می‌گردند. و این در حالی است که این خصائص یا ویژگیهای اجزاء تشکیل دهنده و حتی با مجموعه‌ای از آنها تفاوت دارد.

قابل ذکر است که مطالعه سیستم‌ها ممکن است قالبی ریاضی به خود بگیرد و جریانات سازنده آنها به صورت ترسیمی نمایش داده شود. در این حال به نوعی مدل سازی کمی که می‌تواند فوق‌العاده مفید واقع شود دست خواهیم یافت. معیناً نگرش سیستمی در

مفهوم سیستم تقریباً "دو قرن پیش در مورد ترمودینامیک به کار برده شده و از آن به بعد به گونه‌ای تکامل یافته که به مثابه یک دستگاه منطقی، کاربردی عمومی یافت.

یک سیستم متشکل از مجموعه پدیده‌های وابسته‌ای است که تغییر در یکی از عناصر در کل مجموعه غالباً "به طور غیر مستقیم منعکس می‌گردد. انعکاس این تغییر در عمل ممکن است شدید یا خفیف واقعیت یابد. بنابراین یک سیستم قبل از هر چیز با نوعی پویایی مشخص می‌گردد و به این ترتیب بایستی با انرژی تغذیه شود. جریانات انرژی و تغییرات آن به نوعی استخوان بندی و ساخت سیستم را تشکیل می‌دهند.

از آنجا که انرژی و ماده را در تفکر فیزیکدانان به سختی می‌توان از هم جدا تصور نمود، جریانات انرژی جریانات ماده نیز می‌باشند. به عبارت دیگر ماده "حامل" انرژی است.

سیستم‌ها از آن جهت که واقعیت‌های استدلالی می‌باشند علی‌الاصول فاقد بعداند. آنها همچون عروسک‌هایی که در داخل

مورد پدیده‌هایی که ما هنوز قادر به اندازه‌گیری آنها نیستیم و دارای وجه کیفی می‌باشند می‌تواند کاربرد داشته باشد. به این ترتیب نگرش سیستمی با برخورد ساختاری منطقاً "نزدیک می‌گردد زیرا این نظرگاه با تکیه بر وابستگی‌های متقابل در مورد پدیده‌های انسانی نیز نظیر زبان که با اندازه‌گیری و به کمیت درآمدن ناسازگار است، اعمال می‌گردد. خاطر نشان می‌کنیم که برخورد سیستمی با ژئومورفولوژی و بالاتر از آن با همه شاخه‌های جغرافیا تناسب دارد.

پدیده‌های را که با نگاه سیستمی مطالعه می‌نمائیم با تهیه قالب مدلی آن امکان می‌یابیم تا نقاط کمیت‌پذیر آن را با توجه به دست آوردهای تکنولوژی مشخص نمائیم.

از آنجا که این اندازه‌گیریها اکثراً<sup>۱</sup> به طور غیر مستقیم از پدیده مورد نظر دریافت می‌گردند تفسیر آنها بس ظریف و گاه اغفال کننده است. به همین دلیل یک معرفت کیفی از سیستم می‌تواند تبیین درستی از اندازه‌گیریهای اعمال شده برای کاربردی آگاهانه بدست دهد.

مطالعه سیستمی مدت زمانی برای طبیعت شناسان ناشناخته مانده بود. تنها در سال ۱۹۳۴ بود که یک انگلیسی به نام تانسلی<sup>۱</sup> با اخذ ایده‌هایی از گذشته و سیستمی کردن آنها اصطلاح اکوسیستم را مطرح می‌نماید.

بر مبنای تعریف بنیادی یک اکوسیستم از مجموعه‌ای از موجودات زنده تشکیل گردیده که هر کدام بر دیگری (بیوسوس)<sup>۲</sup> و نیز بر محیط خود (اکوتوپ)<sup>۳</sup> اثر بخشی و اثرپذیری متقابل دارند. در واقع مفهوم اکوسیستم ترجمان نگرش سیستمی در اکولوژی می‌باشد.

در همین زمان شخص بلند اندیشه و جستجوگر دیگری به نام آندره شوله<sup>۴</sup> که با وجود روح بزرگش کمتر از او قدرشناسی شده است، به همان مفاهیم در قلمرو جغرافیا دست یافت. او ظاهراً<sup>۵</sup> با توجهی به کارهای فیزیکدانان برای تکیه بر روابط متقابل و وحدت بخش پدیده‌های مختلف از "کمپلکس"ها سخن می‌گوید. برای او هر سازمان ناحیه‌ای مجموعه مرکبی است که با نوعی ساخت و بافت و فعل و انفعالات درونی مشخص شده است.

شوله "سیستم‌های فرسایشی" را در ژئومورفولوژی به دانشجو-یانش می‌آموخت. سیستم فرسایشی با جفت و جوری روندهای مختلفی که به طور خودجوش بر یک محیط مشخص عمل می‌نمایند تعریف می‌گردد. به نظر تریکارت جغرافییدان بزرگ فرانسه "سیستم فرسایشی"<sup>۶</sup> به طور ناگواری متأثر از نظریه دیویسی می‌باشد. به همین دلیل آنرا به "سیستم مورفوژنتیک"<sup>۷</sup> تغییر داده است. به این ترتیب با حفظ نظرگاه سیستمی<sup>۸</sup> از کاربرد اصطلاح "فرسایش" دوری جسته است. زیرا این کلمه با گسیختگی مفهومی خود دیگر عملاً فاقد مفهوم علمی می‌باشد و هر گونه

تلاشی در نگهداری آن در مورد تشخیص روندهای جایجائی و انباشت مواد که دست کم اهمیتی کمتر از روندهای "فرسایش" ندارند بد فهمی‌هایی را در پی خواهد داشت.

یک سیستم مورفوژنتیک به مجموعه‌ای از روندهای وابسته‌ای که موجب دگرگونی سیمای محیط جغرافیائی می‌گردند اطلاق می‌شود.

با روی آوری به نگرش سیستمی در ژئومورفولوژی، ما دستگاهی منطقی را به کار خواهیم گرفت که در بین شاخه‌های متعددی از دانش‌های بشری مشترک است و بنابراین به یمن نتایج حاصل از هر کدام از این شاخه‌ها همواره در جهت کامل نمودن خود قرار دارد. از طرف دیگر توسل به یک متد مشترک در مطالعات میان رشته‌ای غیرقابل اجتناب می‌باشد. این امر زمینه را برای ادغام و همسوئی تحقیقات در تخصص‌های گوناگون فراهم ساخته و آنها را به طوری همساز می‌نماید که امکان کاربرد تکنولوژی انفورماتیک و فن میادله اطلاعات را در آنها فراهم می‌سازد. بنابراین کاربرد این روش به سود همه خواهد بود.

در ژئومورفولوژی به ویژه روش سیستمی ادغام آن را در اکولوژی که بدان خواهیم پرداخت ممکن می‌سازد.

## آمیختگی ژئومورفولوژی در اکولوژی

هدایت نمودن تحقیقات به روش میان رشته‌ای همواره مشکل‌تر از دنبال نمودن آن با متد تحلیلی و ریزبینی علوم تخصصی بوده است. بعلاوه برش طبیعت به شاخه‌های تخصصی صرفاً<sup>۹</sup> از "سهولت طلبی" تحقیقاتی که ناشی از ابتکار پژوهشگران می‌باشد نشأت می‌گیرد و در واقع ذات طبیعت با این برشها سازگاری ندارد. به همین دلیل تا زمانی که علم توسعه نیافته بود تمام کسانی که بدان می‌پرداختند از کلی‌گرایانی بودند که پرداختن به شرح حال آنها از حوصله این بحث خارج و بیبوده به نظر می‌رسد. برای مثال کافی است از کسانی چون لئوناردو داوینچی، پالیسی و هومبولت، یاد نمائیم. در نیمه دوم قرن نوزدهم توسعه تکنیک و رایج شدن نوعی کار فکری زنجیره‌ای باعث گردید که آزمایشگاه و تکنیک تحقیق به آلت انقیاد روح انسان تبدیل شوند.

اختلاط اسف انگیز آن بود که تکنیسین‌های تحقیق نه در لفظ که در معنی به مثابه پژوهشگران مورد ملاحظه قرار گرفتند و در کشورهای غربی تمدن افراطاً<sup>۱۰</sup> تکنیکی در مورد نقش آنان راه تمجید و تکریم را در پیش گرفت تا آنجا که برخی به مشاورت درباره سیاست‌گذاری علمی دولت‌ها دعوت شدند. این دمسازی نفع‌گرایانه بر مبنای مصالح صنعت موجب نوعی زیاده‌روی و بها دادن فوق-العاده به وسائل و ساز و برگ تحقیقاتی و از طرف دیگر باعث رکود تأسف باری در تحقیقات مبتنی بر روش گردید.

در قلمرو مربوط به ما این اتفاق با مخاطره تلخ‌تری ظاهر می‌گردد و آن عبارتست از عدم توانائی به پاسخ گوئی صحیح به برخی از

سئوالاتی که افکار عمومی درباره محیط، محیط زیست و عمران و توسعه در برابرمان قرار می دهد. در واقع امکان حل این مسائل وقتی فراهم می گردد که به مدد نظرگاههای کلی از موانع محصور کننده شاخه های سنتی علوم که آموزشهای صوری را تقویت می کنند عبور نمائیم و روشهایی را که به جای تفکر بر روی محتوی به قالبها و برنامهها اصالت می دهند کنار بگذاریم.

از آنجا که معیارهای منطقی و مفاهیم روش شناسی بازسازی وحدت علمی را ممکن ساخته اند، نگرش سیستمی نیز یکی از این وسائل می باشد. به جا است که از این امکانات برای چیره شدن بر تنگناهای تحمیلی که برشهای ساختگی و نوعی تنگ نظری را دامنگیر علم نموده اند استفاده نمائیم.

ظهور و توسعه اکولوژی در علوم طبیعی بر آن است که به این نگرانی پاسخ گوید. به همین دلیل افکار عمومی که به طور مبهمی احساس می نماید که اکولوژی می تواند روشنگری نموده و به تشویشها-یش جواب دهد، نسبت بدان شیفتگی و استقبال نشان می دهد.

با این حال باید توجه داشت که اکولوژی یا محیط زیست از علوم طبیعی سربرآورده و توسعه یافته است در حالی که علوم طبیعی نیز از تخصص گرائی تحلیلی متأثر بوده است.

این تضاد یا ناسازگاری که غالباً "در علوم به چشم می خورد در واقع باعث نوعی اعوجاج گردیده است. همانگونه که در معنی اکوسیستم متذکر شدیم اکولوژی با توجه به ابعاد آن به طور نامتعادلی مورد مطالعه قرار گرفته است. گیاه شناس و حیوان شناس به متخصص محیط زیست تبدیل شده اند.

اینان مطالعات خود را بیشتر بر روی روابط بین موجودات زنده (برای مثال زنجیره غذایی) و انطباق آنها با محیط متمرکز نموده اند تا پرداختن به محیط و تغییرات آن تحت نفوذ موجودات زنده. در واقع دو بعد اخیر محیط زیست کمتر مورد توجه قرار گرفته و نسبتاً "به فراموشی سپرده شده است. حقیقت این است که هرگز نیایستی اکولوژیستها را در این مورد مقرر بدانیم بلکه این جغرافیدانان بودند که با ظفره رفتن از پرداختن به مطالعه محیط طبیعی نظرگاه اساسی خود را از دست دادند.

اقلیم شناسی که در مطالعات آماری داده های تصنعی و استفاده تقلیدوار از هواشناسی درگیر و مردد مانده است، متخصص ژئومور-فولوژی که در دام مدل های دیویدی غوطه ور شده و یا آب شناسی که دیدگاه طبیعی گرای خود را به فراموشی می سپارد، چه کمکی می توانند در نظرگاه کلی نگر محیط زیست ارائه نمایند؟ در این میان تنها جغرافیای زیستی بود که این اواخر گرایش خود را نسبت به محیط زیست عملی نمود. این بی توجهی جغرافیدانان به محیط زیست باعث گردید تا اکولوژیستها برای مرتفع نمودن نیازشان به داده های اقلیمی شاخه اقلیم شناسی حیاتی<sup>۸</sup> را بوجود آورند.

توجه به ژئومورفولوژی اقلیمی<sup>۹</sup> ما را کمک می نماید تا برای اثرات غیرمستقیم اقلیم نسبت به اثرات مستقیم آن اهمیت بیشتری قائل شویم و روند "پیدایش فرم" یا مورفوزن را در میدان گسترده تری که محیط زیست می باشد مورد توجه قرار دهیم. معینا برای مبادرت ورزیدن به چنین کاری تنها زبان منطق کافی نمی باشد. زیرا یک اکوسیستم را نمی توان به خلاف یک "سیکل-فرسایشی" به تصور آورد. بنابراین لازم است یک دوران طولانی و طاقت فرسا صرف کشف روابط ژئومورفولوژی با خاکشناسی و آب-شناسی گردد تا بتوانیم به حل مسائل عمرانی و حفاظت منابع زمینی و آبها مدد رسانیم و از آن طریق به یک نظرگاه کلی نائل آئیم، همکاری نزدیک با متخصصین کشاورزی در تنظیم برنامه عمرانی و توسعه کشاورزی-جنگل داری و دامداری سبب می گردد تا به طور تعیین کننده ای به هماهنگ سازی مبادی اکولوژی پرداخته راه را برای یک کار موثر میان رشته ای هموار سازیم.

## یادداشت

- 1- Tansley.
- 2- Biocenose.
- 3- Ecotope.
- 4- A. Chelley.
- 5- Complexes.
- 6- System d' erosion.
- 7- System Morphojenetique.
- 8- Biochimatoologie.
- 9- Geomorphologie chimatique.



# درخت قربانی

دکتر نصراله پور افکاری

است. خشکی هوا، اختلاف زیاد درجه حرارت در شب و روز، وزش بادهای خشک و شدید، کمی میزان بارندگی، درجه گرمای زیاد، عدم امکان زراعت و آبیاری به علت کمی آبهای جاری، شوری زمین و آب، همه از عواملی هستند که کشاورزی منطقه را محدود کرده و رویش گیاهی را منحصر به مسیر آبهایی کرده است که به طور دائم در آنها جریان دارد.

جمعیت خور حدود ۸،۰۰۰ نفر است<sup>۳</sup> که در ناحیه شرقی و غربی (دهنیز *Dehniz*) و کلاغو (*Kalagho*) زندگی می‌کنند.

خور و بیابانک شامل یازده دهستان است، که هر کدام از آنها

در دل کویر، آنجا که به علل طبیعی، اشکال حیات محدود و عوامل زیستی چندان مساعد و مطلوب نیست، روستاهایی وجود دارند که مانند گوهری در میان شنهای یکنواخت و کسل کننده خودنمایی می‌کنند. این روستاها مانند دانه‌های تسبیح، زنجیروار به هم مربوط بوده و با همه گرفتاریهای طبیعی به حیات خود ادامه می‌دهند و به منزله گوهرهایی هستند که در صدف کویر ساخته و پرداخته شده‌اند و تا امروز نیز ویژگیهای خود را حفظ کرده‌اند.

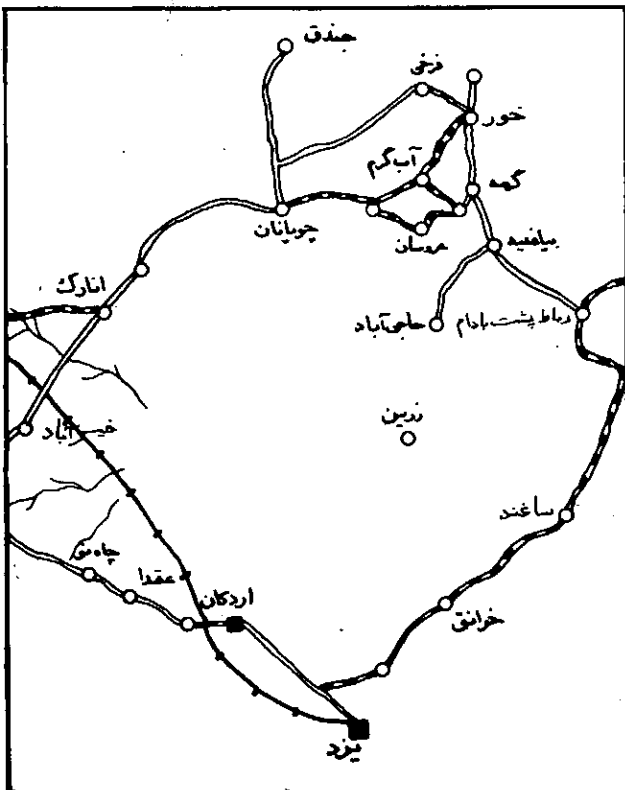
ساکنین این روستاها و بخشها، سالیان درازی است که با سنتها، آداب و رسوم و اعتقادات خود خو گرفته و با آنها زندگی کرده‌اند، و به علت دوری از مراکز تمدن و عدم تأثیرپذیری، بافت و ساخت اجتماعی خود را همچنان نگهداشته و هنوز هم در حفظ آن سنتها علاقمند هستند.

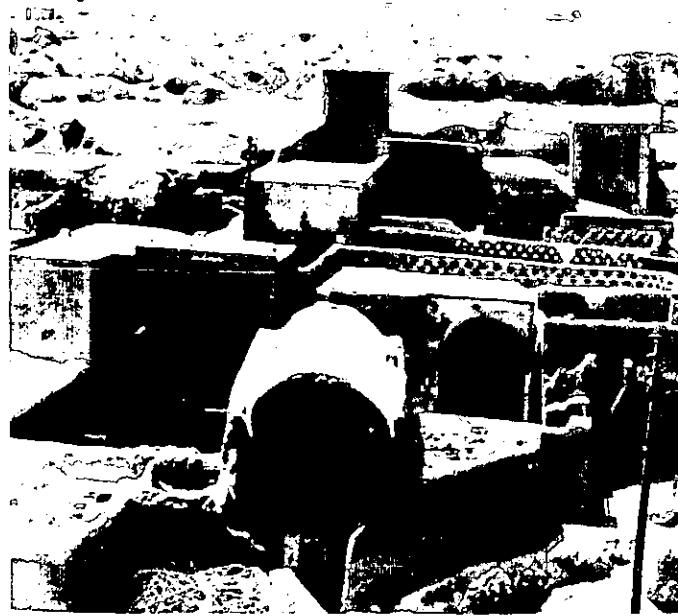
خور و بیابانک<sup>۱</sup> و روستاهای تابع که در دل کویر ایران قرار دارند، نمونه این آبادیها هستند، که کویر آنها را همچون فرزندان عذیر، صمیمانه در بر گرفته است.

منطقه خور و بیابانک از نظر بیننده و خواننده نمونه یک جامعه مقاوم و پایدار است که علی‌رغم همه ستمهای طبیعی سربلند زیست‌اند. ساکنین آنها از بی‌آبی نهراسیده‌اند، از نبودن مرتع و هوای نامطلوب و ناسالم گله‌مند نبوده‌اند و با رحمت خداوندی خوشحال و با قهر طبیعت نیز مدارا کرده‌اند.

مجموعه این سازشها، مقاومتها و ستیزها موجب پیدایش یک سلسله سنتها و آداب و رسوم گردیده که هنوز هم پایدارند. یکی از سنتهای دیرین، درخت قربانی یا درخت بری و به اصطلاح محلی پنییر کردن در بعضی از روستاهای منطقه خور است.

خور مرکز خور و بیابانک در کناره جنوبی کویر مرکزی<sup>۲</sup> و شمال غربی کویر لوت به فاصله ۲۵۰ کیلومتری نائین مرکز بخش، قرار دارد و میزان بارندگی سالیانه آن از ۵۰ الی ۱۵۰ میلیمتر متغیر بوده و برف نیز طی سالها به ندرت دیده شده است. درجه حرارت آن طی یک سال از ۶ الی ۳۵ درجه سانتی‌گراد در نوسان





- ۲- سه هشکن *Sehesken* خرمائی است بسیار خوش طعم و خوشمزه که نایاب بوده و در خور نیز اندک است. علت نامگذاری این اسم شاید به سبب درشتی آن باشد، زیرا خوری‌ها هسته را پشک گویند و در اصل سه پشکن بوده، یعنی خرمائی که سه هسته در شکم خود دارد. این خرما گرد و بزرگ و از نوع قرمز می‌باشد.
- ۳- قسم، یا قسب به رنگ نارنجی.
- ۴- زرشک، یا زارش *Zarash* به رنگ زرد با لکه‌های بنفش.
- ۵- خدشکن، شبیه سه هشکن ولی برعکس زرد و آبیکی است. نوع ریز خدشکن را خدشن کن گویند.
- ۶- کلوخ بشن، زرد کم رنگ.
- ۷- زرگمیا یا زرگمبا *Zargemba* خرمائی زرد و درشت و پررنگ.
- ۸- روسی *Rosi*، زرد با لکه‌های قرمز که به نخ می‌کشند.
- ۹- خارک یا هارک، که خشک آن خوشمزه است، زرد پررنگ با لکه‌های قرمز.
- ۱۰- تمبون *Temboon* ۸.

خرما از غذاهای اصلی مردم خور و اطراف آن است و آنرا به شکل‌های مختلفی حفظ کرده و در زمستان نیز از آن استفاده می‌کنند.

همانطوری که درخت خرما با هوای گرم منطقه تطابق دارد، متأسفانه کشاورزی را به رکود می‌کشاند، زیرا آفتاب سوزان و آب شور کشاورزی را از بین می‌برد. مردم به تجربه دریافته‌اند که می‌توان سیزیجانی در سایه درختان خرما به دست آورد ولی آنهم بسیار نارسا است. خرما از نظر غذایی بسیار مقوی است، چنانچه به صورت سالم تهیه و توزیع گردد، تجارتی مطلوب است. اما آنچه در منطقه به صورت آزاد عرضه می‌شود، از رعایت بهداشت لازم برخوردار نیست.

درختان خرما از نر و ماده، هر دو نوع می‌زایند. در آغاز کار، خوشه این دو نوع در غلافی قرار دارد تقریباً "به شکل غلاف (قمه) اما چند برابر بزرگتر که آنرا "کویله" می‌گویند. کویله درخت خرمای ماده پس از چندی شکافته و خوشه از آن بیرون می‌آید و در مدت دو فصل بهار و تابستان پس از تغییرات شگرفی که در حال و رنگ و بوی دانه‌های نارس پدید می‌آید، تبدیل به خرما می‌شود که در ماه‌های مهر و آبان آن خوشه‌ها را می‌برند. اما در درختان نر کویله یعنی محفظه را پیش از آنکه به خودی خود شکافته شود معمولاً برمی‌آورند و می‌کشایند و خوشه ناری را که در آن است برمی‌گیرند و پاره‌ای چند از آنرا که خوشبوی و معطر هم هست در خوشه درخت ماده می‌گذارند و به اصطلاح "گرد می‌زنند" تا درخت ماده بارور شود وگرنه خرما بار نمی‌دهد<sup>۹</sup>

البته درخت نر خرما میوه نمی‌دهد. درخت خرما پرهاقت است و مقاوم و بدون آب زنده می‌ماند و در صورت طولانی بودن خشک

نیز چندین قریه را در بر می‌گیرد:  
فرخی، چاه ملک، طاهرآباد، جندق، گرمه، مهرجان، بیاضیه، اردیب، ایراج، حاجی آباد (حاجی آباد زرین) و دهستانهای حومه<sup>۴</sup>.

منطقه خور بی‌آب است و آب آشامیدنی آن به زحمت تهیه می‌شود، کشاورزی چندان مطلوبی نیز ندارد، و به علت نبودن گیاهی مناسب دامداری نیز ضعیف بوده و تنها به صورت سنتی، خانگی و یا پراکنده دیده می‌شود. قسمت‌های کویری خور که در شمالترین قسمت دشت خور قرار دارد، حداقل محصول را دارا است و گاهی فاقد درخت خرما نیز هست. این کویرها عبارتند از: کویر علی بیگون، کویر لالو، کویر زنگی، کویر نازو، کویر مشکو، کویر شوره، کویر کلا.

جای درختان خرما را در این ناحیه، درختان و گیاهانی پر کرده است که اغلب آنها به مصرف دام می‌رسند، مانند:  
کروز *Kerooz* چربشو *Garbsoo* طاق، شور، کمکر - *Kom*  
*kor* سورک *Sorok* کگونگیز *Kegongiz* اشکل *Eskel* و  
گیشه *Gisa*<sup>۵</sup>.

درخت و محصول غالب منطقه با توجه به آب و هوای منطقه، خرماست که به انواع مختلف مشاهده می‌شود، نخلستانهای خور چون هلالی در شمال مسکن کشیده شده است. اهالی خور خرمای قسب *Gasb*<sup>۶</sup> (خرمای روستای مهرجان) و خرمای کرمانه (در روستای گرمه *Germe*) را از مرغوبترین نوع خرما می‌دانند<sup>۷</sup>. انواع خرما در خور بسیار است و از آنجمله:

۱- خرمای کرمونی به رنگ قرمز (سیاه مایل به قرمز) که بیشتر با صفت آتشین از آن یاد می‌کنند (خرمای آتشین).

می شود، اما آفتگاهی دارد که در صورت عدم توجه نخل را مورد تهدید قرار می دهد. مانند بی آبی، توفانهای شدید، جریان تند سیل، رعد و برق، طغ دریائی و حشره های به نام تال و شیرو<sup>۱۰</sup>. همه خرماها مرغوب نیستند و بدان جهت برای مرغوبیت و بزرگ شدن، خرما را به اصطلاح تنک می کنند<sup>۱۱</sup> تنک کردن میوه، عملی است که موجب پائین آمدن مقدار محصول و در بعضی نقاط باعث بوجود آمدن و ازدیاد خرماهایی با لکه سیاه می شود. البته در ایران انجام نمی دهند و تنها در مواقعی که حداقل ۱۲ خوشه روی نخل موجود باشد یک یا دو خوشه ضعیف آنرا کم می کنند. به همین علت است که درختان خرماي ایران همیشه دارای مقدار زیادی ریزش طبیعی میوه طی دوران تکامل هستند<sup>۱۲</sup>. اغلب خرماهای خور ریز هستند. درخت خرما به جز ریشه و ساقه، دارای برگهائی است، که طول آنها زیاد بوده و از انتهای

ساقه به اطراف پخش شده است. این برگه ها از سه قسمت تشکیل شده اند که از پائین به بالا نامهای زیر را به خود می گیرند :

۱- ساغری انتهای برگ است و بر ساقه درخت پلکانی بوجود می آورد که به گاه پر شدن پای بر آن می نهند.

۲- کوشک *Kavesk* قسمت بعد از ساغری است که کم کم باریک می شود<sup>۱۳</sup>.

۳- لو *Low* بعد از کوشک است که در دو طرف، سیخ های بزرگ دارد. به این سیخ ها میر *Meyr* می گویند و به دو قسمت اخیر روپهم باسکین *Baskin* نامند.

۴- سپس به برگه های اصلی می رسم که برشک *Barasck* نامیده می شود، برشک باریک و بلند است و در دو طرف چوب برگه های روئیده اند<sup>۱۴</sup>. برگه ها، هر چه به قلب درخت نزدیک می شویم ظریفتر و سفیدتر می شوند تا در قلب درخت به صورت توده سفید





که شاخه‌های دیگر از آن قسمت جدا و به اطراف پخش شده‌اند، رسیدند، آن محل را شکاف می‌دهند و چیزی نظیر پنیر از آن درمی‌آورند و بعد آنرا با چاقو بریده، ابتدا به میهمان و سپس به سایرین مقداری عرضه می‌کنند که خورده می‌شود. این پنیر، از پنیر معمولی سفت‌تر و مزه آن شیرین و قدری گس می‌باشد. درخت خرماي انتخابی باید ویژگیهای زیر را داشته باشد:

- ۱ - پنیر درخت تلخ نباشد. ۲ - کمیت آن بیشتر باشد.
  - ۳ - درخت خرما نر باشد، زیرا پنیر آن هم بیشتر است.
- از درختانی که جوان بوده و برای آنان ارزش دارد استفاده نمی‌شود. به هر حال از درختانی که خصوصیات زیر را داشته باشند، در پنیر کردن استفاده نخواهد شد:
- ۱ - درخت خرماي ماده‌ای که کیفیت غذایی خرمايش بیشتر باشد.
  - ۲ - درختانی که به آنها آب کم رسیده باشد، زیرا پنیر آن تلخ خواهد شد.
  - ۳ - بعضی از انواع درخت خرما که اصله‌اش گران باشد، مانند خرماي قسب و خرماي خرک.

روستای بیاضیه که خرماي آن مرغوب و پنیرش تلخ است و نیز نوع خرماي کرمانه و روستای گرمه، در این ردیف قرار دارند. هر درختی که قربانی می‌شود، معمولاً در حالت مطلوب و مساعد، حدود ۵ الی ۶ کیلو پنیر می‌دهد که می‌تواند ۴۰ الی ۵۰ نفر از مدعوین را تغذیه نماید. البته این مقدار متغیر بوده، کمی و یا زیادی آن به عوامل بسیاری ارتباط دارد. برای انجام این کار شخص معینی وجود ندارد و همه می‌توانند آنرا انجام دهند، لکن معمولاً کسانی که توانایی انجام آنرا دارند، انتخاب می‌شوند. مراسم انجام آن حدود دو ساعت به طول می‌انجامد و در هر فصلی می‌تواند صورت پذیرد.

و بسیار خوشمزه درمی‌آید که پنیر *Panir* نامیده می‌شود. بعضی مواقع برگه‌ها را می‌برند و به اصطلاح درخت را می‌کشند تا پنیر آنرا بخورند ۱۵. و این همان مطلبی است که ما آن را دنبال خواهیم کرد.

از سنتهای پایدار این ناحیه قربانی کردن درخت به جای گوسفند و دیگر دامها است. این سنت بیشتر به سبب فقدان دام کافی و زائیده روح مهمان نوازی و مهمان دوستی ساکنین منطقه خور است، که تا کنون این صفت را محفوظ نگاهداشته‌اند و به جای گوسفند، آنچه را که، بر ایشان عزیز بوده به میهمان عرضه می‌دارند. یعنی درخت خرما، تنها متاع عزیزی است که با کمال خلوص در پای میهمان و عزیزان قربانی می‌شود.

اگر کسی از زیارت خانه خدا برگردد و یا عزیزی از مسافرت دور و درازی برسد، درخت خرمائی به پای وی قربانی می‌شود. هفت - سین نوروز و سفره غذای سبزه بدر نیز گاهی با پنیر این درخت مزین می‌شود.

در حماسه کویر چنین آمده است: نخل در نقاط گرمسیر از گرانبهاترین سرمایه‌هاست و نوع « ترک » آن معمولاً تا خرد و جوان است طی مراسم خاصی، درست مثل گوسفند قربانی می‌شود، یعنی آنرا با تیغ می‌زنند. گوی کوچکی است پر از مواد غذایی و بسیار خوشمزه، ولی به هر حال یک درخت نخل از میان می‌رود، این کار معمولاً برای مهمانان خیلی مهم و عزیز انجام می‌شود ۱۶. نحوه قربانی یا پنیر کردن درخت خرما:

درخت خرمائی را ابتدا با شرایطی که خواهد آمد انتخاب می‌کنند و آنگاه کسانی که تقریباً در بیشتر مواقع این عمل را انجام می‌دهند، برگها را از پائین درخت با اره مخصوص می‌برند، بقسمی که قسمتی از کوشک آن باقی بماند، و همین عمل را تا قسمتهای انتهایی ساقه ادامه می‌دهند. چون به انتهایی ساقه اصلی،

۱۲- آقای محمد امین در مورد گوشک، در توضیح غزلی به زبان خوری گوید: دوختن درخت عملی است که با اَره برگهای خشک درخت و ته برگهای آنرا که گوشک نامند، می‌برند و پیچ (الیاف) درخت را برمی‌گیرند (یغما، سال ۲، ص ۱۸۸).

۱۴- مرتضی هنری، یغما، سال ۲۵ شماره ۴.

۱۵- این ماده را در جهرم پنیرک Panirak نامند و نام دیگر آن نیز کچ Kac است. کچ ماده سفید رنگی است در هر درخت خرما که پس از برداشتن ماده‌ها و برآمده‌ها (جوانه تازه رسته میان تارک درخت خرما که سفید رنگ است و چون بزرگ شد برآمده نام دارد) پدیدار می‌شود. این ماده را می‌توان خورد. از آن ترشی نیز درست می‌کنند. و از کچ است که پیش (شاخه یا برگ درخت خرما)، پنگ (خوشه) و پریچه Pirica (لیف درخت خرما) و دیگر اجزاء درخت پدید می‌آید (پژوهشنامه فرهنگستان زبان شماره ۱، سال ۵۴، دکتر صادق کیا).

۱۶- دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی - حماسه گویر، چاپ دوم، سال ۵۷، ص ۱۸۹.

علاوه می‌نماید که: «سرزمین انارک تا چوپانان» در سال ۱۹۳۵ مورد تحقیق E. Baier قرار گرفته است و قبل از وی نیز انارک توسط E. Boehme (تحقیقات جغرافیائی راجع به ایران - آلفونس گابریل، ترجمه: فتحعلی خواجه نوری، انتشارات ابن سینا - سال ۴۸، مورد بازدید قرار گرفته بود). انارک با چوپانان فاصله چندانی ندارد و مرحوم حبیب یغمائی چنین گوید:

تا انارک ز خاک چوپانان

هجده فرسخ است و سخت دگران

نیست در راه آب و آبیادی

وحشت انگیزتر ز هر وادی

(یغما، سال اول، شماره ۲، ص ۵۹).

از آقای سلمانی دانشجوی رشته جغرافیای تربیت مدرس که در ایضاح بعضی لغات خوری یاری‌ام کرده‌اند سپاسگزارم.

۱- خور به معنی بندر است. مرکز بخش جندق و بیابانک. بیابانک و خور دو بخش جدا است ولی در مجموع به نام خور و بیابانک نامیده می‌شود.

۲- گویر مرکزی همان گویر نمک است.

۳- آمار سازمان برنامه، سال ۵۵ جمعیت دهستان خور، در سرشماری عمومی ۵۵ سازمان برنامه ۷،۷۸۵ نفر آمده است.

۴- حکمت یغمائی، تز لیسانس جغرافیا، سال ۴۷، دانشگاه اصفهان - گروه جغرافیا.

۵- از یادداشتهای آقای حسین ذبیحی.

۶- قسب، نوعی خرمای زرد و خشک که در دهان ریزه گردد (معین) آقای صادق کیا در مقاله خرما و واژه‌های وابسته به آن در فارس جهرم قسب را نوعی خرمای خشک می‌نامد (پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران شماره ۱ سال ۵۴).

۷- جندق (روستائی کهن بر کران گویر)، عبدالکریم حکمت - یغمائی. در صفحه ۱۰ الی ۱۳ چنین آمده: گرمه و ایراج از یکدیگر پیداست، یا قوت از مهران، ناصر خسرو نیز از گرمه نام برده است.

۸- به نقل و تطبیق از مقاله آقای دکتر مرتضی هنری، اهمیت انواع خرما در زندگی مردم خور، یغما، سال ۲۵ شماره ۴ شماره مسلسل ۲۸۶ ص ۲۱۵ ترجمه: اصغر عسگری خانگانه. و یادداشتهای آقای حسین ذبیحی.

۹- حبیب یغمائی، یغما، دوره اول - سال اول، ص ۲۳۵، در لغتنامه‌ها کویله را به معنی گاکل و موی سر آورده‌اند.

۱۰- مرتضی هنری، یغما، سال ۲۵، شماره ۴.

۱۱- تنگ کردن خوشه‌های درخت خرما به روشهای زیر انجام می‌گیرد:

الف: درخت خرما جهت تأمین شیره پرورده برای هر خوشه بایستی ۱۰-۹ برگ داشته باشد. چنانچه اگر فرض شود هر درخت حدود ۱۰۰ برگ سالم دارا باشد می‌توان روی آن درخت حدود ۱۰ خوشه نگهداری کرد و باقی را می‌باید حذف نمود. در سه الی چهار سال اول باردهی، نبایستی از درخت میوه برداشت کرد و چنانچه روی درخت خرما، خوشه میوه‌داری بوجود آمد، آنرا باید قطع کرد.

ب: به طریق کم کردن دانه روی خوشه، که متداولترین طریقه تنگ کردن گاهش دانه‌های روی خوشه است که طی آن یک سوم تا یک دوم میوه‌های هر خوشه کم می‌شود. و زمان تنگ کردن هنگام کرده افشانی است (به نقل از مجله مزرعه شماره ۱ - عبدالرحمن - زرگران).

# معرفی کتب چاپی

## جغرافیائی دوران قاجار

قسمت چهارم

جواد - صفی نژاد

### نجم الملك عبدالغفار

جمله این کتاب جغرافیا است که آن را نیز بر دو جزء قسمت نمود: جزء اول را در دو باب به عنوان کلیات و به طریق اجمال بیان نمود به طوری که بر هر فردی از افراد متعلمین مدرسه مبارکه و بر هر کس که طالب تحصیل باشد لازم است که نزد دانائی بیاموزد و چون فارغ گشت مناسب چنان دید که به این اجمال قناعت نکند و چنین علم مفید شریفی را به حالت نقصان باقی نگذارد لهذا در این جزء ثانی به عنوان باب سیمی شرح احوال ممالک را به طریق تفصیل بیان می‌کنم نه به اطناب محل و ..... ۲

\*

(باب اول و دوم قبلاً در کتاب اصول علم جغرافی معرفی شده است).

باب سیم: در تفصیل احوال ممالک صفحه زمین به عنوان جغرافی خاص: ص ۲۹۱ - ۳۲۴

فصل اول: در تفصیل ممالک اروپا ص ۲۹۱

شعبه اول: در احوال جزایر بریتانی (تفصیل طبیعی).

فقره اول: در حدود و وسعت و وضع سرحدات ص ۲۹۱

فقره دوم: در احوال جبال و مجاری آبها ص ۲۹۵

فقره سوم: در جبال و نهرها و دریاچه‌های ایرلند ص ۲۹۹

بیانات سیاسی فقره اول: ص ۳۰۱

در تقسیمات ولایتی و بلاد معروف مملکت انگلیس ص ۳۰۲

در شماره دوم مجله "رشد آموزش جغرافیا" اطلاعاتی از کتب جغرافیائی عبدالغفار بدست داده و به معرفی سه کتاب از کتب جغرافیائی نامبرده پرداختم که یکی از آنها "اصول علم - جغرافی" بود، اینک معرفی "فروع علم جغرافی" عبدالغفار:

\*

فروع علم جغرافی:

طبیعی و سیاسی، خشتی، (۱۷ سطری)، خط نسخ، چاپ سنگی، طهران، ۱۳۰۱ ق، ۲۲۰ ص.

صفحات کتاب به دنبال صفحات کتاب اصول علم جغرافی بطور مسلسل ادامه یافته و از ص ۲۸۹ آغاز و به ۵۰۸ خاتمه می‌یابد ولی در واقع صفحه پایانی کتاب بایستی ۶۰۸ باشد زیرا به هنگام صفحه گذاری اشتباهی رخ داده و پس از ص ۴۶۴ صفحه ۳۶۵ نوشته شده و شماره گذاری صفحات تا پایان ادامه یافته است.

\*

عبدالغفار در مورد این کتاب می‌نویسد:

... چون هر علم را اصولی است و فروعی، اصول را ناچار باید از استاد آموخت و فروع را به مطالعه و مرور گذرانید تا مدت تحصیل یک دوره علوم متعلقه به هرفنی چندان به طول نیانجامد، حقیر عبدالغفار هر علم را که درس گفته و کتابی در آن تألیف نموده به همین نهج پیشرفته، مثل حساب و هندسه و غیره، از آن

۳۳۱	شعبه سوم : تفصیل طبیعی هلند ( « بی با » یا « ندرلند » )	ص
۳۳۵	تفصیل دولتی :	ص
۳۴۰	جغرافیای تاریخی :	ص
۳۴۲	شعبه چهارم : لوکزامبورک :	ص
۳۴۳	شعبه پنجم : دانمارک :	ص
۳۴۹	شعبه ششم : اسکاندیناویا ( سوئد و نروژ ) :	ص
۳۶۱	شعبه هفتم : روسیه اروپا :	ص
۳۹۹	شعبه هشتم : در احوال مملکت استرهنگروا ( اتریش - و هنگری )	ص
۴۱۴	شعبه نهم : در احوال مملکت آلمانی :	ص
۴۴۵	شعبه دهم : در احوال مملکت سویس :	ص
۴۵۵	شعبه یازدهم : در احوال مملکت فرانسه :	ص

# فدوع علی جفردی

طبیعی سیاست

تخریق حقیقہ

ابن المرخوم الفاضل

التجیر علی محمد

# عبد الغفار

طهران

فصل ۱۳۰

اصول

# علی جفردی

طبیعی سیاست

تخریق حقیقہ

ابن المرخوم الفاضل

التجیر علی محمد

# عبد الغفار

طهران

فصل ۱۳۹

۳۱۰	ص	در احوال ملک گال
۳۱۲	ص	در احوال ملک اوس
۳۱۴	ص	در احوال ملک ایرلند
۳۱۶	ص	در احوال راهبا
۳۱۷	ص	در وضع حکومت و مذهب و طوایف و اخلاق السنه - جزایر بریتانی
۳۲۰	ص	متصرفات خارج جزایر بریتانی
۳۲۱	ص	در جغرافیای تاریخی
۳۲۴	ص	شعبه دوم : در احوال بلجیک ، تفصیل طبیعی :
۳۲۶	ص	تفصیل دولتی :
۳۳۰	ص	جغرافیای تاریخی :

شعبه دوازدهم: در احوال مملکت اسپانی: ص (۳۸۹+۱۰۰) ۴۸۹  
 شعبه سیزدهم: در احوال پرتغال: ص (۴۰۹+۱۰۰) ۵۰۹  
 شعبه چهاردهم: در احوال مملکت ایتالی: ص (۴۱۷+۱۰۰) ۵۱۷  
 شعبه پانزدهم: در احوال عثمانی اروپا: ص (۴۵۹+۱۰۰) ۵۵۹  
 شعبه شانزدهم: در احوال ملک یونان: ص (۴۹۲+۱۰۰) ۵۹۲

\*

کتاب به صفحه  $۵۰۸+۱۰۰ = ۶۰۸$  پایان می پذیرد، این موضوع قطعی است که کتاب فروع علم جغرافی دارای جلد دیگری نیز هست زیرا در صفحه پایانی کتاب عبدالغفار چنین می نویسد:

« جغرافی تفصیلی اروپا اینجا به آخر رسید و حالا شروع می کنیم به فصل دوم در جغرافی تفصیلی آسیا ». حرف ربطیه پایان صفحه مذکور صحت آنرا تأیید می نماید ولی نگارنده تا بحال از رویت آن محروم بوده است.

\*\*\*

در دوران قاجاریه به فراگیری علم جغرافیا در سالهای ابتدائی نیز اهمیت می دادند و به ابزار کار درس مربوط که نقشه و کره جغرافیائی باشد توجه داشتند مثلاً:

کتاب « تعلیم الاطفال » در مجلد دوم خود که مخصوص دانش آموزان سال دوم ابتدائی است تصویری در این مورد به چاپ رسانیده که در بالای آن چنین می خوانیم:

« تصویر حسن خان که درس جغرافی می خواند ». کتاب مذکور جهت تشویق کودکان به فراگیری جغرافیا در مورد « امتحان حسن خان در علم جغرافیا » چنین نوشته است: ( تلخیص شده ):

« ... حسن خان شب و روز مشغول درس خواندن و مشق کردن است، در پیش معلم خود نشسته، درس جغرافی می خواند. بعد از اینکه حسن خان مطالب جغرافیا را خوب یاد گرفت و از روی نقشه شناخت، معلم او را در حضور تمام رؤسای مدرسه امتحان می کند وقتی همه چیز را حسن خان از روی نقشه نشان می دهد تعجب و تحسین زیاد نسبت به حسن خان می کنند و رئیس کل یک جلد کتاب جغرافیای « میرزا موسی خان<sup>۳</sup> » که نقشه های خوب و متعدد دارد به او می بخشد و حسن خان کتاب را در کمال ادب می گیرد و تشکر می کند<sup>۴</sup> ».

### یادداشتها

- ۱- سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۶۴، ص ۳۰.
  - ۲- فروع علم جغرافی، ص ۲۹۰.
  - ۳- جغرافیای میرزا موسی خان در شماره دوم همین مجله معرفی شده است.
  - ۴- تعلیم الاطفال، نوشته محمود مفتاح الملک وزیر دارالشورای کبری، ۱۳۲۴ق. سنگی، جیبی، نستعلیق، تحریر حاجی محمد رضای - سلطان الکتاب لشکر نویسن محلاتی، ۱۱۰ ص، چاپ دارالخلافه تهران، به اهتمام آقا میرزا حسن و میرزا عباس خان، تلخیص شده از میحت جغرافیا، ص ۳۹-۵۹.
- مفتاح الملک کتب دیگری نیز برای دانش آموزان نوشته است:  
 مشنوی الاطفال، ۱۳۰۹ق.، تعلیم الاطفال مجلد اول ۱۳۱۶ق.  
 خلاصه التواریخ ۱۳۲۵ق و .....







### صدیقه سلطانی فر

توضیح اینکه: خصوصیات نسخه شناسی ذکر شده در کتابها براساس نسخه موجود در کتابخانه ملی ایران می باشد.

### جغرافیای قفقازیه

مترجم: ماردروس داود خانف (ترجمه از روسی) معلم زبان روسی در دارالفنون.

زمان ترجمه: جمادی الاول ۱۲۷۸ هـ. ق. = (اوت ۱۸۷۰ م.).  
 خصوصیات کتابشناسی: جغرافیای قفقاز، گرجستان و شهرتفلیس و تاریخ مختصر و بهداشت نواحی مذکور، این کتاب ترجمه‌ای از «آلماناک» مربوط به قفقاز است.

خصوصیات نسخه شناسی: (خط) نستعلیق خوش، سه قطعه عکس الحاقی، یک جدول راجع به زمان حرکت کشتی‌ها، جلد چرمی بنفش با جدول زر ضربی مقوایی، کاغذ فرنگی سفید. ۲۹۲ برگ، ۱۴ سطر.

موجود در: تهران، کتابخانه ملی ایران.

مقصد اول در بیان ممالک اروپا، مقصد دوم در ممالک آسیا، مقصد سوم در ممالک آفریقا، مقصد چهارم در ممالک آمریکا، مقصد پنجم در آستانی = (اوقیانوسیه) و از نخستین کتب جغرافیائی جدید است که به امر میرزا تقی خان امیرکبیر ترجمه و تصحیح شده است.

خصوصیات نسخه شناسی: (خط) نستعلیق خوش و نسخ تاریخ تحریر: ۱۸ ذیحجه ۱۲۷۳ ق. تحریر رضا قلی تاریخ نویس، جلد تیماج نقاشی شده، کاغذ فرنگی فسفتی، ۳۲۶ برگ ۱۷ سطر کامل.

موجود در: تهران، کتابخانه ملی ایران، مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، تهران، کتابخانه مجلس.

### بستان السیاحه

مؤلف: حاجی زین العابدین شیروانی.  
 زمان تألیف: پنجشنبه ۲۷ شوال ۱۲۴۷ ق.  
 خصوصیات کتابشناسی: مؤلف پس از مقدمه‌ای و ذکر سفرهای خود به جغرافیای بلدان و خاورمیانه می‌پردازد و در ضمن آن متذکر حالات صوفیانی چند میگردد و اشاره‌ای نیز به مباحث

### جهان‌نما

مترجم: موسی ژان داود خان.  
 مصحح: محمد حسین فراهانی.  
 زمان تألیف: اواسط قرن سیزدهم ق.  
 خصوصیات کتابشناسی: این کتاب در علم جغرافی جدید و حاوی پنج مقصد است بدین قرار:

عرفانی می‌کند و در پایان پس از اینکه از اسماء شهرها و وضع جغرافیای آنها فارغ می‌شود، فرهنگ لغتی ترتیب می‌دهد. خصوصیات نسخه شناسی: (خط) نستعلیق. تاریخ تحریر: چهارشنبه بیست و نهم ذی القعدة ۱۲۴۹ ق. تحریر احمد بن محمد علی الشیرازی. جلد تیماج بنفش مقوایی، کاغذ فرنگی، ۳۵۱ برگ، ۲۳ سطر کامل. موجود در: تهران؛ کتابخانه ملی ایران. مشهد، کتابخانه عمومی.

## نزهة القلوب

مؤلف: حمدالله مستوفی (ابی بکر حمدالله بن نصر مستوفی) زمان تألیف: قرن نهم ق. خصوصیات کتابشناسی: مستوفی در این کتاب بعد از لغت خدا و رسول علت این تألیف و سبب تسمیه آن را ذکر می‌کند، سپس فهرست ابواب کتاب را و در آخر به مواد مندرج در فهرست که درباره وضع جغرافیائی شهرها و فواصل بین آنها است می‌پردازد. خصوصیات نسخه شناسی: (خط) نستعلیق. تاریخ تحریر: "محتلا" قرن یازدهم ق. جلد تیماج قرمز لولادار، ضربی مقوایی، کاغذ فرنگی فستقی، ۳۲۷ برگ، ۱۹ سطر کامل. موجود در: تهران، کتابخانه ملی ایران، کتابخانه مدرسه - عالی مطهری، کتابخانه مجلس، قم، کتابخانه مدرسه فیضیه - اصفهان، کتابخانه عمومی تبریز، کتابخانه تربیت - مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی. این کتاب به کوشش محمد دبیرسیاقی در انتشارات طهوری چاپ شده است.

## رموزالسیاحه

مؤلف: نجفقلی بن حسینعلی میرزا شهیر به فرمانفرما بن فتحعلی شاه قاجار. زمان تألیف: ۱۲۵۶ ق. خصوصیات کتابشناسی: نویسنده که از احفاد فتحعلی شاه بوده می‌گوید: نواب نایب الایاله رضا قلی میرزا و نواب حسام الدوله تیمور میرزا پس از فوت فتحعلی شاه در سال ۱۲۵۱ ق. از عراق با کاروان دمشق و شام و حجاج بیت الله هم سفر شده، به قصد دیدار این کشورها و ممالک فرنگ حرکت کردند و به بنده نیز فرمودند که حوادث سفر و حرکت را بنگارم. من در ضمن سفر علاوه بر مشاهدات خود آنچه از تاریخ و سیر این کشورها و کشورهای دیگر دیدم به رشته تحریر درآوردم و کتاب حاضر را فراهم کردم. این کتاب از شهرهای ایران، عراق،

دمشق، شام، مصر، انگلستان و برخی از کشورهای فرنگ مطالب جغرافیائی زیادی می‌آورد و در حقیقت کتاب جغرافیای نسبتاً کاملی می‌باشد.

خصوصیات نسخه شناسی: (خط) نستعلیق. زمان تحریر: جمعه ۱۴ ذی القعدة ۱۲۵۶ ق. تحریر عبد - السمیع بن محمد علی یزدی، جلد تیماج بنفش، مقوایی، کاغذ فرنگی، ۱۷۴ برگ، ۲۲ سطر کامل. موجود در: تهران، کتابخانه ملی ایران، کتابخانه مجلس، کتابخانه دانشکده الهیات.

## جغرافیای قدیم و جدید طالقان

مؤلف: محمد حسن خان صنیع الدوله (محمد حسن مقدم - مراغهای ملقب به صنیع الدوله و اعتماد السلطنه). زمان تألیف: قرن سیزدهم ق. خصوصیات کتابشناسی: مؤلف ابتدا از طالقان نام می‌برد و سپس از کتب ممالک و مسالک مختلفی که از آن یاد شده آغاز سخن می‌کند و بعد به جغرافیای طالقان می‌پردازد و اسامی قراء آن را ذکر می‌کند و سرانجام بزرگانی که از آنجا برخاسته‌اند نام می‌برد. خصوصیات نسخه شناسی: (خط) نسخ خوش. تاریخ تحریر: قرن سیزدهم ق. جلد تیماج قرمز مقوایی، کاغذ فرنگی، ۵۴ برگ، ۱۰ سطر کامل. موجود در: تهران، کتابخانه ملی ایران. این کتاب در مؤسسه مطالعات و تحقیقات آسیائی دانشکده ادبیات چاپ شده است.

## جغرافیا و اسامی منازل افانستان

مترجم: سید حسین شیوازی. زمان ترجمه: ظاهراً ۱۳۰۳ ق. خصوصیات کتابشناسی: این کتابی است بر شرح منازل بین شهرهای مهم افغانستان و شهرهای هندوستان غربی (پاکستان و قسمتی از هندوستان کنونی) و طوائف مقیم افغانستان در قرن سیزدهم و چهاردهم ق. خصوصیات نسخه شناسی: (خط) نستعلیق خوش. تاریخ تحریر: ۱۳۰۳ ق. تحریر محمد صادق توپسرکانی کاغذ فرنگی آبی، ۲۱ برگ، ۱۵ سطر کامل. موجود در: تهران کتابخانه ملی ایران.

# نهیضت اسلامی در فطانی الگوی شگفت انگیز در مبارزه علیه اشغالگران تایلندی

مترجم: علی چراغی

## موقعیت جغرافیایی فطانی

فطانی سرزمینی است در جنوب شرقی آسیا که از شمال به تایلند، از جنوب به مالزی، از مغرب به اقیانوس هند و از مشرق به دریای چین محدود می‌گردد.

جمعیتی در حدود شش میلیون نفر دارد که در سرزمینی به وسعت ۵۰ هزار میل مربع، که شامل ۱۲ منطقه است، زندگی می‌کنند. از این تعداد تقریباً "چهار میلیون نفر در شهرهای فطانی، جالی، بنغانها، وستول و سنکورا به سر می‌برند و بقیه در مناطق دیگر پراکنده‌اند.

به رغم اینکه دین رسمی این منطقه از طرف تایلندیها بودایی اعلام شده است، مردم همچنان به دین اسلام پایبندند.

کار بیشتر مردم کشاورزی است و عده‌ای نیز به صنایع دستی و تجارت اشتغال دارند. بی‌سوادی در میان مردم بسیار وسیع است و اشغالگران تایلندی نیز تا می‌توانند به این پدیده شوم دامن می‌زنند تا بتوانند از طریق بی‌سوادی نگاه داشتن مردم استثمار خود را ادامه دهند.

هیچ مدرسه عالی و یا دانشگاهی در فطانی وجود ندارد. زیرا تایلندیها اجازه تأسیس چنین مراکزی را نمی‌دهند. شمار مدارس ابتدائی و متوسطه بسیار اندک است، ولی با این همه استعمارگران به شدت از فرهنگ اسلامی که در اعماق وجود مردم فطانی ریشه دارد، هراسناک‌اند، به همین دلیل دین بودایی و زبان تایلندی را در منطقه اجباری اعلام کرده‌اند.

مهمترین عاملی که سبب گردید تایلندیها این سرزمین را اشغال

کنند، امکانات زراعی و موقعیت جغرافیایی آن از نظر تجارت بین‌المللی است. فطانی در صدور میوه و سبزیجات در جهان مرتبه ششم را دارا است، مضافاً بر اینکه مقدار متناسبی چوب، موز، نمک و ماهی صادر می‌کنند که البته تمام این درآمدها به جیب اشغالگران واریزی می‌شود و صاحبان اصلی ثروت از آن محروم‌اند.

## فطانی در تاریخ

بقایای کاخهای سلطنتی که به سبک معماری اسلامی ساخته شده‌اند نشان می‌دهند که این سرزمین از نظر تاریخی چه سوابقی دارد. هر چند اشغالگران از چهار قرن پیش تا کنون تا توانسته‌اند این آثار را نابود کرده‌اند، از نظر تاریخی فطانی جزئی از سرزمین مالایا بشمار می‌رود و مالایا، به سبب موقعیت جغرافیایی خود، از ده قرن پیش که اسلام در آن رونق یافت به مرکز تجارتی مهمی بین شرق و غرب تبدیل شد. به سبب همین رونق اقتصادی بود که در سال ۱۵۱۱ میلادی بوسیله پرتغالیها و تایلندیها مورد هجوم قرار گرفت و در حالی که پرتغالیها به مالزی حمله کرده بودند، تایلندیها به سرزمین فطانی هجوم بردند.

مردم فطانی در مقابل این تجاوز، شدیداً به مقاومت پرداختند ولی به علت اینکه جاسوسان دشمن قبل از حمله، سلاحهای آنان را از کار انداخته بودند کاری از پیش نبردند و فطانی به اشغال تایلندیها درآمد که این اشغال تا کنون ادامه دارد.

شیوه‌ای که تایلندیها برای حفاظت از این سرزمین به کار برده‌اند همان شیوه اشغالگران صهیونیست است. آنها اصواج عظیمی از تایلندیهای بودایی مذهب را به فطانی مهاجرت و اسکان داده‌اند و با تشکیل گروههایی نظامی از این مهاجرین، کمر به نابودی فرهنگ اسلامی و آثار تاریخی و مساجد مردم فطانی بسته‌اند. اشغالگران با تحمیل زبان تایلندی و دین بودایی به مردم سعی دارند که این سرزمین را الی‌الابد به تایلند ضمیمه کنند.

به علت مقاومت شدید مردم، اشغال کامل فطانی از سال ۱۵۱۱ م. تا سال ۱۷۸۶ به طول انجامید و تا به امروز هیچگاه این مردم دست از مبارزه آزادیخواهانه خود نکشیده‌اند.

در سال ۱۷۸۷، یکی از شاهزادگان فطانی به نام تنکولمیدین اولین نبرد سازمان یافته بعد از اشغال را رهبری کرد و با تصرف منطقه سوتکلا اعلام استقلال نمود. ولی با استمداد حاکم دست نشانده این منطقه از حاکم لکور، این شاهزاده دلاور به شهادت رسید و سپاه او شکست خورد و عده‌ای از افسران ارتش او به اسارت درآمدند و به بانکوک منتقل شدند.

پس از این واقعه، یکی از سرسپردگان بومی که قبلاً "در پست وزیر درباری خدمت کرده بود و داتوفنکالاف نام داشت از طرف پادشاه تایلند به حکومت فطانی منصوب گردید. وی پس از مدتی

به علت انگیزه‌های مذهبی از خوش خدمتی به اشغالگران پشیمان شد و ضمن شورش مسلحانه، اعلام استقلال کرد. این قیام به سال ۱۸۵۸ سرکوب شد و با سرکوبی این حرکت، تمام مناصب اداری از دست بومیان خارج گردید و به تایلندیها سپرده شد.

در سال ۱۹۰۲، انقلابی به رهبری شاهزاده تنکو عبدالقادر در فطانی به وقوع پیوست ولی بخت با او یاری نکرد و بوسیله دشمن اسیر شد و به بانکوک منتقل گردید. در آنجا با اعمال شکنجه‌های بسیار از وی خواستند تا سندی را امضاء کند که به موجب آن مردم فطانی هیچ حقی در سرزمین خود نداشتند. سرسختی این شاهزاده در امتناع از امضای چنین سندی باعث گردید که سالها در زندان تایلندیها بماند.

با آغاز قرن بیستم، انگلستان به فکر افتاد که از سفره‌ای که در فطانی گسترده است، سهمی داشته باشد، بنابراین با نزدیک شدن به دولت تایلند موافقت نامه‌ای با آن دولت امضاء کرد که براساس آن انگلستان ضمن به رسمیت شناختن تسلط تایلند بر فطانی، اجازه یافت که با انعقاد چند پیمان نامه و قراردادهای همکاری از این سرزمین بهره‌مند شود و بدین طریق چند منطقه از فطانی تحت حمایت بریتانیا درآمد.

این مسئله کافی بود که آتش‌زیر خاکستر دوباره شعله ور شود و مردم سر به طغیان بردارند. این بار مبارزه به صورت امتناع از پرداخت مالیات و اجاره دادن املاک درآمد که با سرکوب وحشیانه تایلندیها مواجه گردید و بسیاری از رهبران نهضت به زندان افتادند و یا زیر شکنجه به شهادت رسیدند. عده‌ای نیز جلائی وطن کرده و به خارج گریختند.

## استمرار مقاومت

پس از این اتفاقات، مردم فطانی مجدداً در سال ۱۹۳۲ بر علیه پادشاه دست نشانده تایلندیها قیام کردند و توانستند سیستم حکومت را به نظام پارلمانی تبدیل کنند. آنها در مقابل دست کشیدن از مبارزه، خواسته‌های خود را به حکومت تایلند تسلیم کردند. این خواسته‌ها عبارت بودند از:

۱- اتحاد مناطق فطانی، جالا، بنجناد و ارستول، مشروط بر اینکه حکومت آن به یکی از مسلمانان بومی واگذار شود.

۲- زبان محلی در مدارس ابتدائی تدریس شود و زبانهای مالای و تایلندی هر دو رسمیت داشته باشند.

۳- ۸۰٪ از درآمد فطانی صرف عمران و آبادانی منطقه شود.

۴- بیشتر کارکنان کادر اداری از مسلمانان بومی تأمین گردد، و خواسته‌های دیگر . . . . .

ولی هیچیک از این خواسته‌ها جامه عمل نپوشید و مخصوصاً در عهد سلطنت لوگ فیتول سوآکرام سلطه تایلندیها شدت بیشتری یافت تا اینکه در سال ۱۹۳۸ زبان تایلندی و مذهب

بودایی رسماً به مردم مسلمان فطانی تحمیل شد و اجرای مراسم مذهبی و تکلم به زبان محلی به کلی ممنوع و فقط نامهای تایلندی مورد پذیرش ادارات واقع گردید و مبارزه با ظواهر اسلامی از جمله مساجد به شدت رواج یافت.

برای ریشه کن کردن اسلام، تمام مساجد و مدارس اسلامی تعطیل شد و مردم مسلمان به زور سرنیزه برای عبادت به معابد بودایی برده شدند. حکومت تایلند برای سرعت بخشیدن به اسلام زدایی، در سال ۱۹۴۵، اقدام به تأسیس انجمنی به نام "انجمن فرهنگی، علمی و سیاسی" کرد.

عکس العمل مردم فطانی در برابر این همه ستم تشکیل گروههای مقاومت بود. ولی با نفوذ جاسوسان تایلند در این گروهها و ایجاد تفرقه بین آنها، تا مدتی مانع از فعالیت مؤثر آنها گردیدند. اما پس از چندی این گروهها به اهمیت وحدت پی برده و همگی تحت نام سازمان آزادی بخش فطانی متحد گشتند این گروهها دریافتند که برای رسیدن به پیروزی، دو عامل مهم لازم است. اول وحدت، دوم سازماندهی و برنامه ریزی صحیح. همچنین دریافتند که هدف اصلی دشمن نابودی اسلام در منطقه است. از این رو این سازمان که با نام اختصاری BURO اعلام موجودیت کرده بود، کار خود را بر دو محور اساسی تنظیم کرد:

- ۱- دفاع از اسلام.
- ۲- نبرد تا آزادی تمام سرزمین فطانی.

مبارزات BURO از بدو تأسیس تا کنون بسیار ثمر بخش و درخشان بوده است. این سازمان توانسته است مقداری از سرزمین خود را آزاد کند و به آموزش جوانان داوطلب روستایی که به حمایت از آنان برخاسته‌اند، بپردازد و از این طریق دارای ارتشی قوی با پشتوانه مردمی گردد. در ضمن توانسته است بسیاری از مشکلات مردم محروم را رفع کند.

با این همه کمتر مسلمانی وجود دارد که با مبارزات این مردم قهرمان و این مسلمانان مبارز آشنائی داشته باشد و این گناه رسانه‌های گروهی جهان و کشورهای مسلمان است که تا به امروز در رابطه با ستمهایی که بر این ملت مظلوم و مبارز شده مهر سکوت بر لب زده‌اند.

## یادداشتها

۱- ترجمه از مجله العالم، شماره (۳)، ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۴.

## مقالات جغرافیائی از مجلات جغرافیائی جهان

در هر شماره از نشریه رشد آموزش جغرافیا ،  
فشرده‌یی از مقالات معتبرترین مجلات  
جغرافیایی جهان درج می‌شود . کوشش ما بر  
این است که در این بخش از نشریه ، آخرین  
اطلاعات و تحقیقات جغرافیایی را به اطلاع  
علاقه مندان برسد .

تهیه و تنظیم از : دکتر حسین شکوئی



### برندگان مدالهای جغرافیائی: (۱)

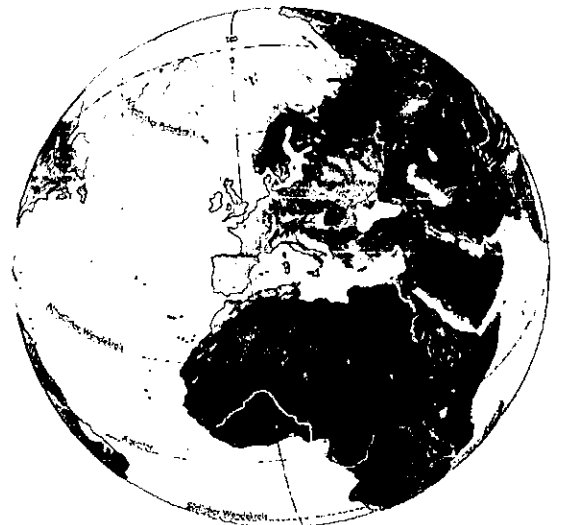
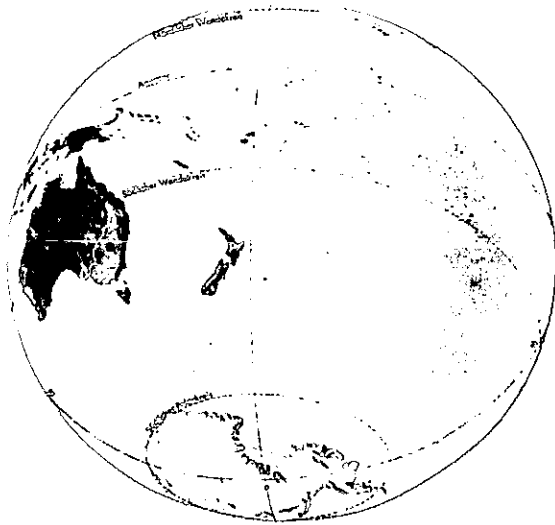
امسال مدالهای جغرافیائی انجمن جغرافیائی آمریکا ، که از  
معتبرترین مدالهای جغرافیائی در محافل علمی و دانشگاهی جهان  
شناخته می‌شود به چهار تن از برجسته‌ترین و پرتلاش‌ترین جغرافیای  
دانان تعلق گرفت . این مدالها ، طی یک مراسم بزرگ علمی که در  
شهر نیویورک برگزار گردید به پروفسور چنسی هریس (۲) از  
دانشگاه شیکاگو ، پروفسور ژاکلین بوژه گارنیه (۳) از دانشگاه  
پاریس ( سوربن ) ، پروفسور ولفگانگ مک لین (۴) از دانشگاه  
اشتوتگارت و پروفسور جمز پارسونز (۵) از دانشگاه بنرکلی  
( کالیفرنیا ) اهدا گردید .

از این رو لازم دیدیم که در اینجا به بخشی از تلاشهای علمی  
این بزرگان جغرافیا اشاره کنیم :

۱- چنسی هریس : این محقق در زمینه جغرافیای شهری و  
مطالعات مربوط به اتحاد شوروی از صاحب نظران معروف دانشگاههای  
آمریکا است . نظریه‌های او در جغرافیای شهری در همه کتابها و

مقالات جغرافیائی جای ویژه‌ای دارد و از این نظر ، در سراسر دنیا ،  
محققین همه کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد . مطالعات  
چنسی هریس ، در مورد جغرافیای شهری شوروی و جغرافیای  
اقتصادی شوروی در همه رشته‌های علمی و دانشگاهی به عنوان یک  
مرجع معتبر علمی شناخته می‌شود . بدینسان که این دانشمند با  
آشنائی کامل به زبان روسی در نقش یک زبان شناس معروف و  
با تحقیقات جغرافیائی در مورد شوروی به عنوان یک دیپلمات  
برجسته شناخته می‌شود . مقالات ، کتابها ، تحقیقات و سخنرانیهای  
هریس بقدری زیاد است که مجلات جغرافیائی غالباً " عنوان  
" از شمارش بیرون است " را در مورد او بکار می‌برند .

۲- ژاکلین بوژه گارنیه : بوژه گارنیه در مکتب جغرافیای سنتی  
فرانسه پرورش یافته است ، اما تحقیقات جغرافیائی او در زمینه  
شهرنشینی ، رشد جمعیت ، به ویژه در مورد رفاه اجتماعی که بیشتر  
از موازین جغرافیای جدید تبعیت می‌کند اعتبار علمی شایسته‌ای



کار او می‌تواند در بسیاری از شاخه‌های علم جغرافیا به ویژه در مناطق جغرافیایی به عنوان یک روش اصیل جغرافیایی بکار گرفته شود. تا بدان حد که در مطالعات اکولوژی ناحیه‌ای نیز به صورت یک مرجع علمی پذیرفته گردد. پارسونز، فعالیت‌های اقتصادی توده‌های انسانی را در تفکرات و بینش‌های فرهنگی آنها جستجو می‌کند و به جغرافیای فرهنگی و تفکرات جغرافیایی بعد تازه‌ای می‌بخشد.

### آخرین اطلاعات در مورد جمعیت و کیفیت زندگی (۶)

چند ماه پیش، کتابی با همکاری بخش جمعیت شناسی سازمان ملل در ۱۳۵ صفحه منتشر گردید که حاصل تحقیقات ارائه شده در کنگره جهانی جمعیت در مکزیکوستی بود. نکات عمده این کتاب در زیر می‌آید:

۱- هم اکنون در سیاره زمین در حدود ۴/۸ میلیارد نفر زندگی می‌کنند و همه ساله در حدود ۸۵ میلیون نفر به جمعیت دنیا اضافه می‌شود. این رقم در پایان قرن بیستم به ۹۵ میلیون نفر بالغ خواهد شد.

۲- در مدت ۸ روزی که کنگره جهانی جمعیت در مکزیکوستی ادامه داشت به جمعیت دنیا ۱/۷ میلیون نفر افزوده گشت.

۳- پیش بینی می‌شود که در پایان قرن جمعیت دنیا به ۶/۱ میلیارد نفر برسد.

۴- در میان کشورهای جهان سوم که رشد جمعیت در آنها کاهش یافته است می‌توان از کشورهای چین، کوبا، کستاریکا، مکزیکو، تایلند، جمهوری کره، سریلانکا، سنگاپور، باربادوس و فی‌جی نام برد.

آهنگ رشد جمعیت در کشور کنیا، بیش از سایر کشورهای جهان سوم است. برای کشوری که تنها  $\frac{1}{5}$  زمینهای آن حاصلخیز

برای او فراهم آورده است.

پاره‌ای از مطالعات این محقق با تأکید به مسائل امروزی انسان، به تلاش‌های علمی او ابعاد جهانی بخشیده است. حاصل فعالیت‌های علمی بوزه گارنیه عبارت است از انتشار یک سری کتابهای جغرافیایی در سطوح دانشگاهی، انواع اطلسها و مونوگرافها که در ۴۵ سال گذشته به تدریج منتشر شده است. این دانشمند اولین زنی است که به اخذ درجه دکتری دتا در جغرافیا موفق شده و در همان حال اولین زنی است که به استادی جغرافیا در دانشگاه سوربن برگزیده شده است.

۳- **ولفگانگ مک لین**: این محقق برجسته جغرافیا، بیشتر تحقیقات خود را در صحاری به ویژه در صحرای بزرگ آفریقای شمالی انجام داده است، و در مطالعاتش تنها طبیعت بی‌جان را بررسی نمی‌کند بلکه جغرافیای طبیعی، اقلیم، جغرافیای سکونت و جغرافیای اقتصادی مناطق خشک و نیمه خشک را در یک کلیت جغرافیایی می‌نگرد. او کیفیت و روشهای استفاده انسان از مناطق خشک و نیمه خشک را در جهت مطلوبیت بخشیدن به زندگی با تفسیرهای علمی نشان می‌دهد، امری که امروزه جغرافیای کاربردی از دانش جغرافیا می‌طلبد.

۴- **جمز پارسونز**: تحقیقات پارسونز در زمینه نحوه بهره برداری انسان از سیاره زمین یعنی بیشتر در محور جغرافیای فرهنگی (انسانی) است.

مطالعات عمیق پارسونز از مناطق مختلف سیاره زمین که منطقه مداری و عرض‌های پائین جغرافیایی را نیز شامل می‌شود به روش شناسی در جغرافیای فرهنگی اعتبار علمی بخشیده و برای این شاخه جغرافیا، اصول و قوانین پردوامی تدارک دیده است. در همه نوشته‌های پارسونز، اصل روابط انسان - زمین مورد تأکید قرار می‌گیرد. از این رو، به نظر عده‌ای از جغرافی دانان، روش

می‌باشد بیشتر خانواده‌ها بطور متوسط دو برابر خانواده‌های جهان سوم، کودک دنیا می‌آورند.

۵- هم‌اکنون مدت انتظار عمر در کشورهای توسعه یافته، بطور متوسط ۷۳ سال و در کشورهای در حال توسعه - عقب نگه‌داشته شده، ۵۷ سال می‌باشد. متأسفانه ابعاد خانواده‌ها در کشورهای در حال توسعه وسعت می‌گیرد و این امر ممکن است از سهم رفاه اجتماعی و حداقل نیازهای اعضای خانواده‌ها بکاهد، انتظار عمر را کاهش دهد و بخش بزرگی از خانواده‌های کشورهای در حال توسعه را به فقر مطلق بکشد.

۶- در کشورهای در حال توسعه، همواره میان توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی - فرهنگی و رفاه اجتماعی با میزان جمعیت رابطه مستقیمی وجود دارد. لازم است که برنامه ریزان، بیش از هر عامل دیگر، به مسئله جمعیت توجه کنند. یعنی برنامه ریزی یکپارچه مورد نظر باشد.

۷- در آینده، شهرنشینی با شتاب امروزی ادامه می‌یابد و در پایان این قرن در حدود ۳ میلیارد نفر یا ۴۸٪ مردم دنیا در شهرها به ویژه در شهرهای بزرگ زندگی خواهند کرد. منطقی است که در استراتژی یکپارچه توسعه شهری - روستایی، روی سیاستهای جمعیتی تأکید بیشتری می‌شود.

۸- در سال ۱۹۵۰، در قاره آفریقا، حدود ۲۱۹ میلیون نفر زندگی می‌کردند هم‌اکنون در این قاره ۵۴۰ میلیون نفر زندگی می‌کنند. زمینهای زیرکشت اضافه می‌شود اما مناطق جنگلی وسعت خود را از دست می‌دهد. از وسعت جنگلهای بارانی در آفریقای غربی، سالانه ۵/۲٪ کاسته می‌شود. از وسعت علفزارها نیز به سبب پیشروی صحاری کاسته می‌گردد.

در پاره‌ای از نقاط موریتانی که در حاشیه صحرا قرار گرفته است، مردم صبحها، بعد از بیدار شدن از خواب، اولین کارشان، جارو کردن شنهای مقابل منزلشان و تمیز کردن کوزه‌ها و خیابانها از شنهای روان است. پیشروی صحرا، در اغلب نقاط قاره آفریقا، از سنگال تا موریتانی و سودان را مورد حمله قرار داده است. پروفوسور لئوناردبری استاد جغرافیا در دانشگاه کلارک آمریکا، با بکارگیری شاخصهای فرسایش خاک و از میان رفتن پوشش گیاهی به این نتیجه می‌رسد که محیط زیست طبیعی آفریقا به شدت آسیب پذیر گشته است. مثل این است که جامعه بشری در لبه یک فاجعه عظیم قرار گرفته است. چه باید کرد؟ آیا می‌توان با شرایط سیاسی - اقتصادی حاکم بر آفریقا، از فرسایش شدید خاک، نابودی جنگلهای و علفزارها جلوگیری کرد و یا در برابر شرایط اقلیمی ایستادگی کرد و به مقابله خشکسالیها شتافت.

۹- هند، به درجه خود کفائی دست یافته است و هم‌اکنون در حدود ۷۵۰ میلیون نفر جمعیت دارد. جمعیت هند از زمان استقلال دو برابر گشته است. پیشوایان و محققین هندی می‌گویند

اگر ما نصف این عده جمعیت می‌داشتیم کشور بسیار خوشبختی بودیم.

۱۰- در قاره آفریقا، مردم مهاجرت می‌کنند و از زادگاه خویش کنده می‌شوند زیرا عامل خشکسالی و محصول کم زمین حاکمیت دارد، قحطی و گرسنگی بدنیا می‌آید، مسائل و برخوردهای قبیله‌ای فراوان دیده می‌شود و جنگلهای مرزی هیچوقت قطع نمی‌شود. از این رو، از هر دو پناهنده و آواره در دنیا یکی از آفریقا است.

۱۱- در دنیا، هم‌اکنون در حدود ۱۰۰ میلیون نفر بی مسکن و بی پناهگاه هستند. این عده در زیر پلها، کنار پیاده‌روها و داخل آنگذرها زندگی می‌کنند. محقق می‌گوید در اداکا (بنگلادش) به زن فقیر و بیماری برخورد کردم که روی سنگ فرش خیابان تنها و بی‌کس نشسته بود این زن نه شوهری داشت و نه دارای خانواده بود. سؤال کردم در زندگی چه آرزویی دارد؟ با چشمان خشم - آلود پاسخ داد تنها آرزویم این است که در خیابانی و در کنار پیاده‌رو، به اندازه سنگ فرش خیابان جای دائمی داشته‌ام که برای همیشه مال خودم باشد تا بتوانم روی آن غذا بپزم، غذا بخورم، بنشینم، بخوابم و بالاخره روی این سنگ فرش بمیرم. بدینسان این زن فقیر در جهان ثروتمند ما تنها به یک سنگ فرش کنار پیاده‌رو می‌اندیشید!

۱۲- ما همواره در مورد گروههای انسانی که از گرسنگی در کشورها تلف می‌شوند مطالبی می‌خوانیم اما هیچوقت میان گرسنگی و ساختهای حکومتی رابطه‌ای برقرار نکردیم. فراموشی این مهم گناه نابخشودنی در تحقیقات علمی است. این طرز نگرش به مسئله مرگ انسانها، در نهایت این فاجعه بزرگ قرن بیستم را به صورت فیلمهای رنگی تلویزیونی در می‌آورد و از عمق فاجعه می‌گاهد.

۱۳- در شرایط فعلی، با افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه، تخریب محیط‌زیست با شتاب بیشتری صورت می‌گیرد.

## یادداشتها

- 1- Geographical Review. Vol 75, NO 4, 1985.
- 2- Chauncy D. Harris.
- 3- Jacqueline Beaujeu-Garnier.
- 4- Wolfgang Meckelein.
- 5- James J. Parsons.
- 6- Dick MacDonald. Population, the Planet, And the Press. United Nations Fund for- Population Activities. New York. 1985.

# مقالات و اطلاعات جغرافیائی در نشریات ایران

## اهمیت پژوهشهای جغرافیای طبیعی

دکتر عبدالحمید رجائی . مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴، دوم، سال هجدهم، تابستان ۱۳۶۴، ص ۲۸۷ - ۳۰۰

در حال حاضر، در اغلب ممالک جهان، پژوهشهای جغرافیای طبیعی از اهمیت خاصی برخوردار است و می توان گفت که در اکثر برنامه های عمرانی، نقش اساسی و تعیین کننده ای پیدا کرده است مانند کشورهای: بلژیک (در هدایت سرویس نقشه خاکها)، چین (بررسیهای معادن بر مبنای آگاهیهای ژئومورفولوژیکی و مطالعات محیط طبیعی در برنامه های توسعه و عمران)، اتحاد جماهیر شوروی (تحقیقات جغرافیای طبیعی زیربنای برنامه های عمرانی)، هلند، مجارستان، آلمان، فرانسه و . . . .

پژوهشهای جغرافیای طبیعی و از میان آنها تحقیقات ژئومور - فولوژیکی از آن جهت حائز اهمیت فراوان است که آگاهیهای گران قیمت و زیربنایی مورد لزوم برنامه های عمرانی را فراهم می آورد و در شناخت عوامل متعدد که اثرات قابل ملاحظه ای بر روی فعالیتهای انسانی در زمینه های گوناگون می گذارند کمک فراوان می کند. مثلاً در انتخاب محل مناسب جهت استقرار کارخانجات صنعتی، ایجاد مراکز مسکونی و راههای ارتباطی ناگزیر از شناخت عوامل مورفولوژیکی هستیم.

این شناخت در قلمرو کشاورزی، اصلاح خاکها و آبیاری، تهیه طرحهای توسعه و بهره برداری، حفاظت خاکها در مقابل فرسایش را آسانتر می سازد. در عمرانهای هیدرولیکی با تعیین درجه شدت نیروهای طبیعی اهمیت خود را آشکار می سازد و بالاخره در تحقیقات معدنی و منابع زیرزمینی، مقدمات عمده ای را فراهم

می آورد. بنابراین پژوهشهای جغرافیای طبیعی و بخصوص ژئومور - فولوژی، در عمرانهای روستائی و شهری اهمیت بسزا دارد.

## رویارویی کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته برای تامین مواد غذایی

ضمیمه اقتصادی روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۶۵ برآوردهای سازمان کشاورزی و خواربار وابسته به سازمان ملل متحد (F. A. O) نشان می دهد که در کشورهای در حال توسعه، تعداد افرادی که به طور کامل تغذیه نشده اند از ۴۰۰ میلیون نفر در سالهای ۷۶ - ۱۹۷۴، فزونیتر شده است. طبق برآوردهای حاصله، در همین دوره، ۷۰ میلیون انسان آفریقائی، دچار سوء تغذیه بوده اند. در سال ۱۹۸۰، سازمان وحدت آفریقا، برنامه اصلی خود را بر این اساس قرار داد که برای افزایش تولیدات مواد غذایی در یک دوره پنجساله، معادل ۲۱/۴ میلیارد دلار سرمایه گذاریهای جدید انجام دهد اما تا کنون فقط ۹ میلیارد دلار سرمایه گذاری انجام شده است.

در آسیا نیز وضع وخیم است، تولیدات غذایی هماهنگ با رشد جمعیت افزایش نمی یابد و تقریباً دو سوم مردم این قاره را می توان زیر عنوان (کاملاً فقیر) طبقه بندی کرد. پیش بینی می شود که واردات غلات در ممالک عقب مانده به زودی به یکصد میلیون تن در سال بالغ گردد. در حالیکه این رقم در دهه های گذشته حدود ۳۰ میلیون تن بوده است.

کثرت جمعیت و عدم توسعه بخش کشاورزی، رشد شهرنشینی و زندگی در حلقی آبادهای اطراف شهرهای بزرگ روز به روز از قدرت



تولید کشاورزی ممالک آسیائی کاسته است و در عوض بر خیل مصرف کنندگان و وارد کنندگان مواد غذایی افزوده است .

در این مقاله به نکات عمده‌ای به شرح زیر برخورد می‌کنیم :

الف - ناهماهنگی تولید کشاورزی و رشد جمعیت .

ب - هم اکنون پنج کشور صادر کننده غلات ، ۸۰٪ فروش جهانی را در دست دارند و بقیه صادرات به وسیله کشورهای تأمین می‌شود که مقدار فروش هر یک از آنها از یک درصد رقم کل صادرات تجاوز نمی‌کند .

ج - شرکت‌های فروشنده غلات با اتخاذ سیاست‌های سوء اقتصادی در کوتاه مدت ، قیمت محصولات غذایی را کاهش می‌دهند تا تولید در داخل کشورهای جهان سوم ، صرفه اقتصادی نداشته باشد و آنان واردات را بر تولید در داخل کشور ترجیح دهند .

روند وابستگی روز افزون کشورهای در حال توسعه به واردات مواد غذایی بویژه غلات ، حکایت از آینده‌ای بس خطرناک دارد که در صورت ادامه چنین روندی باید منتظر فجایع بیشتری در رابطه با قحطی و گرسنگی بود .

### تمرکز و عدم تمرکز

مجله جهاد - نشریه جهاد سازندگی ، شماره ۸۳ ، ۱۳۶۴ ، واژه تمرکز را عموماً " ممکن است مترادف تجمع و تراکم جمعیت بکار بگیریم و گاهی به مفهوم تجمع و تراکم سرمایه‌های اقتصادی ، به عبارت ساده ، از تجمع سرمایه‌های اقتصادی در یک نقطه جغرافیائی ، رفته رفته تمرکز نیروی انسانی پدیدار می‌گردد و به همین ترتیب تمرکز و تجمع انسانها است که بر محورهای مختلف اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی ، نظامی ، جغرافیائی و . . . . . منطقه متمرکز را تشکیل می‌دهد .

بنابراین ماهیت تمرکز را در تجمع انسانها و سرمایه‌های اقتصادی در نظر می‌گیریم .

### منافع تمرکز جمعیتی :

۱ - کاهش نرخ هزینه خدماتی . ۲ - ایجاد رفاه اجتماعی سریعتر . ۳ - استفاده مناسب از وسائل ارتباط جمعی . ۴ - ایجاد جریانهای بزرگ سیاسی بر علیه دشمنان داخلی و خارجی . ۵ - ایجاد نیروهای منسجم نظامی . ۶ - بهره‌وری حداکثر از امکانات جغرافیائی .

### منافع اقتصادی :

۱ - سود نسبی بیشتر از منافع انسانی و سرمایه‌ای و صرفه‌جویی در هزینه‌های عملیاتی تولید . ۲ - بکارگیری تکنولوژی پیچیده و مدرن تر و در نتیجه تولید کالای مرغوبتر . ۳ - بهره‌گیری از نیروهای متخصص .

### منافع تمرکز به لحاظ فرهنگی :

۱ - صرفه‌جویی در هزینه‌های آموزشی . ۲ - تسریع حرکت‌های علمی . ۳ - بهره‌گیری مناسب‌تر از امکانات آموزشی .

### منافع تمرکز به لحاظ جغرافیائی :

۱ - استفاده مناسب‌تر از صنایع تولیدی . ۲ - کاهش هزینه‌های عملیاتی در روند تولید ( کاهش هزینه‌های دسترسی به مواد اولیه ) .

### منافع تمرکز به لحاظ سیاسی :

۱ - تشکل نیروهای موافق سیاسی . ۲ - برقراری ارتباط نزدیک و مستقیم با مردم . ۳ - عدم نیاز به پیچیدگی تشکیلات سیاسی در انسجام مردم نسبت به غیر خودی . ۴ - تسهیل در امر بالا بردن آگاهیهای سیاسی .

### منافع تمرکز به لحاظ اجتماعی :

۱ - آسان بودن آموزش عمومی اجتماعی . ۲ - تأمین آسانتر و کم هزینه‌تر رفاه اجتماعی .

### مشکلات ناشی از تمرکز جمعیتی :

۱ - مسکن . ۲ - الزام به وجود سیستم‌های مدرن خدماتی . ۳ - ترافیک . ۴ - اشتغال ناقص . ۵ - آلودگی هوا . ۶ - قرار گرفتن در معرض خطرات هولناک نظامی . ۷ - عدم صرفه‌جویی وقت و ایجاد اوقات تحمیلی زائد انسانها . ۸ - تخصصی ( جزء جزء ) شدن حرفه‌ها و عوارض ناشی از آن . ۹ - استفاده نامناسب از آب و خاک . ۱۰ - نیاز به مصرف بیشتر جهت تأمین نیازهای جدیدتر ناشی از این شیوه .

### مشکلات ناشی از تمرکز اقتصادی ( سرمایه‌ای ) :

۱ - ضایعات کارخانه‌ای . ۲ - تحمیل شیوه خاصی از زندگی برای کارگران . ۳ - تجویز روحیه ماشین زدگی در کارکنان . ۴ - عدم توزیع عادلانه سرمایه انسانی و اقتصادی . ۵ - عقب ماندگی مناطق دیگر .

### مشکلات ناشی از تمرکز جغرافیائی :

۱ - عدم استفاده از منابع آب و خاک در سراسر کشور . ۲ - افزایش ضایعات منابع ، بهره‌وری بیش از حد از این منابع ، فرسودگی منابع . ۳ - عدم تحرک در حل مسائل اجتماعی - اقتصادی مناطق غیر مساعد .

### مشکلات ناشی از تمرکز فرهنگی :

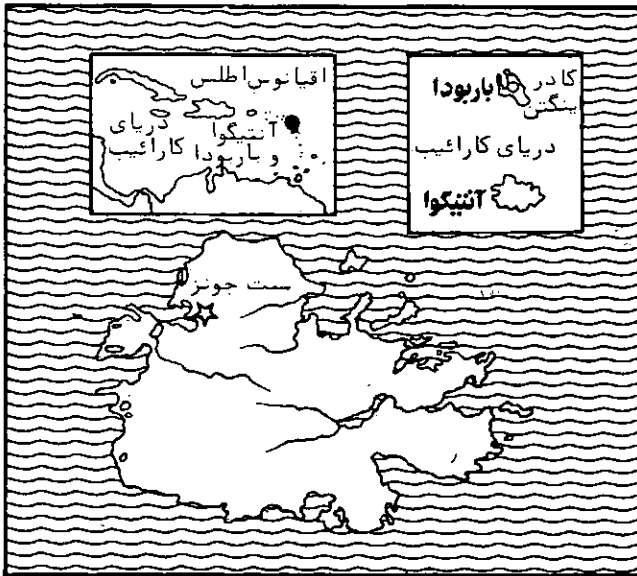
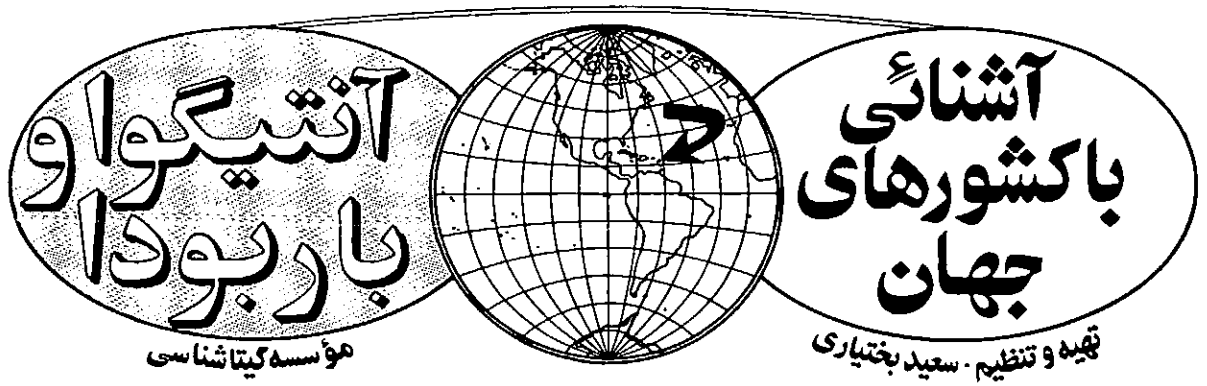
۱ - عدم امکان دسترسی و فراگیری علم برای همه . ۲ - پائین آمدن روحیه علمی در میان آحاد مردم مناطق دیگر .

### مشکلات ناشی از تمرکز سیاسی :

۱ - آمادگی زمینه رشد جریانهای مخالف در مناطق غیرپوشش . ۲ - ایجاد زمینه نا امنی سیاسی مناطق غیرپوشش .

### مشکلات ناشی از تمرکز اجتماعی :

۱ - عدم تعدیل رفاه اجتماعی در سطح کشور . ۲ - بی توجهی به شخصیت اجتماعی انسانهای غیرپوشش .



نام رسمی : آنتیگوا ( آنتیگوا و باربودا )

نام بین المللی : آنتیگوا اند باربودا ANTIGUA & BARBUDA

آنتیگوا با ۴۴۳ کیلومتر مربع وسعت در نیمکره شمالی ، نیمکره غربی در اقیانوس اطلس ، شمال شرقی دریای کارائیب در جزایر هند غربی ، جزایر لیوارد ( جزایر باد پناه ) و در ۶۰ کیلومتری شمال جزیره گوادلوپ واقع شده است .

این کشور از جزایری تشکیل یافته که اغلب کوهستانی و سرسبز بوده که دارای ارتفاعات آتشفشانی است و همچنین پاره‌های نقاط آن مرجانی می‌باشد . و درجه حرارت در تمام سال مطبوع و نیز آب و هوای گرم و مرطوب و بر باران به همراه دارد و به لحاظ موقعیت جغرافیایی از اهمیت استراتژیکی برخوردار است . به طور کلی آنتیگوا دارای سواحل پستی ، با یک بریدگی ساحلی از دماغه‌ها و خلیج‌های شنی که شامل چندین بندرگاه می‌باشد در امتداد سواحل غربی تا ۴۰۵ متری پیش رفته است .

از لحاظ توزیع سنی : ۴۴٪ جمعیت را افراد کمتر از ۱۴ سال ، ۴۸٪ را افراد ۱۵ تا ۵۹ سال و ۸٪ جمعیت را افراد بالاتر از ۶۰ سال تشکیل می‌دهند . میزان تولد ۱۶/۵ در هزار و میزان مرگ و میر ۶/۵ در هزار می‌باشد . میزان مرگ و میر کودکان نیز ۳۲ نفر در هر هزار نفر می‌باشد . میزان طلاق در هر هزار نفر ۰/۸ می‌باشد . از کل جمعیت کشور آنتیگوا ۴۸٪ مردان و ۵۲٪ رازنان تشکیل می‌دهند . ترکیب نژادی : نژاد اکثر مردم سیاه ( ۹۴/۴٪ ) ، دورگه ( ۳/۵٪ ) ، اروپایی ( ۱/۳٪ ) و ( ۰/۸٪ ) بقیه نژادها را تشکیل می‌دهند . ۴۴/۵٪ مذهب مردم انگلیکان ، ۴۱/۶٪ پروتستان ، ۱۰/۲٪ کاتولیک و ۳/۷٪ بقیه مذاهب می‌باشند .

آنتیگوا قسمتی از جزایر لیوارد در دریای کارائیب شرقی می‌باشد که در ۱۷ درجه و ۳ دقیقه شمالی و ۶۱ درجه و ۴۸ دقیقه غربی واقع شده است و بلندترین نقطه آن قله بوگی ( ۴۰۲ متر ) بوده و بزرگترین جزیره آن آنتیگوا ( ۲۸۰ کیلومتر مربع ) می‌باشد و از دیگر جزایر آن : باربودا ، رودندا و لانگ است .

جمعیت این کشور در سال ( ۱۹۸۴ ) ۸۰۰۰۰۰ نفر بوده و تراکم جمعیت ۱۷۸/۷ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد و ۳۰/۷٪ مردم ساکن شهرها و ۶۹/۳٪ بقیه ساکن روستاها می‌باشند .

زبان رسمی آن انگلیسی که با خط لاتین نوشته می شود.  
پایتخت این کشور شهر سنت جونز با ۳۵۰۰۰۰ نفر جمعیت بوده  
و شهر مهم آن کادرینگتن با ۱۰۲۰۰۰ نفر می باشد.

حکومت این کشور در سال ۱۹۶۷ ظاهراً " خود مختار شده و  
سیستم حکومتی آن فرمانداری کل بوده و فرماندار سر ویلفرد اینرز -  
ژاکوبس نماینده پادشاه ملکه انگلیس است و نخست وزیر آن کورنوال  
برد متولد ( ۱۹۳۵ میلادی ) می باشد.

در آنتیگوا یک مجلس سنا که دارای ۱۷ عضو انتصابی و یک  
مجلس قانونگذاری که هر ۵ سال یک بار انتخاب می شوند وجود  
دارد. احزاب مهم آن حزب کارگر آنتیگوا و حزب جنبش مترقی کارگر  
آنتیگوا می باشد.

این کشور در سال ۱۹۸۱ استقلال یافت و روز ملی آن یازدهم  
ژانویه می باشد و در سال ۱۹۸۱ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد  
و علاوه بر آن در سازمانهای زیر نیز عضویت دارد:

ملل مشترک المنافع، بازار مشترک کارائیب، سازمان کشورهای -  
آمریکائی، صندوق بین المللی پول، اتحادیه بین المجالس،  
سرزمینهای آفریقائی - کارائیبی - اقیانوس کبیر و سازمان همکاری  
کشورهای کارائیب شرقی.

مهمترین صنایع کشور عبارتند از: پارچه بافی، تشک، وسائل  
خانگی، محصولات نقاشی، محصولات پلاستیک، مبلمان، ساروج  
شنی و تصفیه نفت خام می باشد.

محصولات عمده کشاورزی آن شامل: سیب زمینی و سیب زمینی هندی،  
موز، کلم، کدو و کدو تنبل، بادنجان، خیار، گوجه فرنگی، هویج،  
ذرت، نشاسته کاساو و پنبه دانه می باشد. تعداد دام زنده (۱۹۸۲):  
۹۰۰۰ رأس گوسفند، ۷۰۰۰ بزغاله، ۷۰۰۰ خوک می باشد و ۱۰۵۰۰  
تن ماهی صید شده است.

تولید نیروی الکتریسته در سال ۱۹۸۲ بالغ بر ۶۳۰۰۰۰۰۰  
میلیون کیلووات ساعت بوده.

مهمترین معادن آن کشور، شن و ماسه می باشد.

نیروی کار کشور در سال ۱۹۸۰ بالغ بر ۲۸۰۳۷۸ نفر بوده که  
مشارکت زنان در نیروی کار ۱۱۰۱۳۲ نفر (۳۹/۲٪) و ۵۰۸۸۷ نفر  
(۲۰/۷٪) بیکار می باشد.

واحد پول آن دلار کارائیب شرقی (EC\$)، = ۱۰۰ سنت که  
هر دلار کارائیب شرقی برابر با ۲۸ ریال و هر ۲/۷ واحد آن برابر  
یک دلار آمریکا است.

تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۲ بالغ بر ۱۲۸۰۱۰۰۰۰۰۰  
میلیون دلار آمریکا بوده (درآمد سالانه ۱۰۶۶۰ دلار برای هر نفر)  
میزان واردات آنتیگوا در سال (۱۹۸۱): ۳۲۴۰۱۸۷۰۹۰۰ دلار

کارائیب شرقی بوده که شامل دستگاهها و وسائل حمل و نقل ۲۹/۶٪،  
مواد غذایی و دام ۲۶/۲٪، اجناس کارخانه‌ای ۱۹/۱٪، کالاهای  
متفرقه کارخانجات ۹/۹٪، مواد شیمیائی ۶/۳٪، مواد آشامیدنی  
و تنباکو ۳/۴٪، مواد خام به جز نفت ۲/۷٪ و سوخت معدنی،  
روغن ماشین و مواد مربوط به آن ۱/۷٪ بوده که از کشورهای زیر  
وارد گردیده است. ۴۷/۴٪ آمریکا، ۱۸/۸٪ انگلیس، ۵/۹٪ کانادا،  
۴/۸٪ پرتوریکو، ۲/۹٪ ترینیداد و توباگو، ۱/۶٪ جامائیکا، ۱/۵٪  
باربادوس و ۱/۱٪ گویان.

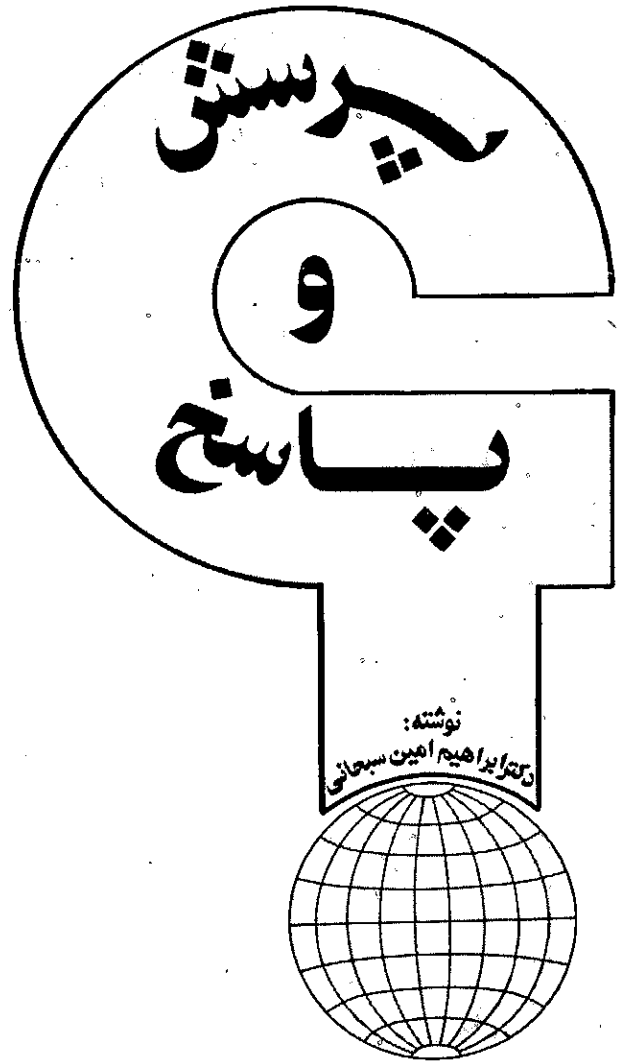
صادرات در سال (۱۹۸۱): ۹۲۰۴۳۱۰۶۰۰ دلار کارائیب  
شرقی است که شامل: ۵۲/۱٪ کالاهای متفرقه کارخانجات، ۲۳/۳٪  
دستگاهها و وسائل حمل و نقل، ۷/۶٪ اجناس کارخانجات، ۳/۱٪  
مواد شیمیائی، ۱/۸٪ مواد آشامیدنی و تنباکو، ۱/۲٪ مواد غذایی  
و دام بوده که به کشورهای آمریکا ۴۶/۷٪، ترینیداد و توباگو ۱۴/۸٪،  
انگلیس ۹/۷٪، پرتوریکو ۷/۷٪، باربادوس ۶/۲٪، جامائیکا -  
۲/۸٪ و به کانادا ۱/۷٪ صادر می شود.

در این کشور در سال (۱۹۸۲) ۳۸۰ کیلومتر راه اصلی  
آسفالت وجود داشته است و در همان سال طول راه آهن ۷۸ کیلومتر  
می باشد. در سال ۱۹۸۱ تعداد ۶۰۶۶۴ اتومبیل سواری و ۱۰۲۰۹  
کامیون و وسیله نقلیه عمومی مورد استفاده قرار گرفته.

رشد و پیشرفت صنعت توریست که از طریق فرودگاه بین المللی  
کولج و از طریق خطوط کشتیرانی مهمی که در سنت جونز قرار دارند  
فعالیت می کنند توانسته است ۹۶۰۵۸۴ نفر توریست از این کشور  
دیدن نمایند (۱۹۸۱)، که درآمد حاصله از این راه در سال ۱۹۸۳  
حدود ۴۳ میلیون دلار بوده است.

ارتباط جمعی توسط دولت کنترل می شود و در سال (۱۹۸۲) تعداد  
۱۹۰۰۰۰ گیرنده رادیویی (برای هر ۴/۱ نفر یک رادیو) و تعداد  
۱۶۰۵۰۰ گیرنده تلویزیونی (برای هر ۴/۷ نفر یک تلویزیون) مورد  
استفاده بوده، همچنین در سال (۱۹۸۰) تعداد ۶۰۷۱۲ شماره  
تلفن (برای هر ۱۱ نفر یک تلفن) به کار رفته است. در سال ۱۹۸۳  
دو نشریه روزانه با تیراژی برابر با ۵۰۵۰۰ نسخه منتشر می شد،  
(برای هر ۱۰۰۰ نفر ۷۱ روزنامه) می باشد.

در کشور آنتیگوا سال (۱۹۸۲) تعداد ۲۱۵ تخت بیمارستان  
وجود دارد و برای هر ۳۵۹ نفر یک تخت. تعداد پزشکان سال  
(۱۹۸۱)، ۳۳ نفر بوده که برای هر ۲۰۳۴۰ نفر یک پزشک وجود  
دارد. در این کشور ۹۵٪ کل جمعیت باسوادند (۱۹۷۷). و تعداد  
دانش آموزان (ابتدائی، متوسطه، حرفه‌ای و تربیت معلم و رشته‌های  
بالا تر): ۱۵۰۱۸۶ نفر بوده که در ۶۳ مدرسه و دبیرستان در حال  
تحصیل می باشند.



## چگونه می‌توان شدت جنبشهای زمین را تعیین کرد (مطالعه ماگروسیسمیک)؟

در جریان وقوع یک زلزله حوادث زیادی اتفاق می‌افتد. معمولا " حادثه اصلی و اولیه یا جنبشهای خفیف شروع شده و به تکانهای شدید منتهی می‌شود.

دستگاههای لرزه نگار کلیه لرزشها را ثبت می‌نمایند، لکن در نقاطی که این دستگاهها وجود ندارد، آگاهی از شدت زمین لرزه ( بر مقیاس بین المللی ) مورد سؤال است. بر اساس مقیاس فورل و مرکالی ( Forel , Mercalli ) شدت زمین لرزه را با آثار و حوادث بوجود آمده می‌توان در چهارچوب زیر قرار داد :

درجه ۱- ارتعاش زلزله به وسیله دستگاههای بخصوصی، ثبت می‌شود ولی برای انسان غیر قابل درک است.

درجه ۲- زلزله بوسیله پاره‌ای از افراد که در حال استراحت هستند، مخصوصا " کسانیکه در طبقات بالای منزل سکونت دارند، قابل درک است.

درجه ۳- زلزله نسبتا " قوی بوده، بوسیله عده زیادی که در حال استراحت هستند قابل درک می‌باشد. مدت و جهت زلزله را گاهی می‌توان تخمین زد.

درجه ۴- زلزله بوسیله تعداد زیادی از مردم که در داخل منزل هستند و تعداد کمی که در فضای آزاد می‌باشند قابل احساس است. در این موقع اشیاء متحرک، درها و پنجره‌ها تکان می‌خورند و ظروف چینی به ارتعاش در می‌آیند، کف و سقف اطاقها به صدا در می‌آیند مانند زمانیکه یک کامیون سنگین از کوچه رد می‌شود.

درجه ۵- زلزله تقریبا " بوسیله همه مردم قابل درک است و برخی از افراد خوابیده را بیدار می‌کند، اشیاء سنگین، میله‌ها و تخت خوابها، می‌لرزند، ساعت‌های دیواری به آرامی به صدا در می‌آیند.

درجه ۶- اغلب افراد خوابیده از خواب بیدار می‌شوند و وحشت زده از محل‌های خود خارج می‌شوند، تمام ساعت‌های دیواری به صدا در می‌آیند و گاهی پاندول آنها متوقف می‌شود. لوسترها نوسان پیدا می‌کنند و ظروف چینی می‌شکنند. به نظر می‌رسد که درختها می‌لرزند. در اینیه با استحکام متوسط قشر گچی دیوارها ترک بر میدارد و لایه گچی سقفها می‌ریزد.

درجه ۷- وحشت عمومی حاکم می‌شود، برخی از ساختمانها ترک بر میدارند، بخاریهای نصب شده می‌افتند، مناره‌ها فرو می‌ریزند، شیشه ساختمانها می‌شکنند ولی ساختمانهای خوب ساخته شده از جمله ساختمانهای چوبی زاپنی و از این قبیل باقی می‌مانند، ناقوسها به صدا در می‌آیند، گل‌های مردابها جابجا می‌شوند، در روی برخی از آب‌های جاری موجهایی بوجود آمده ملاحظه می‌گردند.

درجه ۸- اغلب بخاریها می‌افتند حتی آنهایی که خوب ساخته شده‌اند، شکافها در دیوارها دهان باز می‌کنند، مجسمه‌ها روی ستونشان پیچ می‌خورند و یا سقوط می‌کنند، ناقوس کلیساها می‌افتند، در کوهها سنگها کنده می‌شوند، در دامنه‌های با شیب تند و در زمینهای مرطوب ترک‌هایی ایجاد می‌شود.

درجه ۹- تخریب عمومی یا جزئی در برخی از ساختمانها حادث می‌شود. بناهای آسیب دیده قابل سکونت نمی‌باشند و بسیاری تیز منهدم می‌گردند.

درجه ۱۰- اغلب ساختمانهای سنگی خراب می‌شوند، ساختمانهای محکم چوبی و پلها منهدم می‌گردند و برخی کاملا " ویران می‌شوند، لوله‌های آب و گاز شکسته و جابجا می‌شوند، خطوط راه آهن کمی خم می‌شوند، در کوهها شکاف و پستی و بلندی بوجود می‌آید، در دامنه کوهها واریزه‌ها انباشته می‌شوند،



رسمی دولت مکزیک درجه حرارت ۵۸ درجه سانتیگراد در استان سن لوئی در این کشور ثبت شده است.

معدل درجه حرارت سالانه (شبانه روز) در ایستگاه لوف فراندی (Lugh Ferrandi) واقع در کشور سومالی ۳۱ درجه سانتیگراد گزارش شده است.

در ماربل بار (Marble Bar) استرالیا غربی در مدت ۱۶۱ روز (از ۳۱ اکتبر ۱۹۲۳ تا ۲۴ آوریل ۱۹۲۴) درجه حرارت بین حداقل ۳۷/۸ و حداکثر مطلق ۴۹/۴ درجه سانتیگراد بوده است. این مدت طولانی و درجه حرارت این چنین، درجه حرارت قرن نامیده شده است.

در ۱۹۵۰ از یک معدن گوگرد واقع در دالول بیابان داناکیل کشور اتیوپی درجه حرارت ۶۳ درجه سانتیگراد گزارش شده است. از کشور سودان درجه حرارت ۹۹/۴ درجه فارنهایت نیز برای حرارت جلو آفتاب گزارش شده است.

سردترین نقطه و درجه حرارت ۸۸/۳- سانتیگراد در روز ۲۴ اوت ۱۹۶۰ از وستوک قطب شمال (شوروی) اعلام شده است. درجه حرارت سالیانه این ناحیه ۵۷- درجه است. خارج از منطقه قطبی ۶۸- درجه سانتیگراد در فوریه ۱۹۳۳ در شهر اویمیاکن (Oymyakon) شوروی ثبت گردیده است.

اقتباس از: کتاب بی نهایت‌ها

آب رودها و دریاچه‌ها به طرف کناره‌ها و سواحل پرتاب می‌شود. درجه ۱۱- فاجعه عمومی است، هیچ ساختمان سنگی مقاومت نمی‌کند، تمام پلها خراب می‌شود، سدها و بندها باز می‌شوند، خطوط راه آهن کج و هوج می‌گردند، فقط ساختمانهای محکم چوبی و یا ساخته شده از شاخ و برگ باقی می‌مانند، در خاک شکافهای عظیم بوجود می‌آید، واریزه‌ها و ریزشهای شدید صورت می‌گیرد، آبهای جاری طغیان می‌کنند.

درجه ۱۲- فاجعه عظیم است، هیچ اثر انسانی باقی نمی‌ماند، تغییرات واقعی در توپوگرافی زمین حادث می‌شود، گسلها و جابجایی افقی قطعات بوجود می‌آید، کوهها متلاشی می‌شود و بعضی قسمتهای آنها می‌ریزد یا منهدم می‌شود، دره‌ها مسدود می‌گردند، دریاچه‌ها و آبشارها بوجود می‌آیند، رودها مسیر خود را تغییر می‌دهند.

مرجع اصلی: کتاب زمین شناسی عمومی گایو

## گرمترین و سردترین نقاط روی زمین؟

در ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۲ (۲۲ شهریور) در العزیزیه واقع در شمال مغربی لیبی در ۴۰ کیلومتری جنوب تریپولی، در شرایط متعارف، درجه حرارتی برابر ۵۸ درجه سانتیگراد در سایه مشاهده شده است. در ضمن در ۱۱ اوت ۱۹۳۳ (۲۰ مرداد ماه) بنا به گزارش

برادر صادق ذاکر دبیر جغرافیای بروجرد، طی نامه‌ای به کتاب جغرافیای عمومی سال چهارم اقتصاد اجتماعی اشاره کرده و چند بیتی برای مجله ارسال نمودند که ذیلاً به نظر خوانندگان می‌رسد. برای این معلم جغرافیا آرزوی موفقیت داریم.

به نظر اینجانب بسیار بجا می‌بود که از آغاز مطالعات و رصد کردن ستارگان که به شناخت زمین و کروییت زمین و زمین در فضا، فضا و فضاوردی منجر شده است نوشتاری بدین مضمون "سیری در فلسفه اخترشناسی" به صورت اولین صفحه کتاب و یا مقدمه‌ای کوتاه گنجانیده می‌شد.

وی در قسمتهای دیگری از نامه خویش نوشته است: "بهبتر دیدم این موضوع را به صورت نظم درآورم، بدین وسیله با نهایت احترام آن را به نام رصد ستارگان یا مینای علم هیئت ارسال می‌دارم، امیدوارم با توجه به آیه شریفه قرآن: افلا تنظرون الی السماء کیف رفعت. مورد پسند دست اندرکاران در این زمینه قرار گیرد.

برادر ذاکر سپس اشعار خویش را تحت عنوان رصد ستارگان (مینای غلم هیئت) در ۵۰ بیت آورده است که قسمتهای از آن را برای خوانندگان مجله رشد جغرافیا درج می‌کنیم:

فلک را به شها اگر بنگری	
بود نام آن صورت دیگری	
بود نام هریک از این برجها	
به چیزی شبیهش همی نزد ما	
حمل، بره یعنی بود ثور، گاو	
به هیئت نمائی اگر کندوکاو	
گروهی ز انجم که پیدا بود	
به مانند گاو هییدا بود	
بود ثور در ماه اردیبهشت	
خدا اینچنین خط به بالا نوشت	
* * *	
کوپرنیک و گالیله را یاد یاد	
که هیئت از این هردو آباد یاد	
بگفتند گردد زمین بر مدار	
صور در فلک را تو ساکن شمار	
* * *	
به جغرافیای عمومی شناس	
که در سال چارم بود در کلاس	
بود فرض این گفته عنوان کند	
که آموزش هیئت آسان کند	
نوآموز یا چشمها بنگرد	
رصد خود نماید ز راه خرد	
در این درس ورزیده و شاد باد	
به تدریس زحمت کشیدم بسی	
که یادی ز "ذاکر" کند هر کسی	

# اخبار جغرافیائی

## ایراد سخنرانی

اولین سخنرانی گروه جغرافیای دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی در سال تحصیلی جاری در سالن شهید رجایی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی برگزار گردید. این سخنرانی تحت عنوان "گردش عمومی هوا" توسط دکتر بهلول علیچانی استاد دانشگاه تربیت معلم در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۶۵ انجام شد. بیش از ۷۰ نفر از دبیران جغرافیا و دانشجویان و دیگر علاقمندان به علم جغرافیا در این سخنرانی شرکت نمودند. لازم به تذکر است که دومین سخنرانی سال تحصیلی جاری نیز بزودی از طرف گروه جغرافیا برگزار می شود و توسط بخشنامه از طریق مناطق به اطلاع همکاران خواهد رسید.

## مجموعه جغرافیای ایران

به دنبال ارسال فرمهای تقاضای مجموعه جغرافیای ایران به اطلاع کلیه همکاران تقاضا کننده می رساند که این مجموعه دوجلدی هم اکنون در حال چاپ است که به محض آماده شدن به اطلاع همکاران خواهد رسید.

## سومین کنفرانس اخترشناسی ایران

سومین کنفرانس اخترشناسی ایران در تاریخ ۱۰ - ۸ شهریور ۶۵ در دانشگاه تبریز برگزار گردید. در این کنفرانس علاوه بر ایراد سخنرانیهای علمی و تحقیقی، شرکت کنندگان از رصدخانه خواجه نصیر طوسی نیز بازدید به عمل آوردند.

کنفرانس در ساعت ۸ صبح روز شنبه ۸ شهریور با تلاوت آیاتی از قرآن مجید و سخنان نماینده امام و امام جمعه تبریز آغاز و سپس رئیس دانشگاه و مسئول برگزاری کنفرانس گزارشی از برنامهها را ارائه دادند.

برنامهها در دو قسمت صبح و بعدازظهر جریان داشت و عمدتاً به طرح تحقیقات انجام شده و ارائه مقالات از سوی شرکت کنندگان سیری گشت.

یکی از موضوعاتی که در کنفرانس مورد بحث قرار گرفت اهمیتی بود که قرآن و احادیث به تفکر و توجه در خلقت آسمانها و کیهانشانها داده است.

## کتابهای روش تدریس

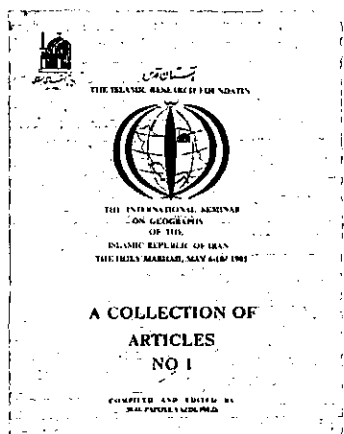
به دنبال اعلام خبر تهیه کتابهای روش تدریس برای دوره سه ساله راهنمایی در شماره های قبل نشریه آموزش جغرافیا، بدینوسیله به اطلاع کلیه همکاران دبیر در دوره راهنمایی می رساند که کتاب روش تدریس جغرافیای سال سوم راهنمایی هم اکنون از چاپ خارج شده و همکارانی که موفق به دریافت این کتاب نشده اند می توانند کتاب مزبور را از کتابفروشی شهید موسوی جنب سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تهیه نمایند. همچنین کتابهای روش تدریس جغرافیای سالهای اول و دوم در حال چاپ است که به محض آماده شدن به اطلاع همکاران خواهد رسید.

## جغرافیای استانها

تمام کتابهای جغرافیای استانها با اصلاحاتی در حال چاپ است که به تدریج جهت توزیع آماده می گردد. لازم به تذکر است

# کتابهای تازه

- تهیه نقشه‌های تصویری براساس اطلاعات ماهواره‌ای لندست .
- لهجه شناسی و جغرافی .
- نقش ژئومورفولوژی در عمرانهای محیط .
- مفهوم هفت اقلیم از نظر جغرافیدانان .



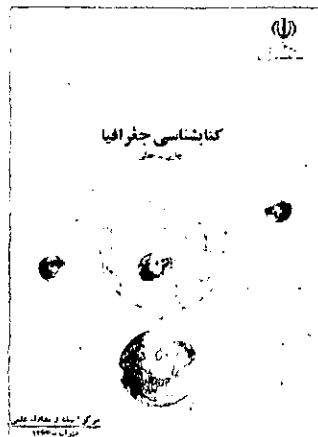
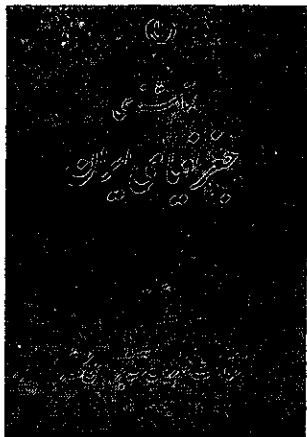
## کتابشناسی جغرافیا چاپی - خطی

صدیقه سلطانی فر، از انتشارات مرکز اسناد و مدارک علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه، در ۲۲۸ صفحه، بهای ۳۵۰ ریال. مؤلف کتاب به دلیل آشنایی با کتاب و ممارست در اینگونه امور به طریق علمی و با دید کتابشناسی کتابهای جغرافیایی را از ابتدا تا کنون معرفی کرده است. بخش اول این کتاب ویژه معرفی کتابهای چاپی است که مطالب این کتابها را کلیات جغرافیایی تشکیل می‌دهد. بخش دوم فهرستی از کتابهای مرجع، فرهنگها، دایرة المعارفها و آمارنامه‌ها می‌باشد.

## مجموعه مقالات سمینار جغرافی (شماره ۱)

- بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس در اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ کتابی تحت عنوان فوق انتشار داده است که جمعا " شامل ۱۹ مقاله جغرافیایی به شرح زیر است :
- برداشتی جغرافیایی از جمعیت مسلمان جهان و پاره‌ای مشخصات دموگرافیک آن .
  - جغرافیدانان ایران و مسائل مهم جامعه ما . جغرافیای جهل . ژئومورفولوژی شرق حوضه کپه داغ .
  - منابع آب زیرزمینی شهر مشهد .
  - نقش تغییرات آب و هوایی سالهای ۱۳۴۸ - ۱۳۵۰ در تخریب مراتع و افزایش مصرف جو در خراسان .
  - ویژگیهای قنوت خراسان جنوبی و مسائل مربوط به تقسیم آب آنها .
  - مطالعه‌ای پیرامون تغییر مدار گردش آب و اثرات اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن .
  - بررسی مسائل ایجاد شهرک در مناطق بیابانی به ویژه کویری ایران .
  - سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران .
  - شهرگرایی روستا و معیارهای تفکیک آن از شهر .
  - خطرات پخش تشعشعات امواج میکروویو .
  - مقدمه‌ای بر کاربرد مفاهیم جمعیت و تغذیه در تحقیقات ناحیه‌ای کشورهای روبه رشد .
  - ویژگیهای جغرافیای جمعیت ایران .
  - آشوراده و شبه جزیره میانکاله .





۲- جمعیت و پراکنندگی آن در ایران: مرداد ۱۳۶۲، ۳۴ صفحه.

دوفین کتاب از انتشارات همین سازمان است که خصوصیات جمعیت ایران را با تکیه بر آمار و ارقام سرشماریهای ۱۳۳۵، ۴۵ و ۵۵ بررسی و با هرهای سنی و جداول و نمودارها و نقشه‌ها استفاده از کتاب را آسانتر کرده‌اند.

۳- ایلات و عشایر ایران و مسیر مهاجرت آنها: ۱۳۶۵، ۳۴ صفحه.

با آنکه در زمینه مطالب کتاب مزبور تا کنون کارهای مفیدی انجام شده، مع الوصف این کتاب با داشتن نقشه ضمیمه که تعداد ایلات و عشایر و مسیر مهاجرت آنان را مشخص می‌کند قابل استفاده فراوان است.

### فصلنامه تحقیقات جغرافیائی

اولین شماره فصلنامه تحقیقات جغرافیائی تابستان ۱۳۶۵ در ۲۱۴ صفحه توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و به مدیریت دکتر محمد حسین پاپلی یزدی انتشار یافت. این فصلنامه شامل مقالات زیر می‌باشد:

تعریف، مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا، مروری بر فلسفه مهاجرت‌های انسانی، بررسی تحولات جمعیتی و معیشتی نواحی جغرافیائی با تکیه بر اسامی مکانها، بررسی پدیده‌های جذر و مد قمری و خورشیدی، وضع پولی ایران در جنگ دوم جهانی، روش تحقیق تاریخ از جغرافیا، بررسی اجمالی نظریه‌های گوناگون در مورد شکل کلی مسکنهای سنتی و بومی، نظامهای سنتی، سنجش زمان برای تقسیم آب در مید، تاریخ شهرهای خراسان، مرو، تحقیق درباره ۸۰۰ سال سفر سیاحان به ایران.

امید است که فرهنگ دوستان و به ویژه علاقمندان به دانش جغرافیا از مطالب این نشریه بهره‌مند شوند و دست اندرکاران انتشار آن قرین موفقیت باشند.

در بخش سوم و چهارم اطلس‌ها و راهنماها را معرفی نموده است. بخش پنجم ویژه معرفی کتابهای جغرافیا در رشته‌های مختلف طبیعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و نظامی، تاریخی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای می‌باشد.

بخش مفصلی از کتاب مزبور شامل کتابهای جغرافیای جهان و جغرافیای ایران و بالاخره آخرین بخش کتاب به معرفی کتابهای خطی جغرافیائی پرداخته است.

فهرستهایی که برای کتب، نامها و مکانها تهیه شده و همچنین راهنماهای موضوعی کتابها، بهره‌وری از کتاب و وصول به هدف را سهل‌تر می‌کند. رویهمرفته باید گفت با آنکه کتاب یاد شده می‌توانست کتب جغرافیائی بیشتری را شامل شود، نشده، اما در نوع خود کاری بدیع است.

### از انتشارات سازمان نقشه برداری کشور سه کتاب به صورت مجموعه‌هایی به گروه جغرافیای دفتر تحقیقات رسیده که عبارتند از:

۱- کتابشناسی جغرافیای ایران: جلد اول، در ۴۷۳ صفحه که در سال ۱۳۶۴ چاپ آن به وسیله سازمان مزبور پایان پذیرفته. بخش اول این کتاب (حدود ۳۵ صفحه) مطالب جغرافیائی است که به اختصار و تحت عناوین مختلف به رشته تحریر در آمده است.

در بخش دوم کتاب فهرست کتب جغرافیائی به طریق الفبائی تهیه شده.

در بخش سوم فهرست موضوعی کتابهای جغرافیائی را می‌بینیم. این کتاب که قطعا با انتشار جلدهای بعدی تکمیل خواهد شد از نظر کتابشناسی و معرفی کتب دارای نقائصی است که انشاء... در آینده بدان توجه خواهند کرد. اما به هر حال کوشش قابل تقدیری می‌باشد.

## دعوت از استادان و محققین جغرافیا

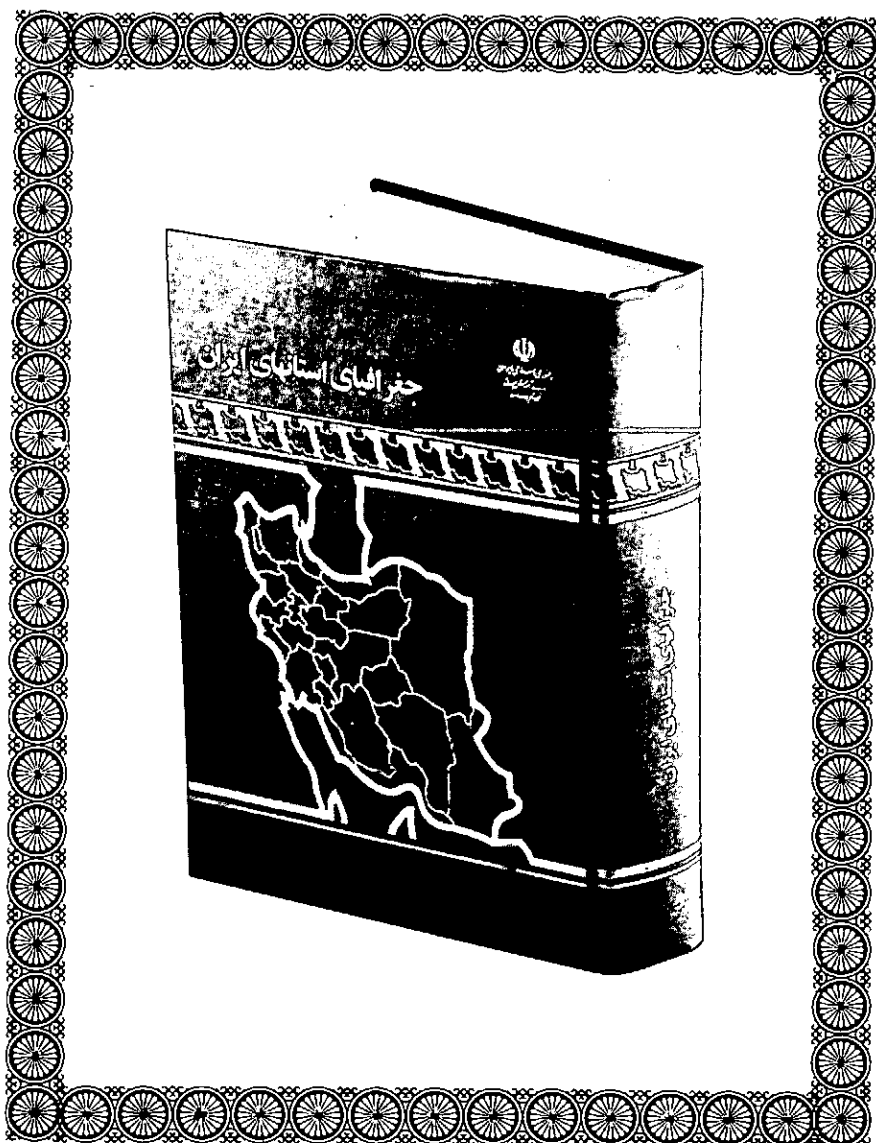
چندی پیش، از آقای محمد علی کشاورزی، دانشجوی سال دوم جغرافیا در دانشگاه اصفهان نامه محبت آمیزی دریافت کردیم که در آن سئوالات علمی برارزشی را مطرح کرده بودند.

ما در اینجا سئوالات این دانشجوی عزیز را درج می‌کنیم تا باب بحثی باز شود که در قرن بیستم همواره از جانب جغرافی دانان معروف جهان مطرح بوده است. در ضمن، از همه استادان، محققین و دبیران گرامی جغرافیا به ویژه از آنها که در نزد اهل دانش جغرافیا شناخته شده هستند، دعوت می‌کنیم که نظر و عقیده خویش را هر چند محدود و یا به یکی دو سؤال، برای ما بنویسند.

امید آنکه با نشر همه این اظهار نظرها بتوانیم به یک داوری علمی مورد نیاز جامعه دست یابیم.

### سئوالات:

- ۱- در علم جغرافیا، گرایش به برنامه ریزی از چه زمانی شروع شده است و آیا اساساً یک دانشجوی فارغ التحصیل جغرافیا ( دوره لیسانس ) می‌تواند یک برنامه ریز باشد؟
- ۲- به طور روشن به من بگوئید آیا امیدی هست که در آینده، دانشجوی رشته جغرافیا، بتواند یک برنامه ریز باشد؟
- ۳- پیشرفته‌ترین کشورها در زمینه جغرافیا کدام کشورها می‌باشند و در این کشورها از جغرافیای کاربردی چگونه استفاده می‌شود؟
- ۴- در کشور ما، کدام نهادها و سازمانها می‌توانند فارغ التحصیلان جغرافیا را استخدام کنند، البته نه در کارهای دفتری بلکه به عنوان یک مشاور علمی که بتواند با علم خود، سازمان استخدام کننده را مدد رساند؟
- ۵- رشته جغرافیا، چرا از این همه مطالب پراکنده ترکیب می‌شود و دارای مطالب خاص در زمینه خاص نمی‌باشد؟



**بزودی در دو جلد منتشر می شود**

نصیر حسن خان کبیر در جزایر هند

